

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۷۵ - قیمت ۲۵ ریال - ۲۰ صفحه

سال دوم - چهارشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۵۹

((اکتریت))

گشایش دانشگاه، این سنگ را زادی،

● بستن دانشگاهها و مراکز آموزشی
ضدیت با مصالح انقلاب ایران است.

خواست مردم هاست

جملگی خواهان آن اند که شناختن شوراهای دانش -
دانشگاهها و مراکز آموزشی آموزان و معلمان و غیره
مهرماه باقی نمانده است. مهرماه از اول مهرماه باز هستند.
کشور از اول مهرماه دهها هزار دانشجو، دهها هزار داوطلب کنکور و هزاران
گشوده شوند. میلیون‌ها اما حکومت جمهوری
دانشآموز و معلم و کارکنان اسلامی همچنان بی‌توجه به
آموزش و پرورش خواهان خواست مردم و به خواست
رعایت آزادی‌های صنفی - انقلاب زیر پوشش "انقلاب
فرهنگی" بر تعطیل سیاسی در مدارس و خواهان
دانشگاهها و مشتاق گشایش سایر حقوق دمکراتیک خویش از جمله تسهیلات
دانشگاهها و مراکز آموزشی آزادی و استقلال ایران اند،
بقیه در صفحه ۵

۱۷ شهریور

روز تجلی دلاوریهای خلق در برابر گلواله دژخیمان

هنگامی که رژیم گسیل واحدهای ارتش، ددمنشی و ماهیت خدالقی
دیکتاتوری شاه در صبح یورش وسیع، وحشیانه و ارتش شاه، برای آنان که زیر
هدفهم شهربیوز ۵۷ با اعلام جنایتکارانه خود را به تاثیر شعار رهبران جنبش
ناآگهانی حکومت نظامی و مردم مبارز تهران آغاز کرد

بقیه در صفحه ۳

نگاهی به برنامه اقتصادی دولت رجائی

خانه از پای بست ویران است

خواجه در بند نقش ایوان است

در صفحه ۹

ددمنشی و ماهیت خدالقی

دیکتاتوری شاه در صبح یورش وسیع، وحشیانه و ارتش شاه، برای آنان که زیر

هدفهم شهربیوز ۵۷ با اعلام جنایتکارانه خود را به تاثیر شعار رهبران جنبش

ناآگهانی حکومت نظامی و مردم مبارز تهران آغاز کرد

بقیه در صفحه ۳

آزادی‌های سیاسی و پیکار ضد امپریالیستی

یکی از هدف‌های انقلاب استقرار آزادی‌های سیاسی آزادی بیان و نشر افکار و عقاید پرای همه نیروها و جریان‌های انقلابی است. این آزادی‌ها بخشی از حقوقی است که در دوره دیکتاتوری و خفغان رژیم سرسپرده به امپریالیسم پهلوی به زور سرنیزه و شلاق از مردم مسلوب شده بود.

از قیام تا به امروز انحراف طیبان سیاسی در جمهوری اسلامی گام به گام، در هر فرصت مناسب، آزادی‌های سیاسی نیروهای انقلابی و آزادی بیان و معتقدات و نشر اندیشه را پایمال کرده است. این سیاست در این مدت، هر وسیله‌ای را از بسیج چهقداران گرفته تا حمله به دفاتر و مراکز نیروهای سیاسی و فجیع تراز همه دستگیری و تیرباران و یا ترور ناجوانمردانه آنفلابیون خلق به کار بسته است، تا به زعم خود رشد و تعمیق آگاهی مردم گردد. این سیاست همواره از تشكل توده‌ها حول سازمان‌های انقلابی آشکارا هراس داشته است.

یک سال پیش به رغم همه حملات مزدوران و چهقداران، مراکز و دفاتر علمی نیروهای انقلابی همچنان وجود داشت. اما طی یک ساله اخیر، انحراف طلبی سیاسی، این آزادی‌ها را که شره خون دهها هزار شهید... بقیه در صفحه ۲

جوایبه نمایندگان مجلس به کنگره امریکا

مدآلات امریکا را محکوم کرد
اما محاکمه گروگانهای را
مسکوت گذاشت!

در صفحه ۴

در این شماره:



پیشاست (۹ سیتمبر) سالروز تشکیل جمهوری دمکراتیک خلق کره

انقلاب گرده؛ در صفحه ۶

جزئی از انقلاب جهانی پرولتاریا

مردم لاتوس می‌گویند:

زمان ممتد رو رود مکونگ به عقب بازخواهد گشت
لاآوس کهن متعلق به گذشته است و هرگز بازخواهد گشت

لاآوس نوین در صفحه ۷

پرایید به آینده هی نگرد



پکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

جنبش کارگری ایران	۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفت
اعترض کارگران کارخانجات و استخراج سازمان کمتر از ۱۰ به بخششانه انحلال شوراهای در صفحه ۱۸	خواست همه کارگران است
اعلامیه نایندگان شوراهای سندی‌های و کارکارهای در صفحه ۱۴	در صفحه ۲۰

وزارت کار می‌گوید: چون قانون سودومنه طاغونی بود، آنرا تفوگردید

کارگران می‌گویند: وقتی یک قانون طاغوتی تفو

می‌شود، باید تأثیری هتلی جایگزینش شود

جنش دهقانی ایران

زمین‌کشان «ده موسی» (نهاند)

در سنگر شوراهای حکم ایستاده اند

عساکر فا بای سرکوب خواین جبره خوار امریکا

اسلحه می‌خواهند باید آنها را هلاج گرد! در صفحه ۶



است، لایوشانی
می‌کند.

اگر آنچه از طلبی سیاسی حزب جمهوری اسلامی راه را بر آگاهی مردم می‌بندد، مرز دوستان و دشمنان مردم را در هم می‌بیند، شعار "مرگ بر ارتقای نیز دشمن اصلی را از زیر ضرب خارج می‌کند و عملی مانع از آن نیست که لیبرال‌ها خود را دوست مردم معرفی کنند. این سیاست نه تنها به خط نیروهای لیبرال کم بده می‌دهد بلکه چنانکه مشاهده می‌شود تاحد زیادی با استقبال آنان نیز مواجه می‌شود.

بی‌شک میلیون‌ها زن و مرد به پا خاسته ایرانی که در راه استقلال و آزادی خویش حاضر به هرگونه جانفشاری هستند، در برابر سیاست‌هایی که می‌خواهد آزادی، این شره انقلاب خونین میهن ما را از آنان سلب کند، سرخشنانه پایداری خواهند کرد و در این راه همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست که مبارزه در راه حقوق دموکراتیک و تعمیق آزادی‌های سیاسی را لازمه پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا می‌داند، دوشادوش و پیشاپیش خود خواهند یافت. وقتی آزادی‌ها و حقوقی که مردم در مبارزه‌ای سخت، طولانی و خونین علیه دیکتاتوری شاهنشاهی به چنگ آورده‌اند، این‌چنین مورد تهاجم قرار گرفته است مبارزه در راه حفظ دستاوردهای قیام پیروزمند ۲۲ بهمن وظیفه‌ای است که باید مردم را توجه جدی همه نیروهای انقلابی، مبارز و ترقیخواه قرار گیرد.

این سیاست بیش از همه به سود لیبرال‌ها و همه محافل مورد حمایت امپریالیسم تمام شده است، درست بر چنین زمینه است که دشمنان انقلاب ایران، همان‌هایی که تا دیروز هر فریاد آزادی خواهانهای را با گلوله پاسخ می‌دادند و قلب میهن پرستان را آماج گلوله می‌ساختند، امروز فرصت می‌یابند روبه صفتانه برای آزادی‌های سیاسی و سایر حقوق دموکراتیک مردم ما دل بسویانند و لبه تیز مبارزه را که علیه دشمن اصلی - آمریکا - است منحرف ساخته و به این سو و آن سو بکشانند.

سخنان رئیس جمهور هم در مراسم سالگرد شهدای ۱۷ شهریور "بخشی" از همین حقایق را منعکس می‌کرد.

رئیس جمهور نیز بر اهمیت آزادی‌های سیاسی و اتحاد همه نیروها تاکید کرد. او سیاست‌های کسانی را که همواره تلاش دارند آزادی فعالیت‌های سیاسی را از مردم سلب کنند، مورد حمله قرار داد و اظهار داشت که چنین سیاست‌هایی راه را بر بازگشت سرسپرده‌گان امپریالیسم به قدرت هموار می‌کند. او سیاستی را که می‌کوشد به هر وسیله از جمله مروع ساختن مردم آزادی‌های سیاسی را نابود کند و حق آزادی بیان را از مردم سلب کند، محکوم ساخت.

تاکید رئیس جمهور به آزادی‌های سیاسی تاکیدی درست است که در صورت پیگیری با استقبال مردم مواجه خواهد شد.

اما این آزادی سیاسی‌زمانی می‌تواند در خدمت زحمتکشان میهنمان قرار گیرد که با مبارزه‌ای پیگیر با نیروهای سازشکار و عناصر وابسته به امپریالیسم همراه گردد. مگر نه اینکه قائل شدن حق آزادی فعالیت سیاسی برای امثال میناجی‌ها، مدنی‌ها و قشقاوی‌ها نقض آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک مردم است؟ آیا واقعاً آقای رئیس جمهور به همان اندازه که "حقوق" قشقاوی‌ها و میناجی‌ها را به رسمیت می‌شناسد، آماده است تمام حقایق را پیرامون فاجعه ترور توماج و هم‌زمانی نیز به مردم بگوید؟ آیا رئیس جمهور حاضر است تمام حقیقت را به مردم بگوید؟ به علاوه سیاست‌هایی که برای دفاع از آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک شعار "مرگ بر ارتقای" را مبنای قرار می‌دهد اهمیت‌شعار اساسی مرگ بر امپریالیسم را مخدوش می‌سازد و مبارزه مردم علیه محافل لیبرال و سایر تیروهای مورد حمایت امپریالیسم جهانی را عملاً به انحراف می‌کشد و در این رابطه شایان توجه است که رئیس جمهور نیز در این سخنرانی نخستین بار بود که صراحتاً اعلام کرد: "خط اساسی را از جانب آمریکا می‌دانم".

در عین حال سیاستی که زیر پوشش حمایت از مبارزات ضد امپریالیستی، سرکوب آزادی‌ها، ترورهای سیاه و اعدام‌های جنایتکارانه انقلابی‌های خلق را فرست طلبانه به سکوت برگزار می‌کند، عملای این حقیقت مسلم را که برای تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی، آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها حائز اهمیت جدی

مردم باید بدآنند!

در حالی که:

مالیات بر درآمد شرکت‌های خصوصی نسبت به سال گذشته ۱۱٪ کاهش یافته است، مالیات بر حقوق کارگران و کارمندان ۱۰۰٪ اضافه شده است

دولت جمهوری اسلامی باید به زحمتکشان میهن ما پاسخ دهد:

در شرایطی که گرانی، بیکاری، بی‌خانمانی و... بیداد می‌کند، چرا مالیات بر درآمد سرمایه‌داران و ثروتمندان را کاهش می‌دهد و به جای آن بر مالیات کارگران و کارمندان می‌افزاید؟

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

آزادی‌های سیاسی و ... بقیه از صفحه ۱

بوده، به تدریج محدود و محدودتر ساخته‌اند تا جایی که امروز نه تنها از دفاتر مراکز و نشریات علمی نیروهای انقلابی خبری نیست، بلکه حتی اجتماعات قانونی آنها عمل ممنوع است و کار به جایی رسیده است که نیروهای انقلابی خلق، همان‌هایی که پیشنازان مبارزه ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق ما بوده و هستند، امروز در کمال گستاخی به دستور خودسرانه کینه‌توزانه حکام شرع به جوخه‌های اعدام سپرده‌شوند، یا به دست باندهای سیاهی که همکی در پناه حمایت و مورد پشتیبانی همین احصار طلبان قرار دارند ناجوانمردانه ترور می‌شوند. چنانکه در دو هفته اخیر سه‌تی از شایسته‌ترین فرزندان خلق، سه‌فدا بی‌عقل را به شهادت رسانده‌اند. چنین سیاستی انسان‌گار عمیقی را در مردم برانگیخته و در سطح جهان تصویر زنده و محاکومی را از خود ترسیم کرده و ضربات مرگباری را به جنبش خدام امپریالیستی - دموکراتیک مردم می‌شنند ما وارد ساخته‌ادامه آن خطر شکست انقلاب را در بی‌خواهد داشت.

خفقان سیاسی و پراکندگی و جهل مردم بستر سلطه امپریالیست‌ها و متحدان داخلی آن است؛ وقتی آزادی فعالیت‌های صنفی و سیاسی از مردم سلب شود، وقتی آزادی اجتماعات و انتشار آزادانه نشریات نیروهای انقلابی که آگاهی‌های سیاسی مردم را رشد می‌دهد این‌چنین مورد هجوم قرار می‌گیرد و به سازمان‌های انقلابی خلق این‌چنین کینه‌توزانه برخورد می‌شود، وقتی به بهانه غیراسلامی بودن مردم را از تشکل در انجمن‌ها و کانون‌های فعالیت دموکراتیک اتحادیه‌ها و سندیکاها و احزاب و سازمان‌های سیاسی متفرقی منع می‌کنند و فقط فعالیت‌هایی را مجاز می‌شمارند که مطابق معتقدات "مکتبی" آنان باشد این به معنی آن است که می‌کوشند عمله نیروی مردم را از ادامه انقلاب و گسترش مبارزه برای رها ساختن می‌شنند در انجمن‌ها و کانون‌های فعالیت دموکراتیک اتفاق‌دهد این‌چرخ انقلاب و به شکست کشانند آن، امروز دانشجویان و استادان، دانشآموزان و معلمان روشنفکران و کارگران، کارمندان و پرسنل انقلابی را به جرم دفاع از عقاید و اندیشه علمی و مخالفت با سیاست‌هایی که به پیشرفت آگاهی و انقلاب مردم زیان می‌رساند گروه گروه در کنار ساواکی‌ها و واپسگان رژیم شاه از سرکار خود اخراج می‌کنند، به زندان می‌افکند و حشیانه به جوخه اعدام می‌سپارند و یا به دست باندهای سیاه به شهادت می‌رسانند.

اکنون کار به جایی رسیده است که دیگر تفتیش عقاید شیوه مرسوم شده و مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی آشکارا و در کمال صراحت از آن به دفاع برخاسته‌اند و برخلاف تصریح همان قانون اساسی که خودشان نوشتند هنگام استخدام برگه‌هایی به دست مقاضیان می‌دهند که تفتیش عقاید را رسمیت می‌بخشد و یا در کشاش ستیز قدرت کاشف به عمل می‌آید که طرح ایجاد اردواگاه‌ها برای مخالفان و متعضین به شیوه‌ها و عملکردهای جمهوری اسلامی هم در شورای انقلاب اسلامی طرح و مورد بحث بوده است و حتی عده‌ای هم به دفاع از آن پرداخته‌اند.

ادامه سیاست کینه‌توزانه و خصمانه علیه انقلابیون کمونیست و سایر نیروهای انقلابی، از یک سو هر روز بیش از روز پیش بین مردم تفرقه انداخته و کینه و دشمنی را میان صفوف خلق جانشین اتحاد و یکپارچگی ساخته و از سوی دیگر با جلوگیری از افزایش آگاهی مردم دست‌ضد انقلاب را در فریب توده‌ها و به انحراف کشاندن مبارزات مردم که لازمه رشد ضدانقلاب است باز می‌گذارد. این سیاست تابه‌امروز مشخصاً بزرگترین مانع بر سر راه همکاری و همگامی همه نیروها در مبارزه علیه دشمن مشترک خلق، امپریالیسم آمریکا بوده است.

گستردگی باد همگامی و همکاری

هدیدنی و هائی که در راه ایرانی آزاد و دموکراتیک مبارزه می‌کند

جبهه خارجی و داخلی ضد انقلاب، جبهه ضد مردم جبهه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، خوانین و فوادال‌ها، سرمایه‌داران لیبرال، فرماندهان مزدور سلطنت طلبان، دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا در داخل و در ارتباطی تنگاتنگ با جبهه خارجی ضد انقلاب فشرده‌تر از همیشه سازمان یافته است و علیه انقلاب مردم هر روز توطئه نازه‌ای ساز می‌کند. توده مردم که مصمم‌اند این جبهه پیروزی‌های میلیونی توده‌های عظیمی در انتظار می‌باشد.

در این میان وظیفه انقلابیون از حسابت و دشواری خاصی برخوردار است. مسئولیت در قبال انقلاب مردم و پیشرفت آن پاسداری از دستاوردهای انقلاب و تلاشی پی‌کیز و مستمر برای تدارک می‌بینند، بزرگتر تدارک می‌بینند، پیروزی‌های عظیمی در انتظار توده‌های میلیونی است.

تحقیق کامل آرمان شهدا ما را وامی دارد که مصمم‌تر از هر زمانی انبوه مشکلات و نارسائی‌هایی را که با آن درگیریم از پیش پای برداریم و به ویژه در راه دستیابی به موحدت و اتحاد عمل گام بزرداریم. وحدت و اتحاد عملی که تنها با برعده‌های گرفتن سهم هر چه بیشتر و واقعی‌تر در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بدشکردنی امپریالیسم آمریکا می‌تواند و باید شکل گیرد. واقعیت این است که درک ضرورت‌های عینی و پاسخگویی درست به آنان، که منطبق بر مطالبات توده‌های میلیونی زحلتکش جامعه است، پیکار پیروزمندانه خلق‌های قهرمان ایران علیه امپریالیسم جهانی امپریالیسم آمریکا را تعمیق خواهد برد و پیروزی بزرگ خلق را زیر پرچم "ظفر نمون" طبقه کارگر ایران بشارت خواهد داد.

ما مصممیم که در این راه گام برداریم و امروز در سالروز جمعه خوبین، روز تجلی دلاری‌های خلق در برابر گولوهای دژخیمان، خاطره شکوهمند همه شهدای بهخون خفته خلق را گرامی می‌داریم و بر میثاق خوبین خود همچنان استوار ایستاده‌ایم.

مشت‌های پولادین و فریادهای خوشانی که علیه امپریالیسم آمریکا سرداده می‌شد، حیاتی تازه یافت و ...

اکنون در دومین سالگرد ۱۷ شهریور، بسیاری از مطالبات مردم، مردمی که قهرمانی‌های ۱۷ شهریور را آفریدند، همچنان باقی است، مردم پیروزی‌های عظیمی همچون واژگونی نظام شاهنشاهی واستقرار جمهوری را به کف آوردند، پیروزی‌های بزرگتر در راه است، نیروی میلیونی توده‌ها در صحنه کارزار ۱۷ شهریور برای آنکه

سپارند و نتا آنجا که می‌توانند اذهان توده مردم را از تجارب گرانقدری که آموخته بودند خالی سازند.

آرمان مردم، که آن‌همه جانبازی و فدایکاری‌های بزرگ آفریده بود، مسخر شد و با تفاسیری موهم از آرمان انقلاب مردم با بیشترین بهره‌گیری از معنفات و احساسات مذهبی توده‌ها پیشرفت انقلاب با موانع جدی رو برو گردید. دولت‌موقت بازگان در این راهتا بدانجا پیش رفت که حتی در نخستین سالروز

بقیه از صفحه ۱

۱۷ شهریور ۰۰۰

همافران و افسران میهن‌پرست در برابر فرماندهان ارتض و نظام اطاعت‌کورکورانه به مقابله برخاستند و هر روز که از مبارزه توده‌ها می‌گذشت، پرسنل مبارز و انقلابی ارتض بیش از پیش در کنار توده‌های مردم و در برابر نظام شاهنشاهی قرار می‌گرفت. دیگر معلوم بود که توده سیلیونی به هیچ قیمتی نمی‌خواهد به ظلم و ستم تن به پیشواز ارتض شناخته بودند آماج گلوله‌های آمریکائی ارتض شدند. هزاران زن و مرد، کودک و بیرون به خون غلطیدند و میهن ما شاهد یکی از وحشیانه‌ترین کشتارهایی شد که ارتض ضد خلقی برای حفظ منافع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و آمریکا و متهدان داخلی آن بدان دست زد.

در ۱۷ شهریور شهادت بیش از چهار هزار تن از مردم تهران به همه آموخت ارتضی که برآسas پاسداری از منافع امپریالیسم سربازان از اطاعت کورکورانه سربازان از فرماندهان سازمان یافته است هیچگاه نمی‌تواند برابر آنان باشد. آنچه که در ۱۷ شهریور اتفاق افتاد تنها به این آموخت بزرگ محدود نبود.

در ۱۷ شهریور، توده‌های مردم که برای آرمان رهائی از سلطه امپریالیسم و ایجاد ایرانی آزاد و دمکراتیک به پا خاسته بودند مرگ را تحقیر کردند. ۱۷ شهریور روز تجلی اراده مردم برای کسب استقلال و آزادی بود.

کشتار ۱۷ شهریور، ایشان از این اتفاق افتاد که ایزار مسلح کنید" مردم بیش از پیش درمی‌یافتدند که ایزار قهر نظام شاهنشاهی یعنی ارتض ضد خلقی شاه را باید دارند، هموارتر گردید. آنچه مردم را به مبارزه‌ای با قهر انقلابی خود بهزارو در آورند. و این همه در قیام ۲۲ بهمن به عرصه رسانید. قیام مسلحانه شکل گرفت و ارتض شاهنشاهی امپریالیسم جهانی بسرکردگی ایپریالیسم آمریکا بود. آنها به پیاخته بودند نا فقر، گرسنگی، خانه بدشی بیکاری را پایان بخشدند. از این رو دولت موقت بازگان نتوانست دوام آورد. انقلاب علیرغم هراس دولت موقت از قدرت سیل آسای مردم که بنیاد دشمنان خلق را درهم می‌کوشت، به پیش رفت. آرمان شهدا ۱۷ شهریور با

واقعی حضور دارد و انقلاب در حال پیشرفت است. هرچند از هر سو در محاصره و مخاطره ضد انقلاب قرار دارد.

اکنون در دومین سالروز جمعه خوبین ما، در آستانه مرحله‌تازه‌ای از پیشرفت انقلاب مردم قرار داریم. صفو نیروها و طبقات از هم متمایز شده است و هر طبقه و نیروی اجتماعی ضعفها و توانایی‌های خود را به نمایش گذاشته است. جبهه کارگران و دهقانان در حال شکل‌گیری نوینی است و طبقه کارگر ایران که ستون اصلی انقلاب است، خود را باز می‌یابد و این به معنی آن است که پیروزی کامل خلق، پیروزی آرمان حقیقی شهدای ۱۷ شهریور با گام‌های استوار تدارک می‌شود چشم‌انداز علیرغم همه کاستی‌ها و تاریکروشن‌ها، افق‌های روش و تابناکی را نوید می‌دهد.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی ایپریالیسم آمریکا تلاش‌های مذبوحانه خود را برای درهم شکستن مبارزات مردم دوچندان ساخته است.

فرماندهان ارتض را ترجیحند و بازسازی ارتض شاهنشاهی را با شتاب بیشتری به انجام رساند، از پخش عکس کشتار ۱۷ شهریور مانع به عمل آورد.

مبارزه پرسنل انقلابی برای دگرگونی اساسی در نظام ارتض شاهنشاهی سرکوب شد. شوراهای انجمن‌های سربازان درجه‌داران، همافران و افسران جزء منحل شد و راه برای توطئه کودتاهاشی فرماندهان شاه که در ارتض جمهوری اسلامی مراکز فرماندهی را در اختیار دارند، هموارتر گردید.

آنچه مردم را به مبارزه‌ای نا پای جان کشانده بود، ضرورت نابودی سلطنه ایپریالیسم جهانی بسرکردگی ایپریالیسم آمریکا بود. آنها به میان ایشان ایستادند. مبارزه قهرمانانه خلق‌های ما، در سلاح برگرفتند و پادگان‌ها را فتح کردند! نا استقلال - کار - مسکن و آزادی را به چنگ آورند.

برخلاف توده‌های مردم، رهبران پس از ۱۷ شهریور و به پیش ناتوانی و زیبونی ارتض شاه برملا شد. با ۱۷ شهریور ارتض شاه، در مقابل اراده پولادین مردمی به پا خاسته هر روز پوشالی تر و درهم شکسته‌تر مغلوب بیکار عظیم مردم می‌شد. هزاران تن از سربازان، درجه‌داران،



که در دیدار با نمایندگان امپریالیست‌ها ارپایانی از اتحاد امپریالیست‌ها علیه انقلابیون کمونیست و جبهه سوسیالیسم سخن گفته بود به گونه‌ای بازگو شده است.

نامه با لحن سرزنش آمیزی خطاب به کنگره آمریکا گلایه می‌کند که :

"پاره‌ای از محافل حاکمه در دنیای غرب و آمریکا هم اسلام را خوب فهمیدند و هم انقلاب اسلامی را و درست به همین دلیل است که دشمنی آنها با انقلاب اسلامی ایران از دشمنی آنها با کمونیسم پیشتر است".

سیاست ضدیت و کینه‌توزی جمهوری اسلامی ایران با انقلابیون کمونیست که

پی‌گیرترین همان امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند نه تنها ضربات مهله‌کی تاکنون به جبهه انقلاب ایران وارد آورده است بلکه تنها به آرمان امپریالیسم آمریکا خدمت خواهد کرد و بزرگترین گواه این حقیقت نامه دوم جولای نمایندگان کنگره آمریکاست.

اعتقاد رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در جوابیه آنان به کنگره آمریکا به صورتی که از آن سخن گفتم، مشهود است علیه نیات و آرمان‌ها بیست که در نامه به تفصیل از آن سخن رفته است.

ما وظیفه خود می‌دانیم ضمن پشتیبانی از موضع مجلس شورای اسلامی مبتنی بر دفاع از استقلال و آزادی میهن و مبارزه با سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا آن بخش از اعتقادات و سیاست‌های مجلس را که براساس کینه‌توزی و ضدیت با انقلابیون کمونیست پی‌ریزی شده و نیز مسکوت گذاشتن محکمه گروگان‌ها را افشا کرده و خطرات مهله‌کی را که از ناحیه‌آن متوجه انقلاب مردم ماست، با صراحت بیان کنیم. ما یک بار دیگر با صراحت اعلام می‌داریم که جنبین سیاست‌هایی دشمنی با آرمان‌های انقلابی میهن ماست و هر انقلابی میهن پرستی که در راه نابودی سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به مبارزه برخاسته است به شدت آن را محکوم می‌کند و علیه آن مبارزه می‌کند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ارزیابی نادرست جمهوری اسلامی از دوستان و دشمنان انقلاب مردم همچنان به چشم می‌خورد، در این نامه توصیه حجت‌الاسلام رفسنجانی عیسی مجلس شورای اسلامی

جوایه نمایندگان مجلس به کنگره امریکا مد اخلاق امریکا را محکوم کرد اما محاکمه گروگانها را مسکوت گذاشت!

از جمله نمایندگان مجلس شورای اسلامی اجتناب ناپذیر داده‌اند که نسبت به محکمه جاسوسان آمریکائی که در اختیار مردم ایران هستند، سیاست سکوت را در پیش گیرند.

آنچه که نمایندگان مجلس در پایان نامه خود توصیه کرده‌اند بدون تردید نمی‌تواند همه آن چیزی باشد که میلیون‌ها مردم ایران در سراسر میهن آن را فریاد زده‌اند. مردم ما علاوه بر آن مواردی که در نامه نمایندگان تصريح شده است قبل از هر چیز خواهان آنند که جاسوسان آمریکائی در خاک میهن محکمه شوند و محکمه آنان در عین حال محکمه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا باشد.

محاکمه جاسوسان آمریکائی در ایران برای میلیون‌ها مردم این سرزمین تجلی استقلال سیاسی است. این محکمه برای آگاه کردن مردم ایران و جهان به غارتگری، تجاوز، بهره‌کشی و دشمنی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا با مردم ایران و جهان که در راه استقلال و آزادی مازده می‌کند از اهمیت زیادی برخوردار است و قطعاً در پیشبرد انقلاب ایران و جلوگیری از رشد لیبرال‌ها در ایران حائز اهمیت است.

محاکمه این جاسوسان، محکمه جنایات هولانگیزی است که امپریالیسم آمریکا توسط ایادی خود در میهن ما مرتکب شده است. به ویژه آن که بسیاری از گروگان‌ها خود مجریان خیلی از جنایات هولانگیزی هستند که امپریالیسم آمریکا در ایران مرتکب شده است. آشکار است که محکمه جاسوسان آمریکائی خواست میلیون‌ها مردم ایران است. گذشته از این در نامه نمایندگان - مجلس شورای اسلامی ارزیابی نادرست جمهوری اسلامی از دوستان و دشمنان انقلاب مردم همچنان به چشم می‌خورد، در این نامه توصیه حجت‌الاسلام رفسنجانی عیسی مجلس شورای اسلامی

جوایه نمایندگان مجلس به کنگره امریکا

محاکمه گروگانها را مسکوت گذاشت!

گروگان‌گیری نیست بلکه نتیجه اجتناب ناپذیر عملکرد دولت شما در ایران علیه مصالح و منافع ملت ایران می‌باشد. نگران گستن آنگونه روابط نیستیم. آنچه که شما باید نگران آن باشید ادامه سیاست تجاوزگرانه دولت آمریکاست."

نمایندگان تاکید کرده‌اند:

"آقایان! آیا در کدام مکتب و در کجا دنیا و بروطبق چه ضوابط و اصولی ملت ما حق ندارد خود راه خود را انتخاب کند؟ اینکه ملت ایران چه نوع نظامی و چه اندیشه‌ای را انتخاب کند به دولت آمریکا چه ربطی دارد؟"

در پایان نامه نمایندگان نتیجه گرفته‌اند:

"دولت آمریکا می‌تواند با قبول مسئولیت مشارکت در عملکردهای رژیم شاه و خسارت‌های جانی و مالی و مادی وارد بر ملت ایران اولین قدم را برای تقلیل خطرات و مشکلات بحران کنونی بردارد".

نمایندگان در نامه خود توصیه کرده‌اند:

"با بررسی خسارت‌های ناشی از عملکردهای گذشته دولت آمریکا و مطالبات حقه ایران، بازگردانیدن اموال شاه و پستگاش را در دستور کار فوری خود قرار بدھید و برای آن سریع ترین و بالاترین اولویت‌ها را قائل شوید. در این صورت است که راه برای حل بحران باز خواهد شد."

در کنار موضع مردمی ای که از آن سخن گفتم: در نامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی نکاتی به چشم می‌خورد که به سود انقلاب ایران و مصالح مردم نیست.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی، متن نامه‌ای را که خطاب به کنگره آمریکا در پاسخ به نامه خدمع آمیز دوم جولای ۱۹۸۰ که توسط ۱۸۵ نفر از نمایندگان آمریکا امضاء شده بود انتشار دادند.

امپریالیست‌های آمریکائی که برای حفظ منافع پلید خود از تمام شیوه‌ها سود می‌برند در نامه دوم جولای کوشش کرده بودند ماهیت غارتگرانه و تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا را در ایران و جهان در عدم استداد مجرمین و سرمایه‌داران فراری، شکنجه گران و مسئولین ساواک، محاصره اقتصادی و سازماندهی توطئه‌های کوچک و بزرگ علیه انقلاب مردم ما بودند که دولت آمریکا دوست مردم ما و پاییند ب استقلال و آزادی میهن ماست و تلاش کرده بودند که با استفاده از ضدیت و کینه - توزی مقامات جمهوری اسلامی نسبت به انقلابیون کمونیست به هراس مسئولین جمهوری اسلامی از رشد نیروهای انقلابی و در راس آن انقلابیون کمونیست دامن زند و با تکیه بر آن حمایت جمهوری اسلامی را به دوستی با امپریالیسم آمریکا در ایران و منطقه جلب نمایند.

پاسخ مجلس شورای اسلامی به نامه نمایندگان کنگره آمریکا در چارچوب موازین حقوقی و دیپلماتیک تهیه و تنظیم شده و مشحون از بیان کلی جنایات دولت‌های دست نشانده آمریکا علیه مبارزات مردم ما است. در این نامه ابتدا نمایندگان بر "تفاوت بسیار فاحش" و "تناقض آرمان مردم آمریکا" با عملکردهای دولت آمریکا که نماینده سرمایه‌داری انحصاری یعنی امپریالیسم آمریکاست، انگشت گذاشتند و سپس با توضیح عملکردهای دولت‌های آمریکائی در ایران و جهان، بهویژه طی ۳۷ سال حکومت شاه، مسئولیت و مشارکت دولت‌های آمریکائی را در جنایاتی که طی این مدت بر مردم ما وارد شده است مورد تاکید قرار دادند.

نمایندگان در نامه بهدرستی تاکید کرده‌اند که دولت‌های آمریکائی بـ خلق‌های سراسر جهان دشمن بوده و همواره مبارزات مردمی را که خواهان به دست گرفته‌اند سرنوشت خود را کسب استقلال و آزادی بوده‌اند، سرکوب ساخته است. در نامه مجلس پاره‌ای از سائلی که امروز در روابط

خارج می‌شوند و رفیق را به سوی انفرادی می‌برند... در آنجا نیز رفیق علیرضا آنی از تلاش برای تبلیغ آرمانش باز نماند. صدای رفیق همچنان به گوش می‌رسید:

"ما برای رهائی کارگران و زحمتکشان مبارزه می‌کنیم... فرمان آتش را خودم می‌دهم و نمی‌گذارم چشمانت را بینندن باید با چهرهای خندان بمیرم."

ساعت ۱۲ بازهم صدای رفیق به گوش می‌رسید و دقیقه دیگر ابتدا صدای رگبار برخاست و آنگاه با فاصله چند لحظه‌ای شلیک شد. سکوت زندان را فراگرفته بود رفیقی به آرامی زمزمه می‌کند خبر کوتاه بود:

"اعدامشان گردند..."

رفقا همگی لبریز از کینه و خشم ولی پرامید در سیاهی شب از ورای دیوارهای بلند زندان به آینده می‌اندیشند آینده، رهائی کارگران، آیندهای که از خون سرخ انقلابیون کمونیست بازور خواهد شد.

سنگرهای مقاومت و مبارزه علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن است: تعطیلی دانشگاهها و مرکز آموزشی ایران می‌تواند آنچنان تاثیر محری بر انقلاب ایران بگذارد که بدون شک اگر این سیاست عملی شود، باید آن را یک فاجعه به حساب آورد. به علاوه ما هم‌صدماً با میلیون‌ها دانشآموز و معلم مبارز ایران خواهان رعایت حقوق دمکراتیک داشت - آموزان و معلمان مدارس هستیم و هرگونه تلاش در جهت محدود ساختن این حقوق را ضدیت با مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های میهنمنان می‌دانیم. ما هرگونه اقدام در جهت نادیده گرفتن و یا پایمال کردن حقوق دمکراتیک دانشآموزان و معلمان، استادان و دانشجویان و هرگونه تلاش در جهت تعطیل دانشگاهها را قویاً محکوم می‌کنیم و آن را به زیان منافع خلق و به زیان مصالح انقلاب می‌دانیم و با تمام نیرو از گشایش دانشگاهها و مرکز آموزشی کشور و مطالبات دمکراتیک دانشجویان استادان، دانشآموزان و معلمان و کارکنان مرکز آموزشی دفاع می‌کیم.

رسیده بود و دوباره طنین شعارهای درود بر کارگر، مرگ بر سرمایه‌دار در هر سه بند زندان می‌پیچد. مأمورین وحشت زده به این سو و آن سو می‌دوند. صدای گرم و صمیمی رفیق علی‌رضا بار دیگر از "زیر هشت" بلند می‌شود:

"دoustan زندانی: حدود یاشاسین... یاشاسین) رهبر را در اینجا شهید کردند و دیدید چه اتهامات ناروایی به او زندن. درود بر شهدای بهخون خفته خلق درود بر حسن رهبر. مرگ بر آمریکا"

واز این سوی رفقا همگی و با قدرت شعار را تکرار می‌کنند: "مرگ بر آمریکا" و آنگاه صدای صلووات زندانیان عادی به پاس احترام به رفیق بلند می‌شود. رفقا با مشت‌های گره کرده از بند

کمونیست به سود امپریالیسم کام بر می‌دارد. رفقا! مصمم و پیگیر راه سرخ رهائی کارگران را ادامه دهید.

مرگ بر امپریالیسم
جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا
مرگ بر لیبرال‌ها

یاشاسین کارگر

(زندانیان تکرار می‌کنند:
یاشاسین... یاشاسین)
یاشاسین اکینچی (یاشاسین
... یاشاسین) یاشاسین
زحمتکش (یاشاسین...)

با پایان یافتن سخنان رفیق فریاد خشم زندانیان و سرود "ای رفیقان" در فضای پرالتعب زندان می‌پیچد: از خون ما لاله روید... رئیس داخلی زندان و هفاعون او رنگ به چهره، نداشتند. و زندانیان دیگر بیهوده زده نگاه می‌کردند. جمعیت دیگر به "زیر هشت"

صمیمی رفیقی را در آغاز کشیده است. نامجو صمیمانه دست یک زندانی عادی را می‌شارد و جمشید دستهایش را برای رفاقتکان می‌دهد. وسط بند رفیق علی‌رضا شروع به صحبت کرد. خوشنود و شمرده آغاز کرد و همه‌جا را سکوت فرا گرفت و صدای مصمم و قاطع رفیق زندان را بهلرزه در آورد:

رفقا، برادران زندانی، من در تمام زندگیم با رفع و محنت بزرگ شده‌ام. کارگری کرده‌ام و همراه و همدوش کارگران و زحمتکشان می‌بهم مبارزه کرده‌ام. من راهنم آرمان کارگر، حرف حرف کارگر و مبارزه‌ام برای رهائی عادی درآمد. همه جمع شده بودند. زندانیان عادی نیز با کنجدگاوی و نگرانی به جمع زندانیان سیاسی پیوستند.

رفقا با حالت مصمم و تبسم کنان با همه خدا حافظی اعدام کارگران و انقلابیون می‌کردند. اعدام کارگران و علیرضا گرم و

ظهر روز پنجشنبه ۲۲ مرداد ۵۹ بود که خبر در بند پیچید. هیاهوی زندانیان لحظاتی آرام گرفت و خبر در سلول‌ها تکوار شد. خبر کوتاه بود. رفقای شاهیندزی اعدام گرفته‌اند. از انتهای راهرو می‌آمدند.

رفیق فدائی علی‌رضا شکری افسار (علم) رفیق فدائی نامجو برنجی (شاگرد رفیق علی‌رضا) و مبارز دمکرات جمشید دولتشاهی سر برمنی داشتند و چشمان لبریز از عشق همگی رفقا و همگی زندانیان بر آنها خیره شده بود...

رسم بر این است که مسکونیین به اعدام را شب بعد از "خاموشی" می‌برند ولی این بار استثنای حدود ساعت ۷ عصر رفقا را صدای زندان بردن رفقا که در زندان پخش شد همگی به تکapo افتادند. بند به حالت غیر عادی درآمد. همه جمع شده بودند. زندانیان عادی نیز با کنجدگاوی و نگرانی به جمع رژیم جمهوری اسلامی از سوی رفیق با امپریالیسم آمریکا مبارزه می‌کند از سوی دیگر با اعدام کارگران و خدا حافظی

بقیه از صفحه ۱

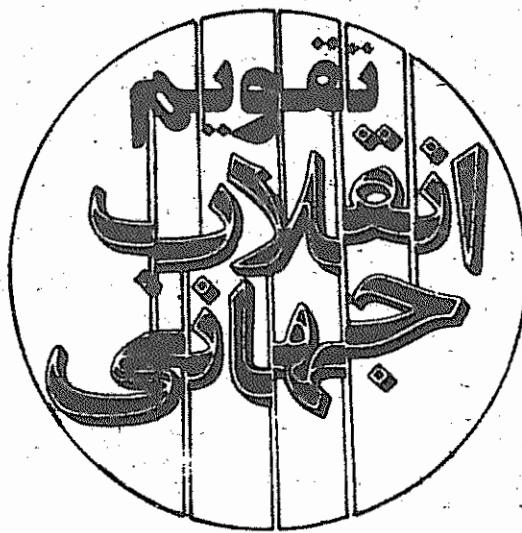
گشایش دانشگاه ۰۰۰

پای می‌فشارد و تلاش دارد مطالبات دمکراتیک دانش آموزان و معلمان را نادیده بگیرد.

بدون تردید این سیاست جمهوری اسلامی خلاف مصالح و منافع مردم ایران، خلاف پیشرفت انقلاب و پیشرفت آموزش و پیورش است. در شرایطی که امپریالیسم آفریقا و متحدان داخلی و خارجی آن مذبوحانه تلاش دارند از طریق تجزیه می‌بینند و یا از طریق به راه انداختن کودتای آمریکائی و به هر وسیله دیگری انقلاب مردم را به سکست کشانند و حکومت سرسپرده خود را بار دیگر به قدرت رسانند، در روزهای حساسی که همه سنگرهای مبارزه علیه امپریالیسم و متحدان آن پای تفشارد؟

کدام می‌بین پرست آگاهی است که از آزادی فعالیت‌های سیاسی دانشآموزان و معلمان و از سایر مطالبات دمکراتیک آنها که ضامن گسترش و تطبیق می‌بارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک می‌بین و افزایش آگاهی مردم دانشگاهها عملاً برابر است با محروم کردن می‌بین. ما از دهها هزار پزشک، مهندس و کارشناسان رشته‌های مختلف و کارشناسان رشته‌های اقتصادی و آموزشی از این رو است که تعطیل دانشگاهها

و کارشناسان رشته‌های مختلف بدنون تردید می‌بین. نیازمندی کارکنان تجمع خود همواره متشكل و حاضر، آماده نیزد. با هرگونه تهاجم دشمن اند. هزاران تن از استادان و کارکنان مبارز دانشگاهها و مرکز آموزشی در مردم می‌بینند، چگونه ممکن است دانشگاهها و مرکز آموزش می‌بین به گواه دهنها سال مبارزه خونین و پیگیری علیه امپریالیسم و نوکران داخلی آن و به اگواه مبارزات



بمناسبت (۹ سپتامبر) سالروز تشکیل جمهوری دمکراتیک خلق کره

۱ انقلاب گرده: جزئی از انقلاب جهانی پرولتاریا

دنیال آغاز فعالیت حزب ، اعتضادات کارگری اوج نازه‌ای به خود گرفت . اما حزب کمونیست کره در سیاست کلی خود رهنمودهای لینین در مورد سیاست و تاکتیک کمونیست‌ها در کشورهای عقب‌مانده را تأثیرده می‌گرفت و یا با آنها آشنا نداشت .

لينین در کنگره دوم انتربنیونال کمونیستی در رابطه با سیاست و تاکتیک کمونیست‌ها در کشورهای مستعمره و عقب‌مانده بزر و نکته تکیه می‌نمود : وی اولاً با در نظر گرفتن این موضوع که اکثریت جمعیت کشورهای عقب‌مانده را هفتمان تشکیل می‌دهند ، بر لزوم حمایت از مبارزه انقلابی دهقانان تاکید داشت و می‌گفت :

" خیال خامی است چنانکه فکر گشته ، احزاب پرولتاریائی ... در این کشورهای عقب‌افتداده می‌توانند بدون آنکه عمل روابط معینی با جنبش دهقانی داشته باشند ، بدون آنکه عمل از آن پشتیبانی گشته ، تاکتیک کمونیستی و سیاست کمونیستی به گار بزند " . (۱)

ثانیاً : در صحبت از حمایت از نهضت بورژوا دمکراتیک در کشورهای مستعمره و وابسته بر تمایز بین نهضت رفرمیستی و انقلابی تکیه داشت و شنها حمایت از نهضت انقلابی - ملی را مجاز می‌شود . وی برای اینکه این تمایز را مشخص نماید ، به جای " شهşt بورژوا دمکراتیک " اصطلاح " نهضت انقلابی - ملی " را به کار می‌برد و می‌گفت :

" معنی این تعویض آن است که ما به مثاله کمونیست‌ها ، فقط در آن مواردی از نهضت آزادی بخش بورژوازی در مستعمرات باید پشتیبانی کنیم و پشتیبانی خواهیم گرد که این جنبش‌ها واقعاً انقلابی باشند . وقتی که نمایندگان این جنبش‌ها مانع نشوند تا ما دهقانان و توده‌های وسیع استعمارشوندگان را با روحیه انقلابی تربیت و متسلک نمائیم " . (۲)

در حاشیه باید گفت نهضت انقلابی - ملی که دهقانان و خرد بورژوازی نیروی عمدۀ آن را تشکیل می‌دهند ، بر حسب شرایط مشخص هر کشور ، می‌تواند همچنین تمام یا بخشی از بورژوازی ملی را در صورتی که با انقلاب همراهی داشته باشد ، در برگیرد .

اما برنامه حزب کمونیست کره ، در حالی که به درستی اهداف ضد امپریالیستی انقلاب را خاطر نشان می‌نمود ، به مسئله ارضی یعنی مبارزه دهقانان ، هیچ توجهی نمی‌نمود و این امر موجب جدایی حزب کمونیست از اکثریت توده‌ها می‌شد . همچنین در موارد بورژوازی ملی نیز نظر واحدی در حزب کمونیست وجود نداشت . جناحی از حزب ، علیرغم تجربیات قیام سال ۱۹۱۹ و تمام تجربیات جنبش کمونیستی جهانی بهقیه در صفحه ۷

لينین را عمیقاً مطالعه نمودند و از رهنمودهای لینین در مبارزه‌شان ببرای رهائی خلق خود الهام و درس گرفتند ."

با او جگیری مبارزه توده‌ها در گره ، در ماه مارس سال ۱۹۱۹ یک قیام وسیع ضد ژاپنی به وقوع پیوست که به " قیام مارس ۱۹۱۹ " مشهور شد . در این قیام که دو میلیون نفر از کارگران ، دهقانان ، زحمتکشان شهری و عناصر بورژوازی ملی شرکت داشتند . طبقه کارگر کره هر چند که انقلابی ترین و قاطع ترین نیرو بود ، اما به علت ضعف آگاهی و تشکیلاتی خود ، قادر توان لازم برای رهبری آن بود و بدین خاطر بورژوازی ملی در راس جنبش توده‌ای قرار گرفت .

بورژوازی ملی ، که می‌خواست مبارزه را در حد مسالمت‌آمیز نگهدارد و در واقع خواهشان خود مختاری در چارچوب امپراطوری استعماری ژاپن بود و در مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن بر امپریالیسم آمریکا تکیه می‌کرد ، با رادیکال‌تر شدن مبارزه و فراز و عیندین آن به قیام مسلحه‌شدن را از مبارزه کنار کشیده ، به معامله با امپریالیست‌ها دست زده و در مقابل مودم فرار گرفت . بدین ترتیب ضرورت رهبری طبقه کارگر در انقلاب برای پیروزی کامل آن در جریان این قیام به وضوح آشکار گردید .

قیام توده‌ای به وحشیانه‌ترین شکل به خون کشیده شد . ۸ هزار تن از کارگران و زحمتکشان میهن پرست ، در مبارزه قهرمانانه ، جان خود را از دست دادند . ۱۶ هزار نفر رخمي شدند و بیش از ۵۰ هزار بازداشت شدند . دولت جوان شوروی در اعلامیه‌ای با اشاره به کارگران گره ای که با شرکتشان در انقلاب اکتبر ، وظیفه انتربنیونالیستی خود را در قیال برادرانشان بهانجام رساندند ، مبارزه قهرمانانه خلق کره را ستوده و آن را جزء لاپنه انقلاب واحد جهانی داشت .

به دنبال سرکوب قیام ، امپریالیسم ژاپن برای ازبین بردن زمینه‌های قیام در گره دست به برخی اصلاحات زد . این اصلاحات ، به تاسیس نهادهای مشورتی در کنار دستگاه خلقان مستعمراتی محدود می‌شد . بورژوازی ملی ، با خیانت به نهضت توده‌ای ، توانست آزادی رشد سرمایه‌هاش را به دست آورده و قانون سال ۱۹۱۵ لغو شد . بین سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۸ سرمایه شرکت‌های مختلط گره ای - ژاپنی دو برابر شد .

در سال ۱۹۲۵ اولین سازمان کارگری به نام " تعاونی کارگران گره ای " که ۱۷ هزار نفر عضو داشت ، تشکیل شد . در همین سال محافل مطالعاتی مارکسیستی - لینینیستی که بیشتر اعضاً آنها از روشنگران خرد بورژوا تشکیل می‌شد در مراکز صنعتی به وجود آمدند . در آوریل ۱۹۲۵ ، حزب کمونیست گره ، از ادغام محافل م - ل سراسر گره در یک تشکیلات واحد به وجود آمد . این حزب در سال‌های بعد تظاهرات توده‌ای به راه انداخت . که در برخی از آنها تا ۲۰۰ هزار نفر شرک می‌کردند . به

کشور کره از آغاز قرن حاضر تحت سلطه امپریالیسم ژاپن قرار گرفت . امپریالیست‌های ژاپنی پس از استقرار در گره ، با تکیه بر فعدال‌های بومی ، به سلب مالکیت از دهقانان گره ای دست زدند . بطوری که در سال ۱۹۱۵ زمین‌های متعلق به کمپانی‌های ژاپنی بد ۸۷۰۰۰ هکتار و در سال ۱۹۱۶ بد ۲۵۰ هزار هکتار می‌رسید . از بیان فعدال که درصد جمعیت ۳/۴ کشور را تشکیل می‌دادند ۵۵/۴ درصد زمین‌های زیر کشت را در اختیار داشتند و این در حالی بود که ۷۶ درصد دهقانان را خانواده‌های بی‌زمین و یا کم زمین تشکیل می‌دادند .

علاوه بر دهقانان ، بورژوازی ملی و نوپای گره به وسیله امپریالیست‌های ژاپنی تحت فشار قرار گرفت تا سرمایه‌های ژاپنی آزادانه و بی‌رقیب به غارت دسترنج کارگران و سایر زحمتکشان گره پی‌پارند . برطبق قانونی که در سال ۱۹۱۵ تصویب شد ماموران دولتی مستعمراتی ژاپن حق داشتند هر بنگاه گره ای را در هر موقعی که لازم دیدند ، تعطیل نمایند . در سال‌های قبل از جنگ جهانی اول ، در گره ۳۸۳ بنگاه بزرگ صنعتی متعلق به ژاپن وجود داشت که ۱۲۶ هزار کارگر " گره ای " را در بخش‌های معدن ، تصفیه ، حمل و نقل و غیره به کار می‌گرفتند . (بد نیست اشاره کنیم که اینها تنها نمونه‌ای از غارت و استثمار خلق‌ها توسط استمارگران و امپریالیست‌های ژاپنی است اما به تنها برای باز کردن مشت عوام‌گریبانی که می‌خواهند ژاپن را " سرمشق و نمونه " ای برای پیشرفت جامعه ما فرار دهند ، کافی است) .

اشاعه اندیشه‌های مارکسیستی - لینینیستی در گره و تشکیل حزب کمونیست :

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ، مبارزه رهائی بخش زحمتکشان گره را از حالت حنینی در آورده وارد مرحله‌ای نوین و عالی تر ساخت . اندیشه‌ها و اخبار انقلاب به ویژه توسط کارگران گره ای که در جستجوی کار به روسیه رفتند و پس از شرک در انقلاب روسیه به میهن خود باز می‌گشتدند ، در بین زحمتکشان گره اشاعه می‌یافت . در جنبش دمکراتیک گره ، بعد از انقلاب اکتبر علاوه بر خواسته‌های عام مربوط به رهائی ملی ، خواسته‌های طبقاتی نیز مطرح می‌شد . تنها در سال ۱۹۱۸ ، ۵۵ اعتضاب کارگری در گره به وقوع پیوست . کیم ایل سونگ ، پیروزی انقلاب اکتبر این اندیشه کل حزب کارگر گره ، ناشر اخبار اندیشه همارکسیستی - لینینیستی در گره را چنین توضیح می‌دهد :

" انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ، ناشر اساسی نز مبارزه رهائی بخش خلق گره داشت . پیروزی این انقلاب ، به نفوذ و اشاعه سریع اندیشه‌های انقلابی مارکسیست - لینینیستی در سراسر میهن ما یاری رساند . بهترین افراد در میان میهن پرستان " . آثار

دستاوردهای
انقلاب و
سوسالیسم



مودم لائوس می‌گویند:

زمان همانند رود مکونگ به عقب باز نخواهد گشت
لائوس کهن متعلق به گذشته است و هرگز باز نخواهد گشت

لائوس نوین پرآمد به آینده می‌نگرد

(هم دهقانان منفرد و هم تعاونی‌های کشاورزی)
از طرفی باعث کوتاه شدن دست واسطه‌ها
دللان از زندگی زحمتکشان گردیده و از طرف
دیگر پیوند بین طبقه کارگر و دهقانان را
مستحکمتر نموده است .

برنامه‌ریزی‌های دقیق و حساب شده و دخالت
دادن هر چه بیشتر زحمتکشان در اداره امور کشور
باعث گردیده که لائوس عقب مانده در ظرف فقط
پنج سال به دستاوردهای بزرگ نائل گردد .

دولت انقلابی با اعلام سال ۱۹۷۸ به عنوان
سال بسیج ملی موفق شد ۴۰۰ کانال آبیاری ، سد
و دریاچه ذخیره آب برای پروژه‌های نیdroتکنیکی
بسارد .

در حال حاضر حومه وین تیان (پایتخت
لائوس) دارای ۲۵ کیلومتر سد می‌باشد که از
۵۰۰ هکتار زمین زیر کشت در مقابل سیل
حافظت می‌کند .

جمهوری خلق لائوس در سال ۱۹۷۸ علیرغم
سیل بزرگی که به کشاورزی این کشور لطمات
فراوان وارد کرد ، موفق شد ۸۷۰۰۰ تن برنج
یعنی ۱۷۵ هزار تن بیش از سال‌های گذشته ،
تولید کرده و از نظر مواد غذایی تمامی
احتیاجات را در داخل تولید نماید .

در طی برنامه ساله (۱۹۷۷-۱۹۷۸) ۵۰۰ بنگاه
دولتی دایر شده و بیش از ۷۰۰۰ ساختمان
برای سکونت ، صنایع و سایر احتیاجات احداث
شده است .

خلق لائوس تحت رهبری " حزب انقلابی
خلق لائوس " با تلاشی خستگی ناپذیر برای
رهایی از عقب ماندگی و رسیدن به سعادت و
بهروزی و سوسالیسم همچنان تلاش می‌کند .
لائوسی‌ها معتقدند که زمان همانند رود مکونگ
هرگز به عقب باز نخواهد گشت . لائوس کهن
متعلق به گذشته است و هرگز باز نخواهد گشت .
لائوس نوین پرامید به آینده می‌نگرد .

خنثی نمود .
در لائوس بی‌سوادی مانع مهمی در راه ارتقاء
آگاهی مردم از مسائل سیاسی و اقتصادی جامعه
بود . بنابراین ، علاوه بر اجرای شدن تحصیل
کودکان ، طرح بآسود کردن افراد ۱۵ تا ۴۵ ساله
در دستور روز قرار گرفت که تنها در دو سال اول
اجرای آن ، بی‌سوادی در کشور به میزان ۲۰ %
کاهش یافت .

در لائوس بلا فاصله‌pis از انقلاب دولت
انقلابی وسائل اساسی تولید و منابع ثروت را از
مالکیت خصوصی سرمایه‌داران خارج ساخته و به
مالکیت جمعی در آورد . به این منظور شرکت‌های
بزرگ و کلیه بانک‌ها مصادره و ملی شدند و
با رزگانی خارجی تحت کنترل دولت درآمد
کارخانجاتی که صاحبانشان در اثر انقلاب فراری
شده بودند توسط کمیته‌های انقلابی کارگران و
پرسنل فنی آنها به کار انداده شده و توسط آنها
اداره می‌شود . تمام کارخانجات و موسسات متعلق
به سرمایه‌داران وابسته ملی شده و کلیه
زمین‌ها ، جنگل‌ها و معادن و منابع آب در روستا
و شهر به مالکیت اجتماعی درآمده است .

اکنون در لائوس تمام خدمات بهداشتی و
درمانی رایگان شده و بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها
(که اغلب آنها پس از پیروزی انقلاب ساخته
شدند) - مجانا در اختیار زحمتکشان قرار
دارند . تیم‌های پرشکی سیار نیز خدمات درمانی
رایگان را در دورافتاده‌ترین نقاط کشور در اختیار
روستاییان قرار می‌دهند .

دولت انقلابی لائوس با کار توضیحی
و پر خوش موفق شده است بیش از نیمی از
دهقانان را داوطلبانه در تعاوی‌های تولید
مشکل ساخته و با دادن ماشین‌های کشاورزی ،
کود و بذر مرغوب به این تعاوی‌ها ، دهقانان را
با روحیه کار و مالکیت جمعی پرورش دهد . ضمناً
دولت با فروش کالاهای صنعتی به قیمت ثابت
به دهقانان و خرید محصولات کشاورزی از آنان

پنج سال پیش . زمانی که پس از سالها مبارزه
قهارمانانه زحمتکشان لائوس رژیم سلطنتی این
کشور سرنگون شد و " جمهوری دمکراتیک خلق
لائوس " برپا گردید لائوس یکی از ۲۳ کشور عقب مانده
جهان بود که از ویرانی‌های آمریکائی که برای هر نفر از
وحشیانه هوابیمه‌های ویرانی از بمباران‌های
مردم این کشور یک تن بمب فزو ریخته بودند ،
رضم می‌برد . در آن زمان ۶۰ درصد مردم لائوس
بی‌سواد بودند و فتووالاها و سرمایه‌داران وابسته
و محتکرین و واسطه‌ها ثروت و حاصل دسترنج
زمتکشان را به غارت می‌بردند .

دولت انقلابی تحت رهبری " حزب انقلابی
خلق " (حزب کمونیست) مبارزه با مشکلات و
بنای جامعه‌ای مستقل ، آزاد و خوبخواست را با
اتکاء به نیروی خلق و با برنامه‌ای حساب شده
آغاز کرد . " جبهه میهن پرستان لائوس " که
سازمانی توده‌ای بود و مبارزه قهارمانانه خلق را
علیه امپریالیست‌ها رهبری کرده و سازمان داده
بود به " جبهه ساختمان ملی " تغییر نام داد .
جبهه که از محبوبیت و نفوذ زیادی در میان
توده‌ها برخوردار است ، سه هدف عمده را در
برنامه کار خود قرار داد :

- ۱- تقویت همبستگی بین ملت‌ها و گروه‌های
قومی .
- ۲- بهبود و ارتقاء آگاهی سیاسی توده‌ها در
تمام زمینه‌های زندگی .
- ۳- آموزش و پرورش توده‌ها با این روحیه که
آنها صاحب و حاکم واقعی کشور خودشان
می‌باشند .

جبهه با در پیش گرفتن سیاستی صحیح در
برخورد با مسائل ملی و قومی و احترام به حقوق
اوقام و ملت‌ها ، تحریکات و توطئه‌های
امپریالیست‌ها و رهبران چین را برای جدا
کردن قسمت‌های از خاک لائوس و ایجاد
آشوب‌های ضد انقلابی ، به ویژه در شمال کشور ،

بقیه از صفحه ۶

انقلاب کرد ::

بورژوازی ملی را نیروی محرکه و رهبر انقلاب
ضد امپریالیستی - دمکراتیک کرد می‌دانست و
تحت تاثیر افکار ناسیونال - رفرمیستی قرار
داشت و جناح دیگر در ضمن این که به درستی
بورژوازی ملی را ناتوان از رهبری انقلاب
می‌دانست حتی بخش ضد امپریالیست آن را نیز .
جزو نیروهای انقلاب به حساب نمی‌آورد .
بدین خاطر حزب کمونیست که از آغاز تشکیل
خود تا ۱۹۲۸ در گیر کشمکش‌های فراکسیون
شدید بود . کمیته اجرایی کمینtron در این
باتوجه به مسائل بالا و همچنین در نظر گرفت

کارگران سراسر جهان متحد شوید!

را در سال ۱۹۳۲ آغاز نمودند . آنها " ارتشر
انقلابی خلق کرد " را بنیاد نهادند . تمایز این
جنپش کمونیستی با جنبش قبلی آن بود که
این بار کمونیست‌ها با بررسی عمیق اشتباهات
گذشته ، کار خود را بر مبنای رهنمودهای لنین و
کمینtron استوار ساختند . و درست به خاطر
خط مشی صحیح " ارتشر انقلابی " که در واقع
براساس اصول حزبی سازماندهی می‌شد و ظایف
تبليغاتی و انتشاراتی یک حزب را انجام می‌داد
بود که ارتشر انقلابی روز به روز گستردگی می‌شد
و کارگران و دهقانان بیشتری را به خود جذب
می‌نمود . جنگ پارتیزانی از منچوری (شمال شرقی
چین) که یک میلیون کره‌ای در آنجا سکونت
داشتند و شمال کرد آغاز گشت و با پیشروی
ارتشر انقلابی در مناطق آزاد شده سازمان‌های
باقیه در صفحه ۱۲

اسلامی را در پیش گرفت و برای نیل به این مقصود به شیوه‌های عوام‌بیان‌های متولّش شد. از جمله آنکه از حساب خود برای انجمن اسلامی کتاب‌های مذهبی می‌خرید و فعالیت‌های مذهبی انجمن در کارخانه را به نحو خودنمایانه‌ای تشویق می‌کرد. به این ترتیب راه برای اقدامات مشترک مدیع‌عامل و انجمن اسلامی بیش از پیش فراهم می‌شد. و در واقع مدیریت لیبرال سیاست "شورا بی شورا" خود را با کمک عناصر ضدکارگر درون انجمن اسلامی و بزمیه توهم و ناآگاهی اعضاً آن به تدریج و "گام به گام" پیاده می‌کرد. پس از مدت‌ها کارشکنی و تبلیغات سوئیله شورا سرانجام مدیر‌عامل و عده‌ای از اعضا انجمن اسلامی (دارودسته‌فرخرو) با تهیه طوماری از شورا بهدادستانی انقلاب شکایت کرده و به دروغ عنوان می‌کنند که کارخانه نسبت به سالهای پیش کاهش تولید داشته است و عامل آن نیز شورای کارخانه می‌باشد. بی‌آمد این شکایات نمایندگان دادستانی در کارخانه حضور می‌یابند و از نمایندگان شورا توضیح می‌خواهند. چند روز بعد دو تن از فعالیت‌های شورا همراه با ۳ نفر دیگر از کارگرانی هم که ۳۵ الی ۴۰ سال سابقه کار داشتند غیاباً صادر و از ورود آنها نیز به کارخانه جلوگیری می‌شود. ۳ تن از این ۲۰ نفر از اعضا شورا بودند که بدین ترتیب با اخراج و بازنشته شدن ۵ تن از ۷ عضو شورا، علا شورا منحل می‌شود.

بررسی خطاهای شورا:

۱- بررسی سیر عینی تشکیل شورا در این کارخانه نشان می‌دهد که شورا به عنوان یک همان‌گونه کارگران توده‌ای از درون مبارزات خودپیوی توده کارگران در روزهای قیام نجوشیده بود، بلکه عمده‌به وسیله عناصر آگاه و با ابتکار و پیگیری آنها پس از قیام پایه‌زیری شد. همان‌گونه که گفته شد این موضوع نیز خود ناشی از رشد نیافتگی مبارزه کارگران این کارخانه در طول یک دوسره اخیر بوده است.

اگرچه تشکل کارگران در درجه اول محصول عینیت مبارزه خود بخودی آنهاست و اگرچه ظرفیت تشکل پذیری کارگران متناسب با سطح عینی مبارزه آنان تحول می‌یابد، لیکن عنصر آگاه و پیش رو باید با سازمانگری عمل مستقیم کارگران و با اتكاء به تجارب عینی و روزمره آنان و با ترویج و تبلیغ ایده تشکل آگاهانه و واعداً پرولتیری در بین توده کارگران، آنان را بیش از پیش در "طبقه آهنین" تشکل پرولتیری فشرده سازد.

اما واقعیت تکوین و تحول بعدی شورای سیمان ری نشان می‌دهد که فعالیت‌های این شورا برخلاف پندارهای خود نه تنها گام موثری در این راه برنداشتند بلکه با خطاهای آشکار خود درک کارگران از تشکل‌های شکننده و ناپایدار خودبخودی در حد تشکل‌های شکننده و ناپایدار خودبخودی متوقف کردند و از دستیابی به تشکل واقعی خویش محروم ساختند. آنها به جای آنکه بر زمینه عینی عمل مستقیم کارگران، آنان را به شرکت هرچه فعالانه‌تر از کار و فعالیت روزمره شورا ترغیب کنند، بهجای آنکه اراده آگاهانه کارگران را در شورا متبلور سازند، پایه توده‌ای شورا را گسترش و تعمیق بخشدند، غرق در اندیشه پیشبرد امور بطور مستقل یعنی بدون دخالت و مشارکت فعال کارگران بودند. به نحوی که ناگزیر اراده خود را اساس و مبنای حركت شورا قرار... بقیه در صفحه ۱۳۵۹

(قسمت اول)

مبازات کارگران سیمان ری حول خواست

طرح طبقه بندی مشاغل

در سه‌ماهی از
جنیش
کارگران
ایران

سپس شورا) از آغاز فعالیت خود بر روی طرحی کار می‌کرد که شامل مزایای بسیاری برای کارکنان این کارخانه بود و به همین خاطر نیز از همان ابتدا تدوین آن با مخالفت و سنگاندزای مدیریت مواجه شد. سرانجام پس از ۶ ماه این طرح تدوین و به مجمع عمومی کارکنان کارخانه ارائه شد. مهمترین ویژگی این طرح میزان بالای دستمزدی بود که در آن پیش‌بینی شده بود. بطوری که میانگین افزایش دستمزد نزدیک به ۴۵٪ بود. که بین ۲۰ الی ۷۰ درصد نوسان داشت. تعداد کثیری از کارگران این کارخانه از مرز ۳۵ سال سابقه کار گذشته و در آستانه بازنیستگی قرار گرفته بودند و از آین روز پیگیرانه خواهان اجرای طرح جدید بودند تا حقوق و مزایای ایام بازنیستگی خود را بر اساس پایه دستمزد پیش‌بینی شده در این طرح دریافت کنند. اما میزان و ضریب این افزایش حقوق به حدی بالا بود که حتی کارگران نیز آن را غیر معقولانه می‌دانستند و با نایابی با آن برخورد می‌کردند. در اسفندماه مدیر عامل درنتیجه ناتوانی در مقابله با اقدامات شورا استغفا داد و مدیر‌عامل جدیدی به کارخانه آمد. لیکن پیگیری کارگران و شورا برای اجرای طرح همچنان ادامه یافت.

با وجود آنکه سرانجام در اردیبهشت ماه طرح، مورد تأیید مدیر عامل جدید، سازمان گسترش و وزارت کار قرار گرفت، اما به هنگام اجرا و پیاده کردن آن با اشکالتراشی‌های جدی مدیر عامل جدید روبرو شد و کارگران نیز متقابلاً اعلام داشتند که تا اجرای طرح از دریافت حقوق خرداد ماه (به میزان سابق) خود داری خواهند کرد. کارگران دو هفته بر این خواست خود پاسخاری کردند. لیکن عده محدودی دور از چشم بقیه به گرفتن حقوق به روال سابق مبادرت کردند. شورا مجمع عمومی کارکنان را برای بررسی چگونگی پیگیری خواستشان (اجرا طرح طبقه بندی جدید) فرا خواند.

در مجمع عمومی اکثر کارگران آمادگی خود را برای پیگیری در اجرای طرح اعلام کردند لیکن روز بعد فیش حقوق‌های قبلی توسط شورا بین کارگران تقسیم شد. استدلال شورا این بود که:

"عده زیادی از کارگران به آنها مراجعه کرده و خواهان پرداخت حقوق خود شده‌اند. اگر در مجمع عمومی به نظر می‌رسید که همه کارگران موافق نگرفتن حقوق هستند به این خاطر بود که صدای موافقین بلند بود و فضای حاکم اجازه اظهار نظر به مخالفین نبی داد."

بدین ترتیب حرکت کارگران برای اجرای طرح پس از دو هفته نگرفتن حقوق بی‌نتیجه می‌ماند. در این میان توطئه‌های مدیر‌عامل و عناصر ضدکارگر درون انجمن اسلامی برای تضعیف و تلاشی شورا همچنان ادامه می‌یافتد. مدیر‌عامل جدید از همان بدو ورود خود سیاست نزدیکی با انجمن

پس از قیام بهمن ماه کارگران کارخانه سیمان ری مقدمات تشکیل شورای واحد خود را فراهم کردند. ابتدا یک هیئت ۷ نفره به عنوان نمایندگان موقت با رای مستقیم کارکنان انتخاب شد تا به هنگام تشکیل شورا وظایف محله را بطور موقت انجام دهد و همچنین مقدمات تشکیل شورا را با تهیه اساسنامه تدارک ببیند. سیمان ری که از معدود کارخانه‌های قدیمی ایران به شمار می‌آید و کارگران آن نیز از ساقه و سفن مبارزاتی پربرای از گذشته‌های دور و بخصوص سالهای قبل از ۳۲ برخوردارند، به همین دلیل علیرغم آنکه در جریان مبارزات کارگرانی اعلیاً یافته سالهای اخیر و بخصوص در روزهای قیام آنچنان که باید شرکت فعال نداشته‌اند، اما به هر حال به اعتبار تجارب مبارزاتی سالهای دور توانستند عناصر آگاهی را از میان کارکنان کارخانه به نمایندگی انتخاب کنند. از این رو در ترکیب هیئت نمایندگان از همان آغاز کارکنان مبارز و آگاه دیده می‌شود. این مسئله از همان هنگام انگیزه‌ای جهت تبلیغات نفاق افکنانه و کارشکنی‌های مداوم عناصر ضد کارگر درون و بیرون کارخانه می‌شود و بخصوص چا آغاز فعالیت مؤثر هیئت نمایندگان و برداشتن گام‌های عطی در جهت منافع صنفی - سیاسی کارگران، این تبلیغات و کارشکنی‌ها بطور فزاینده‌ای تشدید شد. فعالیت‌ها و اقدامات توطئه‌گرانه علیه هیئت نمایندگان بطور عمدی از دو کانون هدایت می‌شود. اول مدیریت لیبرال کارخانه که با غیر قانونی خواندن اقدامات "هیئت" تسلیم شد. فعالیت‌ها و اقدامات کارخانه که با غیر قانونی خواندن اقدامات هم می‌شود در مقابله آن سد و مانع ایجاد کرده و نهایتاً آن را متلاشی کند و دوم عناصری از انجمن اسلامی که کوشش می‌کرددند تا در زیر شعار دفاع از اسلام و با بهره‌گیری از علاقه مذهبی کارکنان و تحریک اعضا سالم انجمن اسلامی آنها را علیه "هیئت نمایندگان" بشورانند. این تلاش‌ها بخصوص در جریان برگزاری انتخابات شورا که توسط هیئت نمایندگان در اواسط بهمن ماه انجام شد، فزونی گرفت. لیکن علیرغم همه این تشبیثات، کارگران بار دیگر همان اعضا "هیئت" را به سمت نمایندگان خود در شورا برگزیدند. از اقدامات مهم شورا در این دوره تعدیل حقوقها یعنی افزایش ۳۴۵ تومان به حقوق ماهیانه کارگران بود که مابه التفاوت روزانه حقوق ۵۶۷ ریال از روزانه حقوق سابق کارگران محسوب می‌شود. شورا پایه حقوق سابق را ۲۳۰ ریال حساب کرد و این خود سبب استقبال وسیع کارگران شد و همچنین اخراج چند تن از عناصر وابسته به رژیم سابق و گرفتن سود ویژه سال ۵۸ و پرداخت ۴۰۰۰ تومان به کارگران بابت سود شرکت تعاونی که قبل از حیف و میل می‌شد از زمرة اقدامات مثبت شورا بود. در تمام این موارد مدیریت کارخانه در کار شورا اخلاق کرده و به انحصار مختلف مانع اقدامات مثبت آن می‌شد. عمدت‌ترین محور درگیری شورا با مدیریت تدوین و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل بود. هیئت نمایندگان (و

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

— پیش‌تاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران —

به نظر ما برای ریشه‌کنی فقر، جهل، بیماری و گرسنگی عوامل به وجود آورنده آن را باید ریشه‌کن کرد.

به اعتقاد نظریه پردازان جمهوری اسلامی، با دعوت مردم به خواستهای "متعالی" تو "مکتبی" و نیز از طریق تعدیل جنبه‌های تشید شده نظام می‌توان دشواری‌های اجتماعی را از میان برداشت.

این جوهر بحثی است که در قالب مفاهیم زیربنا و روپنا و این که آیا اقتصاد زیربنای روبنا، در جنبش انقلابی میهن ما رایج است. بگذریم از این که برخی از مبلغان جمهوری اسلامی ساده‌ملوحانه یا مفرضانه تاکید انقلابیون کمونیست بر اهمیت روابط اقتصادی در تعیین خصوصیات زندگی اجتماعی را به صورت عشق به مادیات و آنود می‌کنند. ما می‌گوئیم که فقر، گرسنگی، بیماری، خانه‌بدوشی میلیون‌ها کارگر و زحمتکش شهری و رستaurانی میهن ما باید برطرف گردد. کارگران و زحمتکشان ما باید تا آنجا که امکانات تولیدی جامعه ما امکان می‌دهد در رفاه و آسایش مادی به سر برند.

ما می‌گوئیم کارگران و زحمتکشان ما برای رفع استثمار و ستمی که بر آنها وارد می‌شود و برای زندگانی بهتری مبارزه می‌کنند. اما ما پیش از این می‌گوئیم و تکیه ما بر اهمیت روابط اقتصادی در اینجاست که می‌گوئیم روابط اقتصادی سرمایه‌داری است که فقر و گرسنگی توده‌های ابیوه مردم جامعه ما را پدید آورده است و این است که کارگران و زحمتکشان میهن ما را (ونیز کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را) به مبارزه کشانده است و این است که کارگران و زحمتکشان میهن ما (و سراسر جهان) خواهان زوال و سرنگونی آن هستند.

اما چرا ما در بررسی برنامه اقتصادی دولت در این باره سخن راندیم؟ دلیل آن این است که بخش قابل توجهی از برنامه دولت به این مسئله و نیز مسئله مالکیت (که آن هم به این بحث مربوط است) اختصاص داده شده است. برنامه اقتصادی دولت دارای دو مقدمه است. مقوله نخست دربار مسئله "اقتصاد" و برداشت "مکتبی" از آن است و مقدمه دوم درباره مالکیت است. ما ضمن دعوت خوانندگان به معرفت متن اصلی این دو مقدمه نکات اصلی آنها را در اینجا توضیح می‌دهیم:

نقش اقتصاد در جامعه از دیدگاه طراحان برنامه رجایی

مقدمه نخست اقتصاد را به معنای میانه‌روی و احتراز از چیز و راست تعریف می‌کند و می‌کوشد آن را از تعریف نظریه پردازان سرمایه‌داری که (علم) اقتصاد را بررسی چگونگی تامین نیازهای نامحدود انسان در مقابل امکانات مادی محدود تولیدی می‌دانند، متمازی سازد. مقدمه می‌افزاید "گرچه رفع نیازهای مذبور (نیازهای مادی) خود جزئی از سامان و تحقق اقتصاد مکتبی ماست لذا با آنکه از دیدگاه اسلامی اقتصاد امری روپسائی است، مع الوصف واجد اهمیت بسزا است. دولت جمهوری اسلامی" ملزم است امکانات... لازم را... چنان فراهم و اجرا نماید که فرد و جامعه از غفلتها و بی‌راهی‌ها و نقض حدود احده منصرف... اسراف و تبذیز خصلت‌های مصرف، وابستگی و دنیوی از جامعه رخت بریند و نشاط و تعاون و تولید و خودکفایی و اخرویت جایگزین آن بشود."

بدین ترتیب، مقدمه نظریه پردازان جمهوری اسلامی در گذشته و حتی در یکی دو هفته آخر گفته‌اند که مردم برای بقیه در صفحه ۱۵

نگاهی به برنامه اقتصادی دولت رجایی

خانه از پای بست ویران است خواجه در بند نقش ایوان است

بخشی از برنامه اقتصادی راچاپ کرده است. هنوز روش نشده است که آیا برنامه اقتصادی نیز جزئی از موضوع مورد اختلاف میان رئیس جمهوری و نخست وزیر است یا خیر. در هر صورت از آنجا که سرانجام پس از ۱۸ ماه که از قیام بهمن ۵۷ می‌گذرد، برنامه‌ای اقتصادی از جانب دولت ارائه شده است و از آنجا که این برنامه، علیرغم ناروشنی وضع آن و این که آیا برنامه رسمی دولت خواهد بود یا نه، میین نقطه نظرها و دیدگاه‌های رجایی و حزب جمهوری اسلامی است. این برنامه را حائز توجه می‌دانیم و در زیر به بررسی آن می‌پردازیم:

در هفتاهی که گذشت، در بحبوحه کشاکش میان بنی صدر و رجایی بر سر کابینه، برنامه اقتصادی دولت در روزنامه اطلاعات (سهشنبه ۱۱ شهریور ۵۹، صفحه ۱۶) به چاپ رسید. نه رجایی و نه هیچ کس دیگری از کابینه وی درباره این برنامه توضیحی نداده است. گویا نخست وزیر و رئیس جمهوری آنچنان غرق در مباحثتشان بر سر کابینه هستند و آنچنان درگیر محکم کردن جای خود که کسی فرصت نیافته یا صلاح ندیده است درباره برنامه توضیحی دهد، یا نظری ابراز کند. به جز روزنامه مذکور، روزنامه دیگری برنامه اقتصادی (و همچنین برنامه سیاسی) دولت را نقل نکرده است و حتی این روزنامه نیز

توده‌های محروم و زحمتکش) نقش اقتصاد را در روابط اجتماعی و نقش مالکیت را در روابط اقتصادی تبیین کنند.

علم اجتماعی به ما می‌آموزد که روابط اقتصادی نقشی تعیین کننده در روابط و مبارزات اجتماعی دارد. ما معتقدیم آنچه کارگران و زحمتکشان میهن ما و سراسر جهان را به مبارزات اجتماعی می‌کشاند استثمار و ستمی است که در نظام استثمارگر این جوامع برآنان می‌شود. ما معتقدیم آنچه قبل از هر چیز کارگران و زحمتکشان میهن ما را و نیز کارگران و زحمتکشان جهان را متعدد می‌کند و در یک صفت قرار می‌دهد مبارزه در جهت براندزای روابط اقتصادی حاکم بر میهن ما و نظام استثمارگر خاکم بر دیگر جوامع است. ما همچنین معتقدیم که اتحاد توده‌های محروم و زحمتکش میهن ما برای سرنگونی شاه و قطع سلطه امپریالیسم، برآسان ستم مشترکی است که امپریالیسم بر کارگران و زحمتکشان میهن ما اعمال کرده است. بدیهی است که نظام استثمارگر و نیز امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، همچنان که برای ادامه بهره‌کشی و تحکیم سلطه خود بر اقتصاد میهن ما از نیروی نظامی و طرق مختلف سرکوب بهره‌گرفته است، آگاهانه در پی گسترش فرهنگ امپریالیستی و برپا کردن ارزش‌های منحط اجتماعی بوده است. که با این نظام تطابق داشته باشد. ما فرهنگ امپریالیستی و ارزش‌های منحط اجتماعی آن را دشمن فرهنگ متعالی و ارزش‌های والای انسانی می‌دانیم و معتقدیم برای تحقق بخشیدن به فرهنگ و ارزش‌های والای انسانی روابط اقتصادی و نظام استثمارگر اجتماعی باید دگرگون شود.

نظریه پردازان جمهوری اسلامی در پی آن هستند که استثمار، ستم، فقر و فساد سرمایه‌داری را به وسیله فرهنگ و آنچه آنان نام "مکتب" بر آن می‌نهند، توضیح دهند. در خانه‌ای که از پای بست ویران است، اینان دربند نقش ایوان‌اند و خوشبازانه به اینان امیدند که با تغییر نقش ایوان خانه را مرمت کنند.

به نظر ما راه حرکت به سوی تعالی و تکامل دگرگون ساختن آن روابط اقتصادی است که امکان اعمال سلطه امپریالیسم را فراهم می‌سازد، استثمار را رواج می‌دهد، فقر و جهل، بیماری و گرسنگی را گستردۀ می‌سازد. به اعتقاد نظریه پردازان جمهوری اسلامی راه علاج، تزکیه نفس ایثار و پذیرش و اشاعه فرهنگ و ایدئولوژی "مکتبی" است.

برای آنکه دولتی بتواند در جهت مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما پیش رود، باید دو وظیفه مبرم و مرتبط به هم را بر عهده گیرد. نخست آن که باید برنامه‌ای اساسی و همه‌جانبه در جهت مبارزه با سلطه امپریالیسم بر اقتصاد میهن ما ارائه دهد و به اجرا در آورد. باید ساخت اقتصادی جامعه را که در پیوند با امپریالیسم و در تابعیت از آن رشد یافته است، درهم بکوبد و بر جای آن اقتصادی مستقل را پایه ریزید که خصوصیت آن نه در تابعیت، بلکه در نفی آن باشد. باید بازسازی اقتصادی را در جهت رشد مستقل امکانات مادی تولید و در تامین نیازهای رو به رشد کارگران و زحمتکشان سامان دهد و اسباب حصول به آن را تدارک ببیند. دیگر این که باید برنامه‌ای کوتاه مدت و خوبی در چارچوب اصول فوق، در جهت رفع بحران اقتصادی کنونی و عوارض خانمانسوز آن یعنی گرانی، بی‌بیکاری و نیز مقابله با تحریم اقتصادی ایران به وسیله امپریالیسم جهانی، و کاستن از شدت مسئله حاد مسکن، فقر تغذیه و بهداشت و بی‌سوادی گسترش دتbal کند.

در بررسی برنامه اقتصادی دولت رجایی می‌بینیم از یک سوی این برنامه‌ای نیست که مطلوب سرمایه‌داران و نمایندگان آنها باشد، چرا که برخلاف خواسته آنان برنامه اقتصادی دولت رجایی به قصد بارسازی سرمایه‌داری وابسته ایران تدارک دیده نشده است. اما از سوی دیگر، این نیز برنامه‌ای نیست که بتواند نظام سرمایه‌داری وابسته ایران را دگرگون سازد. گذشته از این، این برنامه‌ای نیست که بتواند هدف‌های کوتاه مدتی را که در بالا بدانها اشاره شد تامین کند. با درک ناقص و ناروشنی که در برنامه نسبت به وابستگی اقتصادی مستقر است و نیز با توجیهی که نسبت به مسائل عاجل اقتصادی به چشم می‌خورد، نمی‌توان انتظار داشت که در چارچوب این برنامه دولت بتواند حتی در جهت کاهش وابستگی و تخفیف مسائل حاد اقتصادی کنونی کامی قابل توجه به پیش بردارد. به متن برنامه دولت رجایی نظری اندازیم:

التفکرات بیرون از:

نظریه پردازان جمهوری اسلامی از ابتدای کار خود را با دو مسئله فلسفی - ایدئولوژیک مواجه می‌دیده‌اند. آنها کوشیده‌اند به ترتیبی قابل قبول (هم در چارچوب "مکتب" و هم از جانب

شمرده شده است. پس چگونه این نظریه پردازان می‌خواهند در پی برطرف کردن "غفلت‌ها و بی‌راهنگی‌ها" و استثمار "ضعف" باشند؟ آنان معتقدند که مالک (بخوان سرمایه‌دار) مسلمان باربردوش است و درقبال برخوردی که با مایلک خود و نحوه حصول آن می‌کند مورد سوال واقع می‌شود و اگر از ضوابط عدول کند از او سلب مالکیت می‌شود.

لین نحوه برخورد با مالکیت وسائل تولید از آن کسانی است که در عین نفی مالکیت‌های بزرگ و انحصارات، باذیرش اصل مالکیت بر وسائل تولید ریشه "غفلت‌ها"، بی‌راهنگی‌ها و استثمار ضعف" را برجای باقی می‌گذارند. آنان بر این نظرند که مالکیت مشروط و محدود، تحت نظارت جمهوری اسلامی می‌تواند از حرص و آز بدبور باشد و موجب استثمار "ضعف" نشود. آنان نه در پی نفی سرمایه‌داری بلکه خوشبوارانه در پی تعديل و نرم آنند و از آنجا که حرکت ذاتی سرمایه در جهت رشد و گسترش، افزایش استثمار و انباشت است و از آنجا که پول بول می‌آورد و فقر، فقر، تلاش عبیتی را در پیش دارند که ناگزیر سربوشتی محروم در انتظار آنان و سیاست آنان است.

آنان در حالی که بر عدل و "قسط" پا می‌شارند و بر این عقیده‌اند که "نوع نیازهای حقیقی انسان‌ها یکسان است و جریان رواج اموال باید از همگان رفع نیاز نماید" با پذیرش اصل مالکیت بر وسائل تولید شرط تحقق چنین وضعی را عمل زایل می‌سازند.

در مقدمه بوفاشه سخنی از سلطه امپریالیسم به میان نیامده است!

بدین ترتیب می‌بینیم که در مقدمه نخست و مقدمه دوم، در حالی که تدوین کنندگان برنامه اقتصادی دولت، گام بر زمینه‌های نهاده‌اند که با خواست و انتظار نمایندگان سرمایه‌داران مغایرت دارد و بدین سبب آنان را نگران و برانگیخته کرده است؛ راهی را در جهت ریشه‌کنی مسائل اصلی مبتلاه جامعه مان نگشوده‌اند و حتی راه را برای رشد مجدد سرمایه‌داری وابسته ایران باز نگه داشته‌اند. انکار روابط طبقائی در نظام تولید اجتماعی و پذیرش مالکیت خصوصی به عنوان اصلی معتبر و انکار ناپذیر، علیرغم تمامی محدودیت‌هایی که بر آن نهاده شود، دولت کوئی را در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی زحمتکشان و تحقق بخشیدن به نیازهای توده‌های محروم و زحمتکش ناتوان می‌سازد، هر چند دولت از تهدیل و صادقانه هزار بار معتقد به قطع وابستگی و گستراندن عدل و برابری در جامعه باشد.

اما در این دو مقدمه نکته‌ای بسیم نهفته است. مقدمه هر برنامه اقتصادی بیان کننده چارچوب اصلی اجرای برنامه و اهداف کلی آن است. در این دو مقدمه، نظریه‌پردازان جمهوری اسلامی آنچنان درگیر مسئله روپنا یا زیرپنا بودن اقتصاد و پیاده کردن خط مکتبی مالکیت بوده‌اند. که سخنی از قدسیت مالکیت بوده‌اند. که سخنی از امپریالیسم و سلطه آن بر جامعه وابسته و بر جامعه ما به میان نیاورده‌اند. ما نمی‌توانیم به این خوشبین و خوشبادر باشیم که بگوئیم طراحان این برنامه از توجه به سلطه امپریالیسم به عنوان مسئله اصلی جامعه ما سهوا غافل مانده‌اند و تنهایه ذکر نکاتی سطحی درباره مسئله وابستگی در بقیه برنامه بسته‌گردیدند. ما بر این عقیده‌ایم که این "غفلت" بر بینشی

است نیروی کار خود را به مالک وسائل تولید (سرمایه‌دار صاحب زمین یا کارخانه یا ...) بفروشد تا مزدی به دست آورد و زندگی بگذراند

کشاورزی که زمین ندارد باید ماهها در زیر آفت سوزان روی زمین کار کند تا بخش اندکی از محصول را ببرد و آن که کاری نکرده است و زمین و تراکتور داشته است بخش عظیم محصول کار کشاورز را تصاحب کند. کارگری که ساعت‌های طولانی، هر روز، در سخت‌ترین شرایط در کارخانه و در پشت ماشین‌ها کار می‌کند تنها جزئی اندک از محصولی که ایجاد کرده است به خانه می‌برد و سرمایه‌دار دسترنج او را به یغما می‌برد و بهجای آن که محصول آن زمین یا این کارخانه در جهت رفع نیازهای مادی کارگران و زحمتکشان به کار بسته شود به دنبال سرمایه‌داران می‌رود تا سرمایه بیشتری به دست آورند و استثمار بیشتری بکنند.

این رابطه، یعنی رابطه میان کار و سرمایه (کارگر و مالک وسائل تولید) رابطه‌ای استثمارگرانه است و این رابطه است که منشاء تمامی دردهای اقتصادی - اجتماعی جوامع سرمایه‌داری از جمله بی‌عدالتی، نابرابری و فقر و جهل است و این رابطه است که اساس وابستگی اقتصادی جامعه‌ای چون جامعه ما را فراهم می‌سازد.

مبلغان سرمایه‌داری که همواره کوشیده‌اند با مخدوش جلوه دادن نظرات انقلابیون کومنیست توده‌ها را فریب دهند چنین وانمود می‌کنند که ما با مالکیت شخصی بر وسائل زندگی و معاش مخالفیم. آنان وانمود می‌کنند که ما با مالکیت بر پوشک شخصی، بر مسکن شخصی، حتی زیرانداز و فرش و گلیم شخصی مخالفیم. آنان رذیلانه و با هزاران حیله و نیرنگ می‌کوشند دکه‌دار و دکاندار جزو و پیشمور و کشاورز زحمتکش را از این بتراشند که ما خواهان لغو مالکیت دکه‌دار، دکاندار، پیشمور و کشاورز خرد پا هستیم. ما بار دیگر در برابر این عوام‌گردی‌ها مبلغان سرمایه‌داری تاکید می‌کنیم که وقتی ما صحبت از لغو مالکیت بر وسائل تولید می‌کنیم صحبت ما درباره مالکیت بر وسائل زندگی و معاش نیست. ما حتی بر این عقیده‌ایم که دکه‌داران، دکانداران، پیشموران و کشاورزان خرد پا که تحت ستم امپریالیسم و نظام سرمایه‌داری وابسته قرار گرفته‌اند، باید مورد حمایت قرار گیرند، باید نگرانی آنها از ورشکستگی و از دست دادن امکان کسب و کار از میان برداشته شود، باید رفاه مناسبی در حدود امکانات اجتماعی برای آنها فراهم باشد.

آری، این درست است که مالکیت "زمینه رشد و آزمایش و جزا" را برای افراد جامعه فراهم می‌آورد. سرمایه‌های حرکتی مادام دارد. استثمار می‌کند، انباشت می‌شود، رشد می‌کند و گسترش می‌یابد. در این پروسه از مالکین کوچک وسائل تولید (سرمایه‌های کوچک) که توان استثمار، انباشت و رشد محدود دارند و نیز از صاحبان وسائل معاش سلب مالکیت می‌شود. آنان که سرمایه بیشتر دارند و "فعال تر"، " بصیرانه‌تر" زیرکانه‌تر و شقاوت‌آمیزتر سرمایه‌شان را به کار انداخته‌اند. از بوته "آزمایش" سرمایه‌داری پیروزمندانه بیرون می‌آیند، "رشد" می‌کنند و امکان استثمار و رشد بیشتری می‌یابند و آنان که سرمایه کمتری داشته‌اند، ناتوان تر بوده و با دشواری این راه را پوییده‌اند به "جزای" خود می‌رسند، ورشکست می‌شوند و از آنان، به وسیله سرمایه‌های بزرگ‌سلب مالکیت می‌شود. غنی‌تران همواره غنی‌تر می‌شوند و نداران ندارتر و به قول معروف "پول پول می‌آورد" و این است حرکت سرمایه‌داری که اسما و ریشه آن مالکیت خصوصی بر وسائل تولید است. در مقدمه برنامه اقتصادی در باب مالکیت، مالکیت بر وسائل تولید معتبر و حتی مقدس

بقیه از صفحه ۹

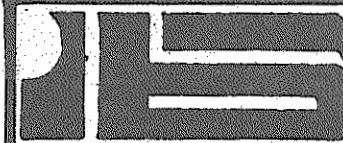
خانه از پای بسته

(رجوع کنید به سرمهقاله کار ۷۲، ۵ شهریور ۱۳۵۹) ناگزیر به پذیرش این شده‌اند که نامین نیازهای مادی "واجد اهمیت به سزا است" اما به هر صورت، تعریفی که در این برنامه برای اقتصاد مطرح شده است بازدودن مفهوم رابطه تولیدی میان طبقات اجتماعی از آن، نوع تعدیل شده‌ای از تعریف نظریه‌پردازان سرمایه‌داری برای "اقتصاد" است. هرچند در این برنامه، نظریه‌پردازان تدوین کننده برنامه مفهوم علم اقتصاد را به غلط بهجای روابط و نظام اقتصادی مطرح می‌کنند.

آنچه در این مقدمه باید بدان توجه می‌شد، اهمیت روابط اقتصادی و چگونگی عملکرد آن در کشاندن فرد و جامعه به "بی‌راهنگی‌ها، نقض حدود حقه" و گستراندن بی‌عدالتی، استثمار و ستم، فقر و گرسنگی، جهل و بیماری است. بی‌توجهی به این مسئله ریشه‌ای و تنها بر شمردن برخی از عوارض عملکرد روابط اقتصادی موجود در جامعه و کوشش در رفع آنها با تکیه بر مسکن برای تسکین درد و نه تنها فرد و جامعه زندگی است که مسکن در اینجا مرض است و نه تنها فرد و جامعه دوباره گرفتار "ناهنجاری‌ها، ترک خیر و منع برکت" خواهد شد و به "حضری و پستی‌ها و بی‌قیدی‌ها، گسیختگی‌ها، محرومیت‌ها و تعذیبات" سقوط خواهد کرد بلکه هیچ امیدی نیست بتوان آن را از آنچه هم اکنون بدان گرفتار است حتی موقتا و جزئی رهانید. این بینشی است که در تدوین برنامه نیز اثرات مهمی بر جای گذاشته است و به جای آن که دریی حل اساسی مسئله وابستگی، رفع بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها باشد به تعديل و تخفیف آنها پرداخته است. در این باره بعدا سخن خواهیم گفت.

دیدگاه نظریه‌پردازان جمهوری اسلامی درباره مالکیت:

مقدمه دوم مالکیت را مقدس شمرده و بر اعتبار آن تکیه کرده است. در مقدمه آمده است، مالکیت مقدس در اختیار مردم قرار گرفته "تا زمینه حرکت، رشد، آزمایش و جزا" به مردم ارزانی شود. پس مالکیت آدمی معتبر است نه منتفی و ملغی، لکن اعتباری و نسبی است... مشروط است بر این که شرافتی‌های دنیوی انسان‌ها زمینه جریان و رواج و تداوم فیض حق را منع نکند... مالک مسلمان بار بر دوش است و در قبال برخوردي که با مایلک خود و نحوه حصول آن می‌کند مرد سود و از می‌شود. و اگر از ضوابط معین شده عدول کند مالکیتی که بر او ارزانی شده معزول می‌شود. بدین ترتیب، مالکیت افراد بر وسائل تولید از دیدگاه نظریه‌پردازان جمهوری اسلامی معتبر است و این مالکیت است که "زمینه حرکت، رشد، آزمایش و جزا" را برای افراد جامعه فراهم می‌سازد. ماهماگونه که در بحث‌های مکرر گفتایم، آنچه استثمار را سبب هی شود، مالکیت افراد بر وسائل تولید است. آن که در اختیار ندارد، کارخانه، کارخانه نیازی نمی‌شود، و سایل تولید (زمین، کارخانه، ...) در اقتصاد سرمایه‌داری ناگزیر



خانواده نهند. گفتن این که "خواهان برادران" اسراف نکنید، دردی را دوانمی‌کند چه آن که ندارد کارش به اسراف تمی‌رسد و آن که دارد اسراف‌نکردن نتیجه‌ای بر مصرف توده محروم عدارد. منشاء اسراف ثروتمندی است و سرمایه‌دار تصحیح بردار نیست.

پرداخت وام و اعتبار به تولید کنندگان:

کمک به تولید کنندگان و صنعتگران جزء و افراد کم درآمد سیاستی تعديل کننده است که تنها در صورتی می‌تواند تحقق پذیرد که ساخت اقتصادی و صنعتی کشور دگرگون شده باشد. در چارچوب ساخت اقتصادی و صنعتی وابسته کشور نمی‌توان انتظار داشت که بتوان بر این‌کمک‌ها جامه عمل پوشاند. هم اکنون نزدیک به یک سال است که اعتباری برای کمک به تولید کنندگان و صنعتگران جزء منظور شده است. هر چند رقم این اعتبار از پنج میلیارد تومان متراوی نبوده است، اما حتی همین مقدار هم علیرغم میل بانیان این برنامه به مصرف نرسیده است.

در چارچوب روابط سرمایه‌داری، بانک‌شناها به مقاضیانی وام می‌دهد که انتظار سود دهنده طرح‌های پیشنهادی آنان را داشته باشد و دارای وثیقه‌ای هستند (در حدود ارزش وام) باشند. در چنین وضعی تنها کسانی می‌توانند از این وام‌ها استفاده برند که نه تولید کننده و صنعتگران جزء، بلکه "تولید کننده" و "صنعتگری". هستیر باشد و اینان نه در زمرة "مستضعفان" و "ضعفا" بلکه در سک سرمایه‌داران اند که برای رشد و حرکت سرمایه‌شان به وام "نیازمندند". مهمتر، این که، وجود انحصارات صنعتی و تجارتی و ادامه سلطه اقتصادی امپریالیسم بر جامعه ما، که در گذشته نیز صنعتگران و تولید کنندگان خرد را به ورشکستگی و نابودی کشانده است، از سرگیری حیات آنها را اگر نه غیر ممکن، دست کم بسیار محدود خواهد کرد. مگر آن که سیاست‌های اساسی در زمینه صنعت و تجارت دنبال شود و این نکته‌ای است که نه در برنامه کوتاه مدت و نه در برنامه دراز مدت دولت، از آن نشانه‌ای تیست. در این باره در شماره‌های بعد صحبت خواهیم کرد.

تغییر مالیات‌ها و برنامه دولت:

دولت برنامه خود را درباره چگونگی تغییر مالیات‌ها نیز روش نکرده است. انتظار این است که دولت در جهت تعديل مالیات‌ها و کاهش بار مالیات بر دوش قشرهای کم درآمد اجتماعی پیش رود. این مستلزم آن است که دولت کلیه مالیات‌های غیر مستقیم بر کالاهای ضروری و مورد نیاز کارگران و زحمتکشان شهری و روستائی را ملغی کند و نیز مالیات بر مزد و حقوق کارگران و کارمندان جزء را لغو نماید و بهجای آن مالیات بر شرکت‌ها، بر مشاغل پردرآمد، بر مستغلات بر سهره و بر شرطوت را افزایش دهد به نحوی که علاوه بر کاهش بار مالیات مستقیم و غیر مستقیم از دوش کارگران و زحمتکشان، بخش بزرگتری از بودجه دولت از طریق مالیات بر سرمایه‌داران و ثروتمندان، و نه از طریق فروش نفت خام به دست آید.

بقیه در صفحه ۱۲

از تولید محصول جامعه‌گاسته‌می شود؛ با عده عظمت این مسئله برای آنها غیر قابل فهم است. اگر جز این بود، این صاحب نظران بهجای جا اندختن خطوط موهوم و خیال‌پردازی‌های خوشبوارانه خود در ماههای گذشته به ترتیبی در بی تامین کار برای کارگران و زحمتکشان می‌بودند. اگر جز این بود در برنامه اقتصادی‌شان توجهی مناسب با حدت مسئله به بیکاری می‌کردند. اینان در این برنامه بیشتر در بی حقانیت بخشیدن به مالکیت خصوصی بر وسائل تولید بوده‌اند تا به بیکاری خانمان برانداز بیش از ۲ میلیون کارگر و زحمتکش که آن هم نیست مگر یکی از عوارض مالکیت خصوصی بر وسائل تولید. طرح ایجاد "زمینه کار" (ونه کار) از طریق اجرای طرح‌های کشاورزی، عمرانی و صنعتی و گسترش تعاونی‌ها بیان کلی و ناروشنی است که اثرات آن بر بیکاری گستردگی در جامعه ما معلوم نیست. برای مقابله با بیکاری، به ویژه در کوتاه مدت، طرح‌های معین و روشن ضروری است و این چیزی است که برنامه با بی توجهی کامل از آن گذشته است.

گرانی و توزیع:

حافه از پای بست ویران است ۰۰۰

پایه دارد که نفی مبارزات طبقاتی و حقانیت بخشیدن به مالکیت خصوصی اساس آن است و به همین دلیل است که از مبارزه طبقاتی و نفی مالکیت خصوصی بر وسائل تولید بسی بیش از امپریالیسم و سلطه آن‌های دارند و از این‌رو است که اینان نمی‌توانند جنبش ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان می‌بینند ما را تا قطع سلطه امپریالیسم رهبری کنند.

تجلى این محدودیت‌ها و مسائل بینشی را در سیاست‌های مشخصی که در برنامه اقتصادی آمده است می‌بینیم. پیش از آنکه به بحث مفصلی درباره هدف‌های برنامه و ارگان برنامه دراز مدت دولت پردازیم برنامه کوتاه مدت دولت را با توجه به مسائل عاجلی که جامعه ما را در بر گرفته است، بررسی می‌کنیم:

۴- برنامه کوتاه مدت اقتصادی

دولت در کوتاه مدت در بی آن خواهد بود که:

- ۱- سیستم مالیاتی را تغییر دهد،
- ۲- به تولید کنندگان و صنعتگران جزء و افراد کم درآمد کمک رساند،
- ۳- با "اجرای سیاست‌های اقتصادی لازم و از طریق تصحیح سیستم تولید و توزیع و نظارت بر امور داد و ستد و راهنمایی مصرف کنندگان" باگرانی و تورم مبارزه "جدی" کند،
- ۴- از طریق اجرای طرح‌های کشاورزی عمرانی، صنعتی و گسترش تعاونی‌ها ... دادن الوبیت به طرح‌های ناحیه‌ای در مناطق عقب‌مانده روستاها "ایجاد" زمینه کار" کند.

آنچه که در برنامه کوتاه مدت به وضوح به چشم می‌خورد، گذشته از ناروشنی سیاست‌ها و حتی مفاهیم، عدم ذکر الوبیت‌ها در برنامه است. این مسئله‌ای است که در تمامی برنامه به چشم می‌خورد. صرف ذکر برخی نکات، بدون روشن کردن نحوه حصول به آنها و ترتیب اهمیت آنها، در واقع برنامه اقتصادی چیزی جز مجموعه‌ای از سیاست‌های نامعین نیست.

برنامه رجایی و بیکاری:

در اینجا می‌بینیم که از یکی از حادترین مسائل اجتماعی ما یعنی بیکاری بیش از ۲ میلیون نفر از کارگران و زحمتکشان می‌بینیم. ما صریحاً ذکری به میان نیامده است و تنها در آخرین بند برنامه صحبتی کلی راجع به چگونگی "ایجاد زمینه کار" شده است. تدوین کنندگان این برنامه نمی‌دانند و بنا به موقعیت طبقاتی‌شان نمی‌توانند بدانند؛ که بیکاری بیش از یک چهارم از جمعیت فعلی کشور و نتیجتاً قطع درآمد بیش از یک چهارم از کل جمعیت کشور یعنی چه اینان نمی‌دانند که هنگامی که بیش از یک چهارم جمعیت فعلی جامعه در بیکاری به سر برداشته باشد.

کنگره سراسری "کمیته موقت خلق کره شمالی" را که می‌باید وظیفه دولت را به عهده گیرد، تشکیل دادند. بخش جنوی کره شمالی توافقنامه یالتا و پتسدام آمریکا می‌باشد پس از تسلیم نیروهای ژاپنی به استقرار یک حکومت دمکراتیک یاری دهد، پس از تسلیم ژاپنی‌ها تحت سلطه آمریکا در آمده و آمریکا پس از نابود ساختن دستاوردهای مبارزه مردم کره یک حکومت دستنشانده ضد خلقی را در آنجا بر روی کار آورد.

در سال ۱۹۴۶، "حزب کمونیست کره" و "حزب نوین خلق" که دارای اهداف و دیدگاه مشترکی بودند، در هم ادغام شده و "حزب کارگران کره" را تشکیل دادند. پس از انجام اصلاحات دمکراتیک و به ویژه اصلاحات اراضی اتحاد طبقه کارگر و دهقانان مستحکم شده و این اتحاد پایه‌ای برای تشکیل "جبهه دمکراتیک متعدد میهنی" شد که پیش از ۷۵ حزب و سازمان توده‌ای را در خود متشکل می‌کند و رهبری آن در دست "حزب کارگران کره" می‌باشد.

"مجلش عالی خلق" در ۹ سپتامبر ۱۹۴۸ قانون اساسی جدید کره را تصویب و موجودیت "جمهوری دمکراتیک خلق کره" را اعلام نمود. (۳)

"حزب کارگران کره" در سال ۱۹۷۴ دو میلیون عضو و کاندیدای عضویت داشت (جمعیت کره شمالی ۱۶ میلیون نفر است) و در همین سال تعداد اعضای "فدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگران کره" (تأسیس ۱۹۴۵)، "اتحادیه کارگران کشاورزی کره" (تأسیس ۱۹۶۵)، "گروه جوانان زحمتکش سوسیالیست" (تأسیس ۱۹۴۶)، "اتحادیه دمکراتیک زنان کره" (تأسیس ۱۹۴۵) به ترتیب ۲/۴، ۲/۶ و ۲/۸ و ۲/۷ میلیون نفر بود. این سازمان‌های توده‌ای زیر رهبری حزب شرکت توده‌ها را در اداره امور دولتی و عمومی تامین و تضمین می‌کنند.

* * *

امروز کره شمالی یک کشور صنعتی سوسیالیستی است. سهم تولید صنعتی در کل تولید ۸۰٪ و بقیه متعلق به کشاورزی است. با این همه به علت تعاونی و مکانیزه کردن کشاورزی و استفاده از آخرین دستاوردهای علمی و فنی در عرصه تولید صنعتی و کشاورزی، تولید محصولات کشاورزی کره از ۱۹۴۸ به بعد چهار برابر شده و کره امروز از لحاظ محصولات کشاورزی یک کشور خود کفاست، در بخش صنعت نیز تولید ماشین آلات سنگین، مواد شیمیائی و منسوجات غالب است. عظمت دستاوردهای کره شمالی در این مدت وقتی آشکار می‌شود که در نظر داشته باشیم که کره جنوبی (که امروزه به یکی از پایگاه‌های اقتصادی سیاسی، نظامی آمریکا تبدیل شده است) با وجود این که می‌کند مجبور است بیشتر مواد کشاورزی کار می‌کند مجبور است بیشتر خود را از خارج وارد نماید.

(۱)- گزارش کمیسیون ملی و مستعمراتی به گنگره دوم کمینترن (۱۹۲۰)

(۲)- همانجا.

(۳)- بدر مورد تجاوز نظامی آمریکا به کره و جنگ سه ساله ۱۹۵۰-۱۹۵۱ همچنین در مورد دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی در شفاره‌های قبلی "کار" توضیح داده شده است.

بقیه از صفحه ۷

۱۵۰۰ از جزوی از نقلاب کرد

تارومار شدن "ارتشر کوانتاگ" (ارتشر فاشیستی ژاپن) کره از سلطه ژاپن رهایی یافت. در این نبردها نیروهای ارتشر سرخ در کار "ارتشر انقلابی خلق کره" مبارزه می‌کردند. بر پایه "ارتشر انقلابی" در همان ماه تشکیل "حزب کمونیست کره" اعلام گردید و تحت رهبری حزب کمونیست کره تمام بنگاه‌ها و زمین‌های متعلق به ژاپنی‌ها و سرمایه‌داران وابسته کره‌ای مصادره شدند. شرکت‌های صنعتی در اختیار دولت نوین قرار گرفت و زمین‌ها بین دهقانان بی‌زمین و کم زمین تقسیم شد.

در ماه‌های اوت و سپتامبر ۱۹۴۵، به ابتکار توده‌های زحمتکش ارگان‌های قدرت خلق به نام "کمیته‌های سیاسی خلق" تشکیل شده و روز به روز بر تعداد آنها افزوده گردید. در فوریه سال بعد نمایندگان "کمیته‌های سیاسی خلق" در یک

جزئی و سازمان‌های جوانان و توده‌ای ضد امپریالیستی بنیان نهاده شدند.

در سال ۱۹۴۶، با حرکت از رهنمود کنگره هفتم کمینترن مبنی بر تشکیل جبهه ضد امپریالیستی وسیع، کفرانسی از رهبران "ارتشر انقلابی" تشکیل شد و برای متحد ساختن تمام نیروهای میهن پرست در یک جبهه متحدمی ضد امپریالیستی، "جمع‌نجات میهن" تحت رهبری کمونیست‌ها تأسیس گشت. برنامه این مجمع نابودی سلطه امپریالیست‌های ژاپن، استقرار جمهوری دمکراتیک خلق، مصادره تمام شرکت‌ها، بانک‌ها، راه‌آهن و زمین‌های متعلق به ژاپنی‌ها و همکاران کره‌ای آنها و انجام اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بنیادی بود.

در اوت ۱۹۴۵ با ورود ارتشر سرخ به کره و

حافه از پایی بست

ویران است ۰۰۰

بقیه از صفحه ۱۱۵

همانطورکه بر همه روش است سیاست تغییر مالیات‌ها سیاستی غیر اساسی است و اثرباره تعديل کننده بر اقتصاد دارد. اما تا به همین حد نیز دولت سیاست‌خود را درباره مالیات‌ها عنوان نکرده است. علاوه بر این علیرغم بحث‌های مفصل و گوناگونی که در چند ماه گذشته در مجلس رواج داشته هنوز یک نفر از وکلا اعتراضی جدی به مسئله مالیات‌ها و بار سنگین آن بر کارگران و زحمتکشان را مطرح نکرده است. حذف مالیات غیر مستقیم بر کالاهای ضروری و مورد نیاز کارگران و زحمتکشان ساده‌ترین کاری بوده است که دولت می‌توانسته (و می‌تواند) در کوتاه مدت انجام دهد.

اما اینها نکاتی بود که به هرگونه در برنامه کوتاه مدت دولت آمده است. بخش مهمی از دشواری‌ها در مسائلی است که در برنامه ذکر نشده است. همه می‌دانیم که اقتصاد ایران تحت فشار تحریم اقتصادی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. همه می‌دانیم که هدف امپریالیسم جهانی از تحریم به انحراف کشاندن جنبش انقلابی میهن ما و امپریالیست در حاکمیت کنونی ایران است. این نکته‌ای است که باید در ذهن دولتی که خواهان میارزه با امپریالیسم است، نقش بسته باشد و راههای چاره اساسی برای آن اندیشه‌بادش باشد. اما در برنامه کوتاه مدت دولت به مسئله تحریم اقتصادی ایران توجهی نشده است و حتی ذکری از آن به میان نیامده است، چه رسد به آن که می‌دانیم کوتاه مدت مناسبی برای مقابله با آن هدوفین و اغلام گردد. بی توجهی دولت به چنین مسئله مبرمی، بی توجهی به ابعاد مبارزه ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان میهن ماست و نشانه ناتوانی در رهبری آن.

گذشته از این، مسائل خاد مسکن، فقر تقذیه و بهداشت و بی‌سوادی گستردۀ از جمله مسائلی هستند که باید در کوتاه مدت بطور

ضربی با آنها مقابله شود. تا به حال سیاست‌های ضد و نقیضی درباره مسکن دنبال شده و پس از مدتی دچار تغییر و فراموشی گشته است. در کوتاه مدت نیز می‌توان با دنبال کردن سیاست‌های اساسی، با مصادره منظم واحدهای مسکونی سرمایه‌داران وابسته، دنبال کردن طرح‌های گستردۀ ضربی خانه‌سازی توسط دولت از شدت بحران مسکن کاست. اما جمهوری اسلامی تابحال چنین نکرده است و در برنامه دولت رجائی نیز هیچ توجهی به این مسئله مبرم نشده است. با بی‌سودای و فقر بهداشتی نیز در چارچوب طرحی کوتاه مدت تا حدود قابل توجهی می‌توان مقابله نمود. در ۱۸ ماه گذشته، سیاست‌های سازشکارانه و ضدانقلابی دولت بازگان و سیاست‌های انحصار طلبانه حزب جمهوری اسلامی مانع از آن شده است که موج عظیم نیروهای روش‌نگار و متخصص متعدد و انقلابی به صورتی سازمان یافته به ریشه‌کنی بی‌سوادی و بهبود بهداشت محیط زندگی کارگران و زحمتکشان شهری و روستایی بپردازند. مقابله ضربی با بی‌سوادی و فقر بهداشتی نیز می‌توان با دور از انحصار طلبانه سیاسی، مراکز آموزشی که هم اکنون به تعطیل کشانده شده‌اند و نیز مراکز پزشکی و درمانی که هم اکنون به خاطر سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی با تمام ظرفیت کار نمی‌کنند و حتی برخی از آنها در آستانه تعطیل قرار گرفته‌اند در خدمت توده‌های محروم و زحمتکش شهر و روستا قرار گیرند تا جوانان و متخصصان پزشک از انقلابی، جهل و فقر بهداشتی را ریشه‌کنند. با فقر تقذیه نیز که بخش عظیمی از جمعیت کشور ما را به ویژه در روستاها، فرا گرفته است، باید بطور ضربی مقابله کرد. نمی‌توان به این امید نشست که هر وقت همه‌چیز بر وفق مراد شد تقذیه میلیون‌ها ایرانی نیز به خودی خود بهبود خواهد یافت.

اینها گزیده‌ای از مسائل مبتلاه جامعه ماست. ابعاد و عمق مسائله بسیار بیشتر از اینهاست. و بی توجهی برنامه کوتاه مدت دولت رجائی به این مسائل بر توده‌های محروم و زحمتکش میهن ما پوشیده نخواهد ماند. ادامه دارد

مبارزات کارگران...

بقیه از صفحه

از هر چیز پایه توده‌ای خود (اعضای شورا) گسترش می‌یافتد بدون آنکه تشکل آگاهانه پایه توده‌ای یابد. این بینش بهجای آنکه به سهم خود شرایطی فراهم آورد تا کارگران درکی عینی و آگاهانه از تشکل بیدا کرده و شورا را حقیقتاً در وجود یکیک خودشان مجسم ببینند، لاقیدانه بر ذهنیت عقب‌مانده کارگران تکیه کرده و خود را تجلی نام و تقام شورا می‌بینند و همانطور که خان‌ها خود را مظہر و تجلی اراده قبیله‌شان می‌دانند. این تفکر، تفکری فئودالی است نه پرولتری، نماینده (با تفکر پرولتری) تجسم و مظہر تشکل آگاهانه پرولتاریاست. تفکر پرولتری از عقب‌ماندگی و تبعیت کور و خود انگیخته توده ناآگاه تغذیه نمی‌کند بلکه از اراده آگاهانه و انقلابی شان نیرو می‌گیرد و آن را انعکاس می‌دهد. این بینش از اینکه کارگران او را "قیم" و "وکیل" خود می‌دانند از شادی در پوست نمی‌گنجد و در عمل خود نیز نسبت به خویش دچار توهمندی شود و تفرعنش را با شکسته نفسی‌های کاذب می‌پوشاند. این تفکر رفته رفته شیفته آنچه که هست می‌شود و سد راه آنچه که باید بشود می‌گردد. این تفکر بیش از آنکه به مفهوم منطقی و اصولی "نماینده" و "تشکل" بیندیشد و به اعتماد آگاهانه کارگران تکیه کند به چیزی شبیه به رابطه مرید و مراد فکر می‌کند و به اعتماد توهمند و ناپایدار کارگران ناآگاه تکیه می‌زند.

بدیهی است که این نمایندگان هنگامی که ناگهان تصمیم می‌گیرند که برخلاف رویه معمول خود بر سر موضوعی معین به کارگران مراجعه کنند

آمار دولت جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۹ نشان میدهد که:

هر خانوار ۵ نفری بابت مخان "نظمی و امنیتی" ۷۶ تومان می‌پردازد.

مطالعہ:

سی همین خانواره نفری برای بهره‌گیری از امکانات آموزشی، رفاهی و عمرانی (آموزش و پرورش، فرهنگ و هنر، پهداشت درمان تغذیه، تامین رفاه اجتماعی) تربیت بدنی عمران شهر و روستا، مسکن و ... ۶۵ تومان است.

مایکل کوشم:

دولت جمهوری اسلامی باید با اضافه نمودن به بودجه آموزشی رفاهی و عمرانی، گامی درجهت پاسخگویی به نیازهای زحمتکشان مهندمان بردارد.

سازمان چریکهای فدلای خلق ایران (اکثریت)

Δ9JPJW

بیچاره مسلح تعدادها ضامن بروزی خلقهای ماست

اتحاد و مبارزه پیروزمندانه
راتندگان و کارگران
ژنتیکش اسکله بند رنگه
در صفحه ۱۵

اعتراض کارگران کارخانجات وابسته به
سازمان گسترش اراک به بخشندامه انحلال
دوراهای در صفحه ۱۵

۴ ساعت کار در ۵ روز هفته
خواست همه کارگران است
در صفحه ۲۰

اعلامیه نمایندگان شوراها و سندیکاهای کارخانه و کارگاه
در باره لغو سود ویژه

وزارت کار می گوید: چون قانون سود ویژه طاغوتی بود، آنرا لغو کردیم

کارگران می گویند: وقتی یک قانون طاغوتی لغو می شود، باید قانونی هترقی جایگزینش شود

سازی برلیم - شرکت ساختمانی برزام - روغن نباتی ناب - رادیو شهاب - سور فیران - اتوال - مشعل گاز - سازمان مسکن - ماستیک قاف حام - اکباتان - شیروود هوتن - مانا - (گارگاه شرق) پیپی - فیلکو (سرمیس همگانی) - لامیران - ایراندار - پوشش گیلان - پارس توشیبا (رشت) - لوگاس شهر صنعتی (رشت) - ناظمی - زر - ایران شکوه - اکباتان (غرب) - مینو - پارس لاستیک - تامپسون - فیگار - ترانسپیک - تعاونی ترابری تهران - سندیکای خیاط، گفشن، قناد - گارگاه مترو تهران - ساسان - آلومینیوم سازی گدخواه - گروه صنعتی بهشهر - چاپ رامین - سندیکای صنعت چاپ.

علاوه بر این حقوق آنها تضمین نیست و ضمناً انتخاب آنها غیر عملی است، رد می تماقیم و اقدام به انتخاب چنین هیئتی را از جانب هر تشکل که باشد به رسیدت نشناخته و "منتخبین" نمایندگان کارگران سراسر ایران نیستند.

ما خواهان تشکیل مجمعی از نمایندگان کارگران سراسر ایران با همکاری تشکل های موجود می باشیم و در این امر وزارت کار می باید امکانات لازم را مهیا سازد تا مجمعی از نمایندگان تشکل های کارگری در سراسر ایران، در تدوین تمام مواد قانون کار منجمله سود ویژه شرکت فعل نمایند.

شوراهای اسلامی
کارخانجات:
صنایع چوبی ایران - دارو

در اعلامیهای که به امضای نمایندگان شوراها و سندیکاهای ۴۰ کارخانه و کارگاه در مورد مسئله لغو سود ویژه داده شد، کارگران خواهان اجرای مواد زیر شدند:

۱- با توجه به این که هنوز قانونی که مورد نظر کارگران باشد به جای سود - ویژه، تهیه و تصویب نشده است، ما خواستار آن هستیم که تا تهیه و تدوین قانون کار عادلانه به جای قانون سود ویژه، لایحه جدید کان لم یکن تلقی شود.

۲- طرح پیشنهادی وزیر کار مبنی بر اینکه ۲۰ نفر از نمایندگان کارگران سراسر ایران برای تهیه قانونی به جای قانون سود ویژه شرکت کنند، را بهدلیل آنکه ۲۰ نفر نمی توانند نمایندگان کارگران سراسر ایران باشند،

در تاریخ ۳۰ مرداد ماه ۵۹، رصدی مدیر عامل لیبرال کارخانه پوشش طی انقلابی رصدی، مدیر عامل مزدور و لیبرال کارخانه که علمدار این پاکسازی ضد شورائی و ضد کارگری بوده است، ممیزد این مسئله است. ببینیم رصدی کیست و چرا خواهان انحلال شورای پوشش و اخراج نیروهای انقلابی است.

۱- رصدی از جمله مدیرانی است که در زمان "هسته‌ای" معاون وزارت صنایع و معادن و با تأیید و توصیه این فرد ساواکی و مزدور انتخاب گردید. اکنون همه می دانند که هسته‌ای که در زمان مسئولیتیش متجاوز از

این ۲۶ نفر، ۲۵ نفرشان از نمایندگان انقلابی و کارگران میزادر می دارد. اکنون پوشش را صادر می کند که از ۳۰۰ مدیر را برای اداره کارخانه های دولتی انتصاب کرد، چند هفته پیش اسناد مربوط به ساواکی بودنش به دست آمد و تحت تعقیب قرار گرفت و روشن است که یک عنصر فعل ساواکی چه نوع مدیرانی را برای اداره واحدها و کارخانه های دولتی اعزام می کند.

۲- رصدی بارها و بارها در کارخانه از بختیار و مدنی دفاع کرده است. او در جریان انتخابات برای مدنی مزدور و اکنون می تبلیغ می نموده است. و اکنون می بینیم که چگونه هیئت پاکسازی دانسته و ندانسته زمینه ساز تحکیم پایه های عوامل امپریالیسم و مزدوران شاواک شده است. تها پاکسازی انقلابی مدیران مزدور و لیبرال، و عناصر ضد کارگر و سازشکار می توانند بیانکر این مسئله است که سرمایه داران لیبرال در درد تو، در من است، کارگر اخراجی، و درود بر کارگر، مرگ بر سرمایه دار، در سنگ شوراهای، نبرد با آمریکا، درد تو، در من است، کارگر اخراجی، و درود بر کارگر با شعارهای: "درود بر کارگر، مرگ بر سرمایه دار" ، "در سنگ شوراهای، نبرد با آمریکا" ،

کارگران خواهان افزایش مخصوصی سالانه هستند

قواینین ضد کارگری رژیسم گذشته می توانند توجیه پذیر باشد. کارگران در خصوص میزان مرخصی سالانه همواره شعار یکسان شدن، مرخصی های سالانه (نه فقط تعطیلی های سالانه) کارگران و کارمندان را مطرح کردند. حتی کنگره های دوم و سوم شوراهای اسلامی کارگران در اصفهان و مشهد نیز در طرح قانون پیشنهادی اش میزان مرخصی سالانه را ۳۰ روز در سال تعیین نمود، هر چند بقیه در صفحه ۱۵

سالانه کارمندان ۳۰ روز و میزان مرخصی سالانه کارگران ۱۲ روز در سال است و کارگران بارها و بارها خواستار یکسان شدن میزان مرخصی سالانه شان با کارمندان بوده اند، ابقاء و رسیدت دادن ماده مربوط به ۱۲ روز مرخصی سالانه عوامگریانه، یک سان شدن میزان تعطیلات رسمی کارگران و طرح این مسئله که میزان تعطیلات رسمی کارگران و کارمندان را مطرح کرد. ولی از یکسان شدن میزان مرخصی های سالانه کارمندان و کارگران بیانگر شده است، بیانگر سیاست های ضد کارگری و فریگارانه وزارت کار بوده و در چارچوب حفظ و تنبیت به این که میزان مرخصی

اطلاعیه های در مورد مرخصی سالانه کارگران صادر کرد و طی آن ماده مربوط به مرخصی سالانه کارگران (۱۲ روز در سال) را همچنان ابقا کرد. در این اطلاعیه، وزارت کار به نحوی که اصلی و منطقی به پاکسازی دانسته و ندانسته زمینه ساز تحکیم پایه های عوامل امپریالیسم و مزدوران شاواک شده است. تها پاکسازی انقلابی مدیران مزدور و لیبرال، و عناصر ضد کارگر و سازشکار می توانند جهت اصولی و منطقی به پاکسازی ها داده و میازرات خد امپریالیستی بد مکراتیک کارگران و زحمتکشان را در سنگ شوراهای به پیش برد.

۴ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است

چه کسانی باعث انحلال شورا و اخراج کارگران مبارز "کارخانه پوشش" گیلان شدند؟

اتحاد و مبارزه پیروزمندانه رانندگان و کارگران زحمتکش اسلکه بندرلنگه

متول شدند. در مقابل عده زیادی از کارگران بندر پشتیبانی خود را از رانندگان و کارگران معتبر اعلام داشته و متذکر شدند که اگر به خواسته برادران زحمتکشان رسیدگی نشود آنها بیز دست از کار خواهند کشید.

سرمایه‌داران که از اتحاد رانندگان و کارگران به وحشت افتاده بودند به تماینده امام در بندر لنگه حجت‌الاسلام رکنی شکایت کردند: آقای رکنی به جای حمایت از زحمتکشان و خواسته آنها عملای به حمایت از سرمایه‌داران پرداخته و استثمارگرانه مجبور نمایند.

و هرگاه با اعتراض حق طلبانه کارگران روپرو شده‌اند به گونه‌ای مختلف سعی در سرکوب و خفه کردن صدای اعتراض آنان داشته‌اند. در ماه گذشته عده زیادی از رانندگان و کارگران زحمتکش اسلکه بندر لنگه در اعتراض به نیوتیک سرمایه‌داران، برای آوردن وسایل حمل و نقل سنگین و ماشین‌های کمپرسی دست از کار کشیدند. این زحمتکشان قاطعانه از ورود کامیون‌ها به اسلکه جلوگیری کردند. سرمایه‌داران و نمایندگان آنها که در ابتداء می‌کوشیدند کارگران را با فریب و حیله به تسلیم وادارند، عاقبت به تهدید

رانندگان و کارگران بندر لنگه که به کار حمل و نقل کالا از اسلکه بندر لنگه به اینبارهای سرمایه‌داران اشتغال دارند از جمله کارگران زحمتکش می‌باشند. آنها که در شرایطی بسیار نامناسب به کار و زندگی مشغولند پیوسته تحت شدیدترین بهره‌کشی‌ها قرار داشته‌اند. سرمایه‌داران بندر که تمام امکانات و وسائل (موتور لنج - کالاهای وارداتی و ماشین و ...) را در اختیار دارند همیشه کوشیده‌اند تا زحمتکشان بندر را به قبول همه‌گونه خواسته غیرقانونی و استثمارگرانه مجبور نمایند.

کارگران و همگان از این بی‌عدالتی فریاد می‌زنند: "شما بی‌اید وضع زندگی ما را وزن و بچه‌های ما را ببینید. ما هر کدام چندین نان خور داریم. از کجا زندگی خود را بگذرانیم؟"

در ادامه اعتراض کارگران به فرمانداری مراجعت کردند و پیگیر و مصمم خواست عادلانه خود را دنبال می‌کنند و غافیت در نتیجه اتحاد و پیگیری مسئولین را وادار به صدور کارت برای ماشین‌های کوچک می‌کنند.

نقل از جا شو: نشریه زحمتکشان بندر لنگه

اعتراض کارگران کارخانجات وابسته به سازمان گسترش اراک به بخششانه انحلال شوراها

شنیدن خبر بازداشت نمایندگان شان جلوی دفتر شرکت اجتماع می‌کند و با حمایت یکپارچه از شورا، موفق به آزاد کردن نمایندگان شان می‌شوند.

۴- واگن‌سازی پارس:

در این واحد با وجود آنکه مدتها بود شورا فعالیت چشمگیری نداشت، ولی در مقابل بخششانه ضد شورائی مدیریت سازمان گسترش و توطئه انحلال شورا، واکنشی انقلابی از خود نشان داده و اقدام به تشکیل مجتمع عمومی نمود. کارگران واحد واگن‌سازی، بطریور یکپارچه و همگانی، بخششانه انحلال شورا را محکوم کردند.

۵- واحدهای چیپال، جلکه، خط‌لوله و ...

همگی ضمن محکوم کردن بخششانه انحلال شوراها، حمایت یکپارچه‌شان را از شورا و تحکیم این سنگر ضد امپریالیستی اعلام کردند. کارگران و زحمتکشان می‌دانند که دفاع از شورا، دفاع از دستاوردهای انقلابی شان است. شورا نه تنها محصول انقلاب است بلکه به نوبه خود موثرترین وسیله و اهرم گسترش و تعمیق انقلاب است. بدیهی است که "مسئولین" و مقاماتی که قوانین ضد شورائی را تصویب کرده‌اند و یا در صدد اجرایی بخششانه اینجا نشسته و هر هستند ساخت نتشسته و هر آن مترصدند تا دستاوردهای انقلابی کارگران و زحمتکشان را پایمال کرده و شوراها را از هم بپاشند. ولی دفاع هشیارانه کارگران از زحمتکشان از تشكیل شان ضامن حفظ و تحکیم شوراها بوده و توطئه‌های ضد شورائی را نقش برآب خواهد کرد.

پس از آنکه مدیر عامل اعلام می‌کند که: "دیگر شوراها مواجه شد و شیرش به سنگ خورد. بخششانه ضد شورائی سازمان گسترش، اعتراضات وسیع کارگران را نمایندگان کارگران مواجه هستند سکانی کارگران را داده و آنان را پاسداران، تلفنی به سپاه کارگران را داده و آنان را به دخالت در این کار تحریک می‌نمایند، پاسداران آن دلت و کارفرمایان علیه نمایندگان شورا را بازداشت می‌کنند و به دنبال آن ۷۵۵ کارگر این قسمت، به مجرد

به دنبال تصویب و انتشار قانون تشکیل شوراها به وسیله شورای انقلاب به اتفاقی ماده ۱۶ آن که تشکیل شوراها در واحدهای تولیدی گسترش صورت گرفته است، ذیلاً نقل می‌کنیم:

۱- هاشین سازی:

کارگران به خاطر حفظ شورای داخلی (قسمتی) خود، به مدت سه ساعت به عنوان اعتراض دست از کار کشیدند. کارگران

"شورا محصول انقلاب ماست. اجراه می‌دهیم آن را نابود کنند. آن وقت که سرمایه‌داران فراري می‌شوند، این شورا بطریور یکپارچه و همگانی، بخششانه انحلال شورا را محکوم کردند. قدرت داریم از شورایمان دفاع می‌کنیم."

۲- آلومینیوم سازی:

کارگران با شعار "شورا، حمایت می‌کنیم" و نوشتند طوماری یا امضای ۹۵ درصد کارگران در حمایت از شورا، اعلام داشتند که:

"ما هر نوع توطئه‌ای را که علیه شورای کارخانه انجام گیرد، درهم کوبیده و با توطئه‌گران مبارزه خواهیم کرد."

۳- واحد سکائی:

پس از آنکه مدیر عامل اعلام می‌کند که: "دیگر شوراها مواجه شد و شیرش به سنگ خورد. بخششانه ضد شورائی سازمان گسترش، اعتراضات وسیع کارگران را نمایندگان کارگران مواجه هستند سکانی کارگران را داده و آنان را پاسداران، تلفنی به سپاه کارگران را داده و آنان را به دخالت در این کار تحریک می‌نمایند، پاسداران آن دلت و کارفرمایان علیه نمایندگان شورا را بازداشت می‌کنند و به دنبال آن ۷۵۵ کارگر این قسمت، به مجرد

کارگران خواهان

بقیه از صفحه ۱۴

تاکون کانون کارگران هماهنگی شوراهای اسلامی در مقابل مسئله ابقاء و تشییت قانون مرخصی سالانه کارگران (۱۲ روز) واکنشی در جهت افشاء این مصوبه ضد کارگری از خود نشان نداد و شعارهای متروکه در کنگره‌های اصفهان و مشهد را مسکوت گذاشت. است، حال آنکه شایسته هر تشكل کارگری است که در خصوص منافع و حقوق اقتصادی و سیاسی کارگران فعالانه و پیگرانه مبارزه شدن مرخصی سالانه کارگران و کارمندان (یعنی افزایش مرخصی سالانه کارگران بداندازه مرخصی کارمندان) را فعالانه پیگراند.

جنپش دهقانی ایران

زحمتکشان ((۵۵ موسی)) (نهاوند)

در سنگر شوراها محکم استاده اند



مردم روستای (گزیر) بندرلنگه و مشکل برق

تا ۱۵۰۰ ریال می باشد ، زحمتکشان این روستا می بایست بیش از ۵۰۰ هزار ریال بپردازد و چنین کاری از عهد روستائیان فقیر و زحمتکشان "گزیر" ساخته نیست. آیا دولت جمهوری اسلامی که میلیون ها توان اصلاح سرکوب خلق کرد و یا کمک به فئودال های مرتاج افغانستان می کند آیا از رسانیدن برق و تقبل تمام مخارج آن ناتوان است؟

نقل از "جاشو": نشریه زحمتکشان بندرلنگه

**زحمتکشان «وزیرآباد»، «نوازن» و «موچان»
می گوشند دست (سالارمنش) سرمایه دار را
از روستای خود کوتاه کنند**

"فرahan" ، یک مرغداری بزرگ ، یک باغ انار در ساوه ، باغ پسته در اطراف نطنز و چندین خانه در ارک از جطه دارایی های فراوان اوست. این همه حاصل بهره کشی و حشیانه از زحمتکشان و غارت دسترنج آنهاست . اهالی "وزیرآباد" "نوازن" و "موچان" همواره در برابر ستم این مزدور رژیم سابق مبارزه کرده اند. از جمله در سال ۵۴ برای پس - گرفتن زمین های شان به مقامات دولتی شکایت کردند دستگاه های دولت طبق معمول آن زمان در مقابل زحمتکشان سه روستای فوق را غصب کرد. سی هکتار زمین زراعی در اطراف جاده با سریزه از آنها ایستادند و با سریزه در صفحه ۱۷

ماست زیرا ما روی آن کار می کنیم .

زندارم ها سعی کردند با تراکتور زمین های مصادره شده را شخم بزنند. روستائیان از جان خود گذشتند و همه جلو تراکتور خوابیدند.

آنها به این ترتیب اقدامات ضداقلابی زمین داران بزرگ و حامیان دولتشی شان را با شکست روپرور ساختند.

مردم "ده موسی" در این مبارزه با دهقانان زحمتکشان "بابارست" که زمین های امیر حسین ظفری را مصادره کردند و با جوانان مبارز "گیان" که قصر پرویز ظفری را به نفع زحمتکشان تصاحب نمودند ، همراهاند.

زحمتکشان "ده موسی" در سنگر خود - شورای ده - محکم ایستاده اند و تلاش زمین داران بزرگ را برای غصب دوباره زمین هایشان خنثی می کنند. آنها از آخرين درگیری شان با

زمینداران بزرگ و حامیان بیرون آمدند. آینه

درگیری به دنبال شکایت زمین داران بزرگ به دادگستری روی داد. مقامات دادگستری گروهی از زندارم ها را روانه روستا کردند و ساکنین آنجا را تهدید نمودند. که باید حکم تخلیه زمین ها را امضا نمایند. آنها با این عمل

نشان دادند که بسیاری از مسئولین و سازمان های دولتی جمهوری اسلامی نیز در مقابل زحمتکشان قرار دارند. آنها با این عمل ، این را نیز نشان دادند که هنوز نفهمیده اند مردم مشکل و آگاه روستاهای نظیر "ده موسی" دیگر حاضر

نیستند زیربار خرف زوربروند در این میان زندارم ها ایستاده اند و تلاش بگیرند. زحمتکشان در مقابل

همه تلاش های ضدمردمی زمین داران بزرگ را در آینده نیز خنثی می کنند. کرده است. این زمین ها حق

"ده موسی" آز روستاهای بخش "خزل" نهادند است. ساکنان روستا در فروردین ماه امسال شورای مردمی ده را تشکیل دادند. از آن زمان ، شورا ، پیشاپیش مبارزات دهقانان حرکت کرده است. مصادره املاک حسن و حسین منطقه از جمله اقدامات انقلابی آن است. شورا به نیروی مردم زمین ها را مصادره کرد و آنها را بین دهقانان کم زمین و بی زمین تقسیم نمود. این زمین ها ایکون به صورت دسته جمعی اداره می شوند .

روستائیان در سنگر خود - شورای ده - محکم ایستاده اند و تلاش زمین داران بزرگ را برای غصب دوباره زمین هایشان خنثی می کنند. آنها از آخرين درگیری شان با

عشایر فسا برای سرکوب خوانین جیره خوار امریکا اسلحه می خواهند، بايد آنها را مسلح کرد!

مسلح کردن توده های اقدام حیاتی برای حفظ دستاوردهای انقلاب زحمتکشان است.

اکنون عشایر و ایلات فارس خود به پای خاسته اند و خواهان سرکوب مسلحانه خوانین جیره خوار آمریکا هستند.

اکنون زحمتکشان مناطق مختلف می بینم ، برای حفظ سرکوب ایادي امپریالیسم و جلوگیری کامل از عملیات خرابکارانه آنها ، اسلحه می خواهند.

اکنون دیگر مسئولیت مملکتی به هیچ بهای نمی توانند مردم را از تلاش در جهت مسلح شدن منصرف کنند.

سازماندهی و مسلح کردن توده ها جهت سرکوب دست نشاندگان امپریالیسم ،

اکنون دیگر خواست بی چون و چرای زحمتکشان است. تنها اکسانی می توان در برایر این حوالت قرار گیرند که ذره های به منافع مردم نمی اندیشند.

در میان آنها و با سوء استفاده از پیوندهای عشيرتی که هنوز در بعضی مناطق برجای مانده است ، سعی دارند زحمتکشان را به طرف خود بکشند و از نیروی آنها در جهت مقاصد خاص گفتند:

"شورا زمین ها را مصادره

کنند. اما این مزدوران ، برای زحمتکشان فارس و سایر نقاط ایران شناخته شده تر از آنند که کسی فریب آنها را بخورد: اقدام عشایر می کنند. آنها ، امروز نیز به همین خانها به دستور

"دره شوری" ، از بزرگترین ایلات فارس در برابر تهدیدهای خسروخان قشقایی می کنند. آنها ، امروز نیز به همین خانها به دستور

عشایرند که می توانند فارس را از شر وجود خانها پاک کنند.

همین زحمتکشان می توان در برایر توطئه ها و تهاجمات امپریالیسم مقاومت کرد. اکنون سازمان دادن و

هفته گذشته گروهی از عشایر فسا با اجتماع در مسجد جامع شهر از پاسداران منطقه خواستند که برای سرکوب خوابین مزدوری که هم اکنون زمین های یک شورش سلحانه را در فارس تدارک می بینند ، آنها را مسلح نمایند.

عشایر رزمده فسا ، سالهای است که با ششم خوانینی چون خسروخان و ناصر قشقایی مبارزه می کنند. آنها ، امروز نیز به همین خانها به دستور

ارباشان ، آمریکا ، و با گمک مزدورانی نظیر پالیزان و پختیار و اویسی عملاً مناطق مختلف می هن ما را به آشوب نوکران آمریکا در نظر بر

توده هاست. همین مردم ایلات و عشایرند که می توانند فارس را از شر وجود خانها پاک کنند.

خانها نیز خود به خوبی می دانند که در برابر نیروی عظیم مردم ، اگر مردم آگاه و مشکل باشد ، هیچ کاری از پیش نمی بردند ، به همین

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

اعلامیه گروهی از رانندگان بیکار کرج :

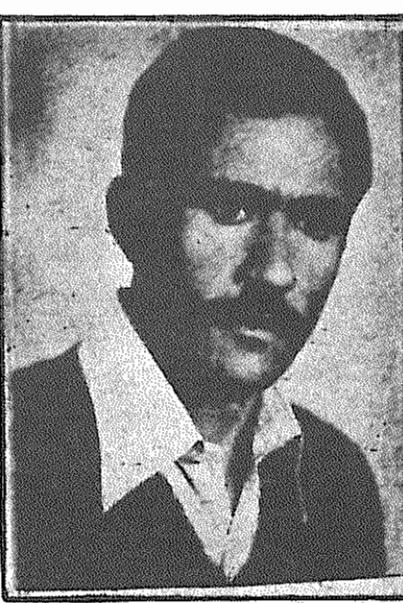
تریلرهای غلامرضا پهلوی جانی باید مصادره شده و به رانندگان بیکار واگذار شود

منتشر شده بود ، آنها را شایعه خوانده و قویا تکذیب کرده بود. ما می پرسیم که غلامرضا پهلوی وطن فروش و "ساربان‌ها" می‌زدرا این تریلرهای را از کجا آورده بودند؟ آیا غیر از این است که اینها شمره زحمت و دسترنج شبانه‌روزی کارگران و زحمتشان است و آیا خلق ما اینهمه رنج کشیده و مبارزه کرده است که شمره زحمتش به این شکل از بین برود؟ و آیا این در جهت مصالح انقلاب مردم است که جامعه احتیاج به وسائل حمل و نقل داشته باشد و زحمتشان و کارگران بیکار باشند و این وسائل بلااستفاده بماند و از بین برود؟ کارگران و زحمتشان ما می‌خواهند بدانند که مسئولین چه جوابی در مقابل این کوتاهی‌ها و بی‌توجهی‌های خود دارند؟ چرا در مقابل آنها احساس مسئولیت نمی‌کنند؟ چرا با مشکل عظیمی مثل بیکاری این‌طور سرسری برخورد می‌کنند؟ و به دستاوردهای انقلاب مردم ما دهن کجی می‌کنند؟ ما خواهان مصادره این تریلرهای که بدون شک متعلق به همه مردم است ، می‌باشیم مصادره این تریلرهای واگذاری آن به رانندگان بیکار خواست همه رانندگان بیکار و همه زحمتشان است.

گروهی از رانندگان بیکار کرج

چند سال پیش برادر شاه جlad ، غلامرضا پهلوی همراه با "ساربان‌ها" سرمایه‌دار معروف و فراری ، در حدود ۸۰ هزار تریلر به ایران وارد کرده و در انباههای نظیر انبار "علیشا عوض" قرار دادند. قصد آنها از وارد کردن این تعداد تریلر ، ایجاد یک شرکت حمل و نقل بزرگ در سطح خاورمیانه بود که با تغییر اوضاع سیاسی ، قبل از قیام از این کار منصرف شده و تصمیم به فروش تریلرهای منطقه بودند ولی قیام تاریخی خلق به آنها مهلت نداد . اکنون بعد از گذشت ۲ سال ، تریلرهای همچنان در انبار زیر برف و باران و آفتاب مانده و تدریجاً زنگ زده و در حال نابودی هستند. همچنین اطلاع داریم که انباههای مشابهی نیز در ساوه و در شهرهای جنوبی وجود دارد. حال با توجه به این که می‌دانیم که هزاران راننده بیکار در جامعه وجود دارند که اسیر بیکاری‌اند و به نان شب ، محتاج ، و از طرفی اخیراً وزیر بازرگانی در مصاحبهای گفته است که :

"ما با کمبود کامیون و تریلر روبرو هستیم و اجتناس در بنادر و گمرکات روی هم انبار شده و برای حمل و نقل آنها امکانات نداریم" ، و همچنین در مورد خبر دیگری که راجع به واگذاری کامیون به رانندگان در روزنامه‌ها



رفیق علی باز جهانبازلو

دهقانان بر علیه خوانین و فئودال‌های منطقه و تشکل دهقانان برای بازپس گرفتن زمین‌هایشان همت گماشت . علی باز به روساییان می‌آموخت که دشمن اصلی ما آمریکاست که بایگاه‌ای دشمن خونخوار ، زمین‌داران و سرمایه‌داران بزرگ و خوانین خودفروخته هستند و به آنها می‌گفت که باید با این زالوها مبارزه کرد. او با بردبانی ماهیت خائن به خلق مدنی‌ها ، ناصرخان‌ها و خسروخان‌ها را به روزنامه اصفهان محاکم گردید . در تمام دوران زندان کینه عمیق رفیق نسبت به رژیم و مقاومت و سرشتی وی همواره مورد تحسین زندانیان بود . او در کلیه حرکات اعتراضی زندانیان شرکت داشت . پس از آزادی مجبور تر از گذشته به مبارزه در راه رهایی زحمتشان ادامه داد و از آن به بعد -

رفیق علی باز جهانبازلو "علی باز" باریدن گرفت . قلب پرطیش و سرشار از امید "علی باز جهانبازلو" فرزند انقلابی عشاير زحمتش که از عشق آتشین به زحمتشان محروم عشاير و نفتر و کینه دشمنه آنان مالامال بود از حرکت بازیستاد .

رفیق علی باز جهانبازلو فرزند خانواده‌ای زحمتش تهی دست از تیره جهانبازلو از طایفه دره‌شوری بود . رفیق علی باز علیرغم فقر و تنگستی ، با سخت‌کوشی به تحصیل پرداخت اما موفق به اتمام تحصیلات نگردید . زندگی سرشار از رنج و ستم رفیق در طایفه از همان دوران کودکی او را به دشمنی با خوانین مزدور و ستمگران واداشت . در سال ۵۲ رفیق علی باز به اتفاق دو تن از هم‌زمانش تصمیم گرفتند از طریق کوه‌های منطقه از مرز خارج شوند ولی در کوه المالوق دستگیر شده و پس از تحمل شکنجه و آزار فراوان توسط جلادان سواک به ۲ سال حبس در زندان اصفهان محاکم گردید . در تمام دوران زندان کینه رفیق ریزی نسبت به رژیم و مقاومت و سرشتی وی همواره مورد تحسین زندانیان بود . او در کلیه حرکات اعتراضی زندانیان شرکت داشت . پس از آزادی مجبور تر از گذشته به مبارزه در راه رهایی زحمتشان ادامه داد و از آن به بعد -

خیز برداشت ولی آن‌سوی تر رگبار بی‌امان گلوله‌ها بر

اطلاعیه

آنچنان که در "کار" شماره ۶۸ رساندیم هم‌زمان با انشعاب "اقلیت" ، اطلاعیه‌ها و بیانیه‌هایی با نام و آرم سازمان و با امضاء (جناح مستقل) ، انتشار یافت که بر اساس شواهد و فراین موجود مشکوک اعلام شد و از تمام هواداران خواستیم هرگونه شناسائی از آن دارند ، در اختیار سازمان قرار دهند .

اطلاعاتی که پس از اطلاعیه مندرج در "کار" به دست‌مان رسانید همه حاکی از آن است که دشمنان طبقه کارگر ، عنانصر وابسته به امپریالیسم که به دنبال انشعاب "اقلیت" از سازمان مذبوحانه کوشش دارند جنبش کمونیستی کارگری ایران را در اذهان توده‌ها بی‌اعتبار سازند و هواداران سازمان را به انفعال کشند مبادرت به انتشار بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی با امضاء (جناح مستقل) نموده‌اند .

اما تاکنون هویت مشخص ناشرین آن برای سازمان ناشناخته مانده است .

سازمان چربکهای فدائی خلق ایران - اکثریت از همه هواداران می‌خواهد که با هوشیاری انقلابی عوامل انتشار و توزیع این بیانیه‌ها و اطلاعیه‌ها را شناسائی و شخصات آنان را برای سازمان ارسال دارند .

قتل ناجوانمردانه فدائی خلق رفیق علی باز جهانبازلو
 دشمن آشتی ناپذیر خوانین و فئودال‌های مزدور لگه نگی بر دامان سپاه پاسداران است

زحمتشان "وزیرآباد" ، "نوازن" و "موچان" ۰۰۰
 بقیه از صفحه ۱۶

سرمایه‌دار و زمین‌دار بزرگ روستا روبرو شدند . آنها اکنون بعد از سالها مبارزه به این نتیجه رسیده‌اند که یا خودشان برای به دست آوردن آنچه که حقشان است اقدام می‌کنند و یا هیچگاه به حقوقشان نمی‌رسند . آنها تصمیم دارند که با اتحاد و یگانگی ، تا مصادره کامل اراضی سرمایه‌دار و زمیندار بزرگ روستا راه خود را ادامه دهند . آنها می‌کوشند دست "سالارمنش" سرمایه‌دار را از روستای خود کوتاه کنند .

گرفتند که زمین‌ها متعلق به "سالارمنش" است . مبارزه زحمتشان این روستاهای بعد از قیام نیز ادامه یافت . آنها در مقابل استانداری جمهوری اسلامی اجتماع کردند و این بار با این آمید که چون انقلاب شده است آنها حتماً به خواستهایشان خواهند رسید از مسئولان "جمهوری" خواستند که زمین‌هایشان را به آنها باز گردانند ، لیکن این بار نیز با حمایت مقامات استان و بخصوص نماینده امام و افراد مسلح کمیته از

یک سال از ۰۰۰
کودکان بیشتری را به کام مرگ می فرستد.
امروزکوشش‌های صلح طلبانه مردم کردستان و سازمان ما بیش از هر زمانی مشت مدافعان جنگ برادرکشی را باز کرده است و حقانیت مردم و انقلابیون کردستان را در نزد توده‌های وسیع تری آشکار ساخته است.
ایادی امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق که بیشترین سود را از تداوم جنگ برادرکشی می برد، هرگام تازه‌ای که دولت جمهوری اسلامی در شعله‌ور ساختن آتش جنگ برادرکشی در کردستان برمی‌دارد، خود را قوی‌تر و شادمانه‌تر می‌یابند. زیرا استقرار صلح عادلانه در کرستان موجب آن خواهد شد که تمام نیروی رزمی‌کش خلق کرد علیه این دشمنان انقلاب مردم وارد کارزار شود.

آن‌هایی که به اهمیت استقرار صلح عادلانه در کردستان همچنان بی‌اعتنایانده و به ادامه جنگ برادرکشی دلخوش کرده‌اند تنها این را به اثبات می‌رسانند که دستهایشان تا کجا به خون مردان و زنان پیران و کودکان "قارنا" آلوده است.

ادامه جنگ برادرکشی در کردستان که اینک اثبات شده است پرچم آن را دولت جمهوری اسلامی ایران در دست دارد، قطعاً فجایع دیگری چون "فاجعه" قارنا را به بار خواهد آورد.

امروز وظیفه همه نیروهای انقلابی است که با بسیج مردم در جهت دفاع از برقراری صلح عادلانه در کردستان جبهه مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را مستحکم‌تر ساخته و از تکرار فجایعی مانند فاجعه کشتار "قارنا" جلوگیری به عمل آورند.

سازمان ما، به جهت مسئولیتی که در قبال وحدت خلق‌های ایران و مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا برعهده دارد، استوار و پولادین در راه استقرار صلح عادلانه در کردستان به تلاش‌های پیگیر خود ادامه خواهد داد. باشد که مدافعان جنگ برادرکشی هر روز از روز پیش رسواتر شوند.

مشخص می‌سازد که این اقدامات ضد خلقی از سرچشمه محافل معینی در سپاه پاسداران و دیگر ارگان‌های جمهوری اسلامی آب می‌خورد از سوی دیگر سیاستی که با سکوت، اینگونه ترورها را بطور ضمی تائید می‌کند و تروریست‌ها و عناصر مرتضی چون سید جواد هشت‌رودی را مورد حمایت قرار می‌دهد صفوی خلق را پراکنده می‌کند. و وحدت و همبستگی ضد امپریالیستی توده‌ها را ضربه‌پذیر می‌سازد. ما تردید نداریم که خلق‌های قهرمان ایران در برابر این تفرقه‌افکنی‌ها، ساكت نخواهند نشست.

اگر دولت جمهوری اسلامی ایران و مقامات قضایی کشور خواهان قتل‌عام انقلابیون نیستند، بی‌درنگ باید قاتلان انقلابیون را که شناخته‌شده هستند، دستگیر و به مجازات برسانند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "اکثریت" عواقب فاجعه‌بار حمایت جمهوری اسلامی ایران از جنایتکارانی چون روحانی مرتضی سید جواد هشت‌رودی را متذکر شده و مسئولیت مصائبی را که چنین اقدامات جنایتکارانه به بار می‌آورد برعهده دولت جمهوری اسلامی ایران می‌شandasد. ترور رفیق حسن صالحی تکرار ترور جنایتکارانه مبارزین مسعود صالحی و طیب نجم الدین است که در تبریز توسط باندھای سپاه صورت گرفت.

این ترورها همچنان موردی اعتنای حمایت‌آمیز مقامات جمهوری اسلامی است

بقيه از صفحه ۲۰

قاتلان فدائی خلق حسن صالحی باید ۰۰۰

جنایت، در خطبه‌های نماز جمعه جنایتکاران را به صراحت معرفی نمود او در سخنان خود گفت: حسن صالحی تحت تعقیب سپاه پاسداران بوده و هنگام فرار توسط پاسداران کشته شده است. او بی‌شرمانه رفیق صالحی را یاغی و ضد انقلابی خواند و با لغو نماز جمعه، جمعیت را به سوی گورستان رشت هدایت کرد تا مانع از دفن جسد رفیق شوند. او با تحریک عناصر ناگاهه و با بسیج اویاشان و چmacداران وارد گورستان شده و با ایجاد برخورد و درگیری با مردم مانع دفن جسد رفیق گردید. هشتروودی مرتضی خواست که جسد در جای دیگری به غیر از گورستان عمومی رشت دفن شود و به همین دلیل به دستور او جسد رفیق را به مقر سپاه پاسداران حمل کردند. طی ۱۹ ماهی که از حیات حکومت جمهوری اسلامی می‌گذرد، زحمتکشان میهن ما هر روز بیش از روز پیش دریافت‌هاند که این اعمال جنایتکارانه چه ضربات سختی برپیکر انقلاب ایران وارد آورده است و ادامه آن چگونه می‌تواند دستاوردهای مبارزاتی توده‌های مردم را برپا کند. سخنان سید جواد هشت‌رودی کاملاً

قسمت‌هایی از اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - شاخه گیلان



(اکثریت)

فرزند زحمتکشان شهر، رفیق حسن صالحی**به دست مزدوران جنایتکار وابسته به رژیم جمهوری اسلامی ترور شد**

مردم مبارز گیلان!

کارگران، زحمتکشان و مبارزین انقلابی شهر رشت!

حدود ساعت ۶ بعد از ظهر روز پنجم شنبه ۱۳ شهریور ۵۹ فرزند انقلابی زحمتکشان شهر رشت، مبارز خستگی ناپذیر محله صمد بهرنگی رفیق حسن صالحی به دست عده‌ای از مزدوران که در یک پیکان سبزرنگ نشسته بودند، به شهادت رسید. مزدوران در حالی که مسلسل‌های بوزی به دست داشتند از ماسین پیاده شده و ضمن بستن راههای فرار، به سمت جوانان محل که مشغول بازی فوتبال بودند آتش گشودند. ابتدا چند تیر به پای رفیق حسن زده و همیش در حالی که رفیق نقش بر زمین شده بود در جلوی چشمان مردم از فاصله چند قدی رفیق را به رگبار مسلسل بستند و بدین ترتیب پیکر رفیق حسن بر سنگفرش خیابان محله صمد بهرنگی آماج تیرهای فراوان شد.

مردم مبارز رشت و بخصوص مردم قهرمان محله صمد بهرنگی در طی هفته‌های اخیر بهوضوح شاهد بوده‌اند که سپاه پاسداران یورش وحشیانه‌ای را به محله صمد بهرنگی آغاز کرده بود. پاسداران قبلاً با یورش‌های مکرر به محله صمد بهرنگی و شلیک‌های پیاپی برای ایجاد آشوب در محله، چندین بار به خانه رفیق حسن صالحی برای دستگیری وی هجوم برده بودند. اما هر بار با حمایت مردم انقلابی محل روبرو شده و ناتوان از انجام نیت پلید خود بازمی‌گشتند تا سرانجام رفیق توسط مزدوران جنایتکاری که برای همگان وابستگی‌شان به رژیم جمهوری اسلامی محروم است بهطرز ناجوانمردانه‌ای ترور شد.

مردم مبارز رشت!

ما قبل از هم طی اطلاعیه‌ای به شما هشدار داده بودیم که سپاه پاسداران و حزب جمهوری اسلامی قصد ایجاد

با این همه بازهم هشدار می‌دهیم که ممکن است این ترورها ادامه یابد، باید با اتحاد و همبستگی زحمتکشان و تمام انقلابیون در جهت بر ملا کردن چنین اعمال نتیجه‌گیری بکوشیم، باید نشان دهیم که این اعمال چگونه با منافع سرمایه‌داران و جبهه ضد انقلاب گره می‌خورد، خون سرخ فدائی شهید حسن صالحی در زمانی نه چندان دور طبیعه برافراشتن پرچم رهایی در زحمتکشان ایران خواهد شد.

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
اکثریت - شاخه گیلان

۱۳ شهریور ماه ۱۳۵۹

آیت الله طالقانی ۰۰۰

بقیه از صفحه ۲۰

طالقانی گرامی است.

در شرایط کنونی بهویژه مهم است که افکار مردمی آیت الله طالقانی بار دیگر مورد تأکید قرار گیرد. همان افکاری که بهدلایل گوناگون هم از جانب جمهوری اسلامی و هم از جانب لیبرالها مورد حمله قرار گرفته است.

یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های آیت الله طالقانی تأکید او بر مردم و اعتقادش به توده‌ها بود. او که علیرغم فشارهای زیادی که به وی وارد می‌آمد، حاضر نشد از عقاید خود دست بکشد به اتحاد و وحدت نیروهای انقلابی ارج بسیاری می‌نهاد. آیت الله طالقانی در برآبر خطر امپریالیسم جهانی پیوسته برای اتحاد گلیه نیروهای انقلابی تأکید می‌کرد و در شرایطی که بسیاری از مسئولین جمهوری اسلامی ایران با کینه‌ورزی نسبت به انقلابیون در عمل آب به آسیاب امپریالیسم می‌ریختند (و همچنان می‌ریزند) او بسیار کوشید که از اینگونه سیاست‌ها - که بی‌اعتنای به منافع انقلاب و توده‌ها تنها در فکر تأمین منافع تنگ‌نظرانه و خیالی است - بدور بماند و با آنها به مبارزه برخیزد. آیت الله طالقانی دوستان و دشمنان انقلاب و مردم را می‌شناخت و از این رو حاضر نیود بر سیاست ضدیت جمهوری اسلامی با انقلابیون صحه گذاشت و همچون دولت جمهوری اسلامی انقلابیون را دشمنان مردم بخواند. هر چند آیت الله طالقانی برادر فشار مقامات جمهوری اسلامی ایران یک بار به چنین سیاستی تسلیم شد اما وی هرگز نتوانست برخلاف اعتقاد خود و منافع توده‌ها عمل کند و حرف بزند و از همین رو در آخرین سخنرانی قبل از درگذشت در بهشت زهرا بار دیگر به تأکید بر لزوم وحدت همه انقلابیون و توده‌های مردم پرداخت. چنین سیاستی که همواره از جانب آیت الله طالقانی دنبال می‌شد باعث شد که جمهوری اسلامی ایران در ادامه کینه‌توزی‌های خود با نیروهای انقلابی طالقانی را آشکارا مورد حمله قرار داده و اعلام دارد که:

- آیت الله طالقانی هم فریب خورد!

غافل از آنکه آیت الله طالقانی که خود سالها در زندان رژیم سرکوبگر شاه به سر برده بود، که سالها در زندان با انقلابیون و از جمله انقلابیون کمونیست زندگی کرده بود، که به چشم خود دلاوری و حماسه مقاومت و مبارزه این انقلابیون، عشق و ایمان آنها به خلق و نفرت‌شان به امپریالیسم را شاهد بود، که خود دشمن امپریالیسم و خدمتگزار توده‌ها بود، نمی‌توانست خلط بطلان بر همه اهداف، آرمان‌ها و مبارزات انقلابیون راستین کشیده و آنها را دشمن مردم جلوه دهند. برای همه مردم ایران این خصوصیت و ویژگی آیت الله طالقانی ستایش انگیز و مورد احترام است.

دفاع آیت الله طالقانی از "شورا" نیز به گسترش این ارگان توده‌ای و انقلابی، در بین کارگران، دهقانان و زحمتکشان کمک شایسته‌ای نمود. او در برآبر انواع سیاست‌هایی که با عوام‌گریبی کوشش داشت شوراهای مردمی را - که محصول مبارزه توده‌های خلق بود - متلاشی سازد، به دفاع از حق تشکیل شورا برای زحمتکشان پرداخت و بر تسلیح مردم و شوراهای آنان تأکید نمود. در این میان به ویژه لیبرال‌ها، مانند بازرگان و شرکاء، مایلند که بر ویژگی انقلابی آیت الله طالقانی سرپوش گذارده و در برآبر آن سکوت کنند. آنها می‌کوشند طالقانی انقلابی را تا حد یک لیبرال تنزل دهند و آنگاه به شناخوانی از نام بی‌خطر او پرداخته و برای خودکسب حیثیت کنند و در واقع به اعتیار نام او بر علیه عقاید وی اقدام کنند.

اما برای زحمتکشان ایران تجلیل از طالقانی، نه تنها به معنی احترام به مردمی که ۴۰ سال در راه استقلال و آزادی ایران مبارزه کرده بلکه همچنین دفاع از افکار مردمی او، دفاع از وحدت نیروها و دفاع از شوراهای مردمی است.

خدمت خویش است ...

برای سرمایه‌دار فرست لازم برای پرورش انسانی برای تکامل معنوی برای انجام وظایف اجتماعی و مناسبات دوستانه برای گسترش آزاد نیروهای مادی و معنوی حیات مطرخ نیست. برای سرمایه‌دار فرسودگی گارگر، گاهش طول عمر او بر اثر گار طاقت‌فرسا و گشته اهمیت‌ندارد، سرمایه‌دار همواره گارگر را مانند وسایل تولید می‌بیند و همچنانه به ماشین روغن زده می‌شود تا خوب گار گند، غذا و استراحت گارگر را آنقدر در نظر می‌گیرد که بتواند مجدداً برای سرمایه‌دار ارزش اضافی تولید کند." (کاپیتال جلد ۱)

اینگونه مصوبات‌نه در جهت مصالح انقلاب بلکه در راستای مصالح سرمایه‌داران است. طبقه سرمایه‌دار نه تنها کوچکترین توجهی به رشد آگاهی سیاسی و فرهنگی کارگران ندارد، بلکه تمام سعی‌اش بر این است که کارگران را در ناگاهی و بی‌فرهنگی تکه‌دار تا بتواند آنها را بیشتر و بیشتر استثمار کند. شعار ۴ ساعت کار در ۵ روز هفت‌هه از جمله شعارهای اساسی کارگران در مرحله کنونی مبارزات صنفی -

سیاسی‌شان است. بدون پاسخگوئی به مبرم تریم خواسته‌های اقتصادی سیاسی کارگران و زحمتکشان، مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها نمی‌تواند گسترش و تعمیق یابد. سیاستی که مغایر با منافع و حقوق اقتصادی و سیاسی کارگران اتخاذ شود قادر نخواهد بود توده عظیم کارگران میهن ما را که نیروی اصلی مبارزه ضد امپریالیستی دمکراتیک هستند بسیج کند و در جهت خدمت به امپریالیسم و ضد انقلاب عمل خواهد کرد. افزایش تولید در شرایط کنونی به عنوان یک شکل از مبارزه اقتصادی علیه محاصره و تحریم امپریالیستی نه در گروی افزایش ساعات کار

کارگران بلکه در گروی تحکیم دستاوردهای انقلابی کارگران و زحمتکشان، پاسخگوئی به مبرم ترین نیازها و حقوق اقتصادی و سیاسی‌شان (منجمله تثبیت خواست ۴ ساعت کار) و به ویژه تصفیه انقلابی عوامل سرمایه‌دار و عناصر مزدور و سازشکار است.

۴ ساعت کار در ۵ روز ۰۰۰

بقیه از صفحه ۲۰

ببینیم دلائل حکومت برای روی اجیاز بلکه با شور و سوق تصویب این قانون چیست: ۴۰ ساعت هم می‌توانند اولاً - طرح یکسان کردن ساعات کار کارگران و بالاتر ببرند ولی چنانچه به کارمندان را، کارگران ما به این دلیل مطرح می‌کنند که ساعت کار کارگران به اینکه کاهش یابد. نه اینکه با افزایش ساعت کار کارگران این تعادل برقرار می‌تواند (به واسطه بی‌میلی و انفعال کارگران) آنقدر کند و آهسته صورت گیرد که حتی به اندازه ۳۵ ساعت کار هم بازدهی نداشته باشد".

استدلالی که افزایش ساعت کار را مترادف با افزایش تولید می‌بیند، استدلال واهمی و بی‌اساس است. می‌توان با رابطه بین افزایش ساعت کار و افزایش استدلال را کارگران بسدها هزار کارگر بیکار، کارخانه‌ها را تا آخرین حد ظرفیت ممکن به کار انداخت. کاهش ساعت کار نه تنها تولید را کاهش سرمایه‌داران هم صد می‌دهد بلکه می‌تواند با استخدام بخشی از کارگران بیکار تولید را افزایش دهد.

"از دیرباز سرمایه‌داران معتقد بوده‌اند که روزانه گار (برای گارگر) عبارتست از ۲۴ ساعت کامل منهای کارگران را ببیند در واقع باهمان استدلالات قدیمی بدون آن، نیروی گار مطلق قادر به از سرگرفتن گفتند: "کارگران چنانچه نه از

منتشر شد:

علم انقلاب لینین و روانشناسی اجتماعی "بورشین"

شورای بیکاران "مالیشوف"

خطاطات مادر جو فراز مبارزات کارگران در امریکا

اطلاعیه درمورد ترجمه و نشر کتاب‌های سازمان:

اخیراً اطلاع یافتیم که پاره‌ای عناصر سودجو قصد دارند که کتاب "اقتصاد سیاسی" را که سازمان قبل از جلد از آن را منتشر گرده است، بدون اجازه سازمان تجدید چاپ کنند.

کمیته "ترجمه و انتشار کتاب" سازمان به اطلاع می‌رساند که این کتاب به دلیل اشغال‌اتی در ترجمه، در دست تصحیح است و در آینده نزدیک توسعه سازمان تجدید چاپ خواهد شد. لذا از گلیه خوانندگان کتاب‌های سازمان می‌خواهیم که از خرید اینگونه کتاب‌ها که توسط عده‌ای عناصر بی‌مسئولیت و سودجو منتشر می‌شود، خودداری نموده و در صورتی که از منبع انتشاراتی آن اطلاعاتی پیدا کردند، سازمان را مطلع نمایند.

گرامی با دخاطره

مجاهد شهید مهدی رضائی

سازمان ما ضمن گرامی داشت خاطره این مجاهد شهید ، تلاش های مذبوحانه ای را که در جهت بی اعتبار ساختن نام و نقش انقلابیون ایران که در مبارزه بر علیه رژیم دیکتاتوری شاه جان باخته اند ، به عمل می آید و همچنین حملات سرکوبگرانه ای را که اینک نسبت به خانواده مبارز مهدی رضائی صورت می گیرد بیدادگاه های رژیم سرسپرد شاه خائن نمونه درخشانی از وفاداری ، ایمان و اعتقاد آنکه این جان باخت . دفاعیات مهدی رضائی در انقلابیون نسبت به پیروزی خلق ایران بر علیه امپریالیسم جهانی می باشد .

۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته خواست همه کارگران است

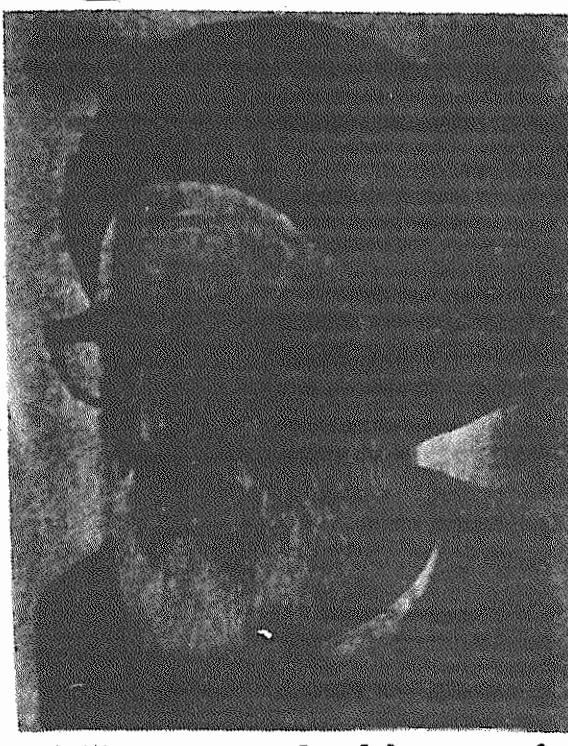
بسیاری از واحدهای تولیدی بزرگ از جانب کارگران طرح و پیگیری شد و به تدریج به صورت یکی از شعارها و خواسته ای اساسی در بسیاری کارگران و تشکلهای کارگری درآمد . آنچنانکه شورای انقلاب در آخرین روزهای حیاتش در فرستی کوتاه چهار قانون مهم در خصوص مسائل کارگری به تصویب رساند که عبارت بودند از : قانون تشکیل شوراهای لغو قانون سود ویژه ، قانون ۴۴ ساعت کار در هفته و ابقاء و تثبیت قانون مرخصی سالانه کارگران (۱۲ روز در هفته) . این مصوبات صرف نظر از مضماین و مختصات شان یک وجه مشترک اساسی دارند و آن ضد کارگری بودنشان است . در شماره های گذشته " کار " قانون تشکیل شوراهای لغو قانون سود ویژه را مورد بحث قراردادیم ، در اینجا به بررسی اجمالی قانون ۴۴ ساعت کار در هفته می پردازیم :

به دنبال تصویب قانون ۴۴ ساعت کار در ۴ روز هفته توسط شورای انقلاب ، وزارت کار اعلام کرد که از روز اول شهریور ماه جاری این قانون به اجرا در می آید . تصویب این قانون به منزله زیر پا نهادن یکی از شعارهای اساسی کارگران موج تولید می شود ، مطروح شد . شعاری که بر خواست کارگران و از طرفی دیگر با این استدلال که افزایش ساعت کار کارگران موجب افزایش تولید می شود ، ساعت کار در هفته را از یک طرف تحت عنوان یکسان شدن ساعت کار کارگران و کارمندان و از طرفی دیگر با این استدلال که افزایش ساعت کار کارگران موجب افزایش تولید می شود ، مطروح شد . شعاری که بر خواست کار در ۵ روز هفته تاکید داشته و دارد خواست کار در ۵ روز هفته ، پس از قیام در

بقیه در صفحه ۱۹

به مناسب ۱۹ شهریور نخستین سالگرد درگذشت آیت الله طالقانی

آیت الله طالقانی از مردم، از شورا و وحدت نیروهای انقلابی دفاع می کرد



بازدید و زیارت لایق نام و شخصیت طالقانی اهداف فدائیان انقلابی خویش را پیش برند . برای طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران نیز سالروز درگذشت آیت الله ۱۹ سالگرد از مردم این روز خواهد

بقیه در صفحه ۱۹

۱۹ شهریور نخستین سالگرد درگذشت مجاهد عالیقدر " آیت الله طالقانی " است : هنگامی که در صبح ۱۹ شهریور خبر درگذشت آیت الله طالقانی اعلام شد ، میلیون ها تن از مردم ایران به خیابان ها ریختند و با برپایی تظاهرات به عزاداری پرداختند . آنها احترام و وفاداری خویش را به مردم اسلامی داشتند که ۴۰ سال در راه استقلال ایران و پیروزی بر امپریالیسم مبارزه کرده بود .

امروز جمهوری اسلامی ایران می خواهد اعتبار و نفوذ آیت الله طالقانی در میان توده های مردم را به وسیله ای در جهت تحکیم سیاست دشمنی با نیروهای انقلابی و تائیدی بر سیاست های انحصار طلبانه خود تبدیل سازد . محافل و جمعیت های لیبرال همچون بازارگان و شرکاء نیز که امروز گرفته اند ، کوشش دارند در حالی که روی افکار و اندیشه های انقلابی طالقانی سریوش می گذارند ، از برخی مخالفت های وی با جمهوری اسلامی بهره برداری کرده و از او چهره ای بر علیه ارتجاج مورد نظر خود

یک سال از کشtar روستایان زحمتکش ((قارنا)) گذشت

★ ادامه جنگ برادرکشی در کردستان که ایک ثابت شده است پرچم آنرا دولت جمهوری اسلامی در دست دارد ، قطعاً فجایع دیگری چون " قارنا " به بار خواهد آورد

یک سال از قتل عام همچنان به تداوم جنگ - مودم ایران و جهان را وحشانه دهها تن از روستاییان " قارنا " در کردستان اصرار برادرکشی در کردستان دارد و در مقابل تلاش های طلاقانی اسلامی کردستان در نزد زحمتکشان آگاه ایران در این فاجعه " قارنا " ۶۸ تن از ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی ایران در اوج جنگ در کردستان با وجود آوردن فاجعه " قارنا " از زنان ، مردان و کودکان جهان شد . اینک یک سال از " کشtar قارنا " گذشته است . دولت کودکانهای اسلامی ایران و زنان و مسئول کشtar " قارنا " است بقیه در صفحه ۱۸

اگر قرور انقلابیون مورد حمایت دولت جمهوری اسلامی قیست :

قاتلان فدائی خلق حسن صالحی باید به مجازات

اعمال جنایت کارانه شان برسند

به یوزی با اتومبیلی وارد محله " صند بهرنگی " (محل سکونت رفیق) شدند و او را با شلیک گلوله به شهادت رساندند . سید جواد هشت رویی ، روحانی بهرنسنگی " رشت را در خشمی عمیق فرو مرتجع ، فردای این تروریستها با لباس غیر نظامی و مسلح

بقیه در صفحه ۱۸

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

«حزب توده»

و انشاب در حزب دمکرات کردستان

☆ لینین حق داشت که می‌گفت نهضت ملی گشوهای مظلوم را ناید از نقطه نظر دموکراسی تشریفاتی مورد توجه قرارداد، بلکه باید از نظر نتایج واقعی آن در ترازنامه عمومی مبارزه بپردازیم، به‌آن قیمت گذاشت یعنی "نه بطور منفرد و مجزی بلکه در مقیاس جهانی".

استالین

و حزب دمکرات مرحله گذاری را طی می‌کند که سرنوشت آن به تسلط این یا آن سیاست بستگی دارد. علاوه بر کشاکش سی و چند ساله در یک سال و نیم^۱ اخیر هم در درون حزب دمکرات نبردی حاد و سرنوشت‌ساز میان ناسیونالیسم بورژوازی و دمکراتیسم خرد بورژوازی که اولیٰ کسب خود مختاری را عمدۀ ساخته و دیگری که نابودی سلطه امپریالیسم را مقدم می‌نماید، جریان داشته است. در چنین شرایطی غلبه بلا منازع این یا آن جناح، این یا آن سیاست در حزب دمکرات بطور بلا واسطه می‌تواند در جنبش ملی خلق کرد، تحولی تعیین کننده پدید آورد و در جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های میهنمنان ناثیرات عمیقی بر جای گذارد. اکنون چنانچه تمايلات ناسیونالیستی بر حزب غالب شود، آنگاه این جنبش از راستای ترقیخواهی به کجراه ناسیونالیسم بورژوازی و در این شرایط به مقابله با مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک همه خلق‌های میهن و نهایتاً انتقام به نیروهای وابسته و دشمنان مردم ایران کشیده خواهد شد و درست به همین علت است که شیوه برخورد با نیروهای درون حزب دمکرات از اهمیت خاص برخوردار است.

بطور مخصوص میتوان گفت چگونگی برخورد با انشاب درون حزب دمکرات میتواند گرفته نباشد. و توده‌های ستمدیده گرفته کرد و خرد بورژوازی شهری و بورژوازی نارشد یافته است. و این را حتی در ترکیب عناصر مشکله گذارده است. و این را حتی در عیان می‌توان مشاهده کرد. بدینگونه که در میان نیروهای حزب دمکرات از بازتاب خود را در حزب دمکرات به نمایش گذارد. اکنون چنانچه تمايلات ناسیونالیستی بر حزب تا سطح رهبری آن نیز به عیان می‌توان مشاهده کرد.

دھقانان فقیر و توده‌های ستمدیده گرفته کرد و خرد بورژوازی شهری و بورژوازی نارشد یافته است. و این را حتی در زمینداران تحقق آرمان‌های ملی خود را جستجو می‌کند. و از همینجا پیداست که چنین حزبی نمی‌تواند از تضادها و کشاکش‌های مداوم در امان بماند و نمی‌تواند سیاستی را در پیش گیرد که مطلوب هم‌های نیروها باشد. و البته این بدان معنی نیست که سیاست‌ها و عملکردهای چنین حزبی در آن واحد منافع یک طبقه و قشر معنی از این طبقه ناهمگون را منعکس ننماید.

از دوره جدید فعالیت حزب دمکرات تاکنون دو گرایش قدرتمند را در حزب دمکرات می‌توان تشخیص داد. ایک گرایش برآن است تا جنبش ملی را سمت ضد هم‌های نیروها باشد. و البته این بیشتر باستگیری کنونی مبارزات خلق‌های میهنمنان منطبق سازد. بر همین اساس این گرایش و سیاستی که معروف آن است، بطور مشخص در مقابل ناسیونالیسم تنگ‌نظر قرار داشته مخالف شوینیزم و مدافعانه برقراری صلح میان جنبش ملی خلق کرد و حکومت جمهوری اسلامی و مدافعانه سمتگیری جنگ علیه امپریالیسم، عوامل وابسته به آن و بطور اخص ضد انقلاب در منطقه است.

ایک گرایش دوم، گرایشی که بطور غالب بیانگر تمايلات بورژوازی رشد نیافتد است، مصراوه در بی آن است که جنبش ملی خلق کرد را به سطح بکشاند و آن را در چارچوب مبارزه برای کسب حقوق ملی اسیر سازد و لاجرم جنبش ملی خلق کرد را به ویژه در شرایط خاص کنونی انقلاب ایران، از جنبش ملی سراسری خلق‌های میهن ما بطور کلی جدا ساخته و بدون توجه به سمت و سوی اصلی مبارزات خلق‌های میهنمنان ما آن را هرچه برتر به سوی ناسیونالیسم بکشاند.

گرایش فوک و سیاست معرف آن عمل و نظرها به دامن زدن ناسیونالیسم تنگ نظرانه پرداخته و منافع خود را ترا ادامه جنگ با جمهوری اسلامی و شعلهور نگهداشت آتش جنگ برادرکشی در کردستان جستجو می‌کند. زیرا که جنگ قوی‌ترین عامل تقویت گرایشات تند ناسیونالیستی است. همچنان که گرایش نخست مدافعانه صلح است و با برقراری صلح شکوفا می‌گردد، گرایش دوم مخالف صلح بوده و با پایان پذیرفتن جنگ کنونی عرصه برای رشد آن تنگتر و تنگتر می‌گردد.

وجود این گرایشات متفاوت همچنانکه تدریجاً در سیاست‌های مشخصی تبلور یافته، به همینگونه سبب صفات‌آرایی عینی (لیکن هنوز انسجام نیافتد) نیروها در حزب دمکرات و شکل‌گیری ابتدائی جناح‌بندهای درون آن شده است. با این همه باید تأکید گرد که این جناح‌بندهای هنوز ناپخته و انسجام نیافتد است

ماهیت جریان‌های درون حزب دمکرات کردستان ایران

راستای همسوئی با نیروهای حاکم در بنیست می‌دید، از مهمترین علل آن بود.

ما به سهم خود باید این نیروها را به حفظ سنگرهای خوش و مبارزه پیگیر در راه تصفیه صفو

حزب تشویق می‌کردیم

ما فقط زمانی مجاز بودیم چندین سیاستی را ترک

کنیم که در می‌یافتیم انشاب بهترین و بیشترین زمینه را برای برقراری صلح در کردستان و تغییر هرچه سریعتر سمت جنگ و متوجه ساختن آن به سوی امپریالیسم و واپستان آن فراهم می‌آورد.

برخورد ما با انشاب که تائید آن را به همراه خود داشت، با جوهر سیاست ما مقایر و فاقد مختصات

سیاست اصولی سازمان دایر بر مبارزه برقراری

فوری صلح تغییر جهت جنگ و برگردانیدن آن به سوی امپریالیسم و ارتقاب وابسته به آن، گسترش خصلت

ضد امپریالیستی جنبش ملی و تامین حقوق ملی خلق کرد بوده است. در آن شرایط تنها و تنها مخالفت

قطع و آشکار با انشاب می‌توانست روح سیاست سازمان را در قبال حزب دمکرات و جنبش ملی خلق کرد،

حفظ کند.

انشاب و نیات "حزب توده"

فعالیت و موضوعی "حزب توده" در قبال

انشاب درون حزب دمکرات کردستان آشکارا با

مضمون سیاست اعلام شده این "حزب" مبنی بر

ضرورت برقراری هرچه فوری‌تر صلح در کردستان در

تناقض است.

حزب توده روش خود را در برابر حزب دمکرات

تابع تغییرات سیاست و روابط حاکمیت با حزب

دمکرات ساخته است. از این نظر هیچگاه نتوانسته

است مستقیماً در جنبش ملی خلق کرد تا شیر مشتی

داشته باشد. اکنون که ارزیابی هاچشم‌انداز روشی را

در جهت پیش‌بود را بخطه جناح سلط جمهوری اسلامی با

حزب دمکرات کردستان نمی‌دهد اکنون که رابطه جمهوری

اسلامی با نیروهای جنبش ملی خلق کرد روبه تیرگی

است و امکان پیش‌بود این روابط ضعیف شده است حزب توده

شخصاً خود را موظف می‌داند که برای همسوئی با

سیستم حاکم هرچه سریعتر بطور قطع با جنبش ملی

خلق کرد تعیین تکلیف نماید. بر این اساس حزب

توده تعیین تکلیف خود با جنبش ملی خلق کرد و

نفي کامل آن را به مهمنت از بررسی یکایک

جوانب مسئله و امکان تحول تناسب نیروها در درون

حزب، و تغییر آن به سود اکثریت حزب می‌شمارد

حزب توده قبل از هر چیز به خروج خود از بنیست

اندیشیده است. آیا نمی‌توان بطور قطع پیش‌بینی

کرد که جناح‌چه زوابط حزب حاکم با حزب دمکرات

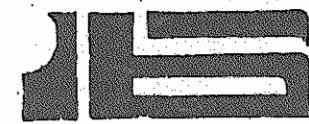
تحت تأثیر عوامل ایجاد

مانند پاییز و زمستان

گذشته حسنی بود، حزب توده تمام نیروی خود را

صرف تبلیغ برای بیرون کشیدن و در نتیجه منفعل

کردن بخشی از کادر رهبری و اعضای



بقیه از صفحه ۱

۱۰۰ هزار دمکرات کردستان از "حزب" نمی‌نمود؟ آیا نمی‌توان تصور کرد که موضع "حزب توده" نسبت به رهبری حزب دمکرات همین نبود که اکنون هست؟ نام این شیوه بروخورد را جز فرستطلی و اینوقتی چه چیزی می‌توان گذاشت؟ چرا همین که انشاعاب عطی شد حزب توده آن را به دروغ گامی بزرگ و مشبت در جهت برقراری صلح و منزه ماندن هسته سالم "حزب دمکرات اعلام" نمود. حال آنکه عملاً و بنا به شواهد عینی انشاعاب به تعاملات ناسیونالیستی دامن زده و امکان صلح را مشخصاً تضعیف کرده است. اما توگوئی اینها هیچگدام مسئله "حزب توده" نبوده است. مسئله حزب توده چیز دیگری بود که این انشاعاب آن را حل کرد. اکنون دیگر حزب توده فرست یافته است اینطور تبلیغ کند که نیروی پسلط/در جنبش ملی خلق کرد اضدانقلاب است و باید آن را سرکوب کرد. حزب توده در شرایط نوین قادر شده است بیشترین همسوئی را با حزب حاکم از خود نشان دهد و این برای "حزبی" مثل حزب توده کم چیزی نیست. آخر مگر نه این که تمام مطالعی که حزب توده راجع به روابط با عراق می‌گوید همه سالهای است که وجود دارد و "حزب توده" بخصوص از آن اطلع دقیق هم داشته است) چند از کادر مرکزی توده باورگردد باشد که انشاعاب تنی چند از کادر دمکرات اشتند، عمدنه نیروهای "حزب" هم، در حالی که حول همان سیاست غالب بر حزب دمکرات پسیج شده و در جریان هیچ نوع تبلیغ و ترویج موثر قرار نگرفته‌اند، به یک باره سخن "پیشو" را بیک پیگویند و به دنبال وی روان شوند؟ آیا حزب توده هم خیال کرده است با بیرون آمدن ناگهانی هفت نفر توده مردم هم ناگهان به دنبال آنان روان خواهند شد؟ آیا به راستی حزب توده فرمول "موتور کوچک، موتور بزرگ" را باور کرده است؟ پاسخ به این سؤالات هرچه باشد در هر حال یکچیز مسلم است که حزب توده خود را آماده کرده بود تا زیر فشار سنگین تبلیغات "مردم" حزب دمکرات نوین را به رسمیت بشناسد و "بنایی" حزب دمکرات اصلی را در "صف ضد انقلاب" جای دهد.

ولی حاصل کار در کردستان همانگونه که می‌شد پیشینی کرد، عکس آن چیزی شد که "حزب توده" نبلیغ می‌کرد. آفای غنی بلواریان و دوستان وی نه تنها موفق نشدند حزب را تحت هدایت خویش درآورند، بلکه عملاً بسیاری از امکانات پیشین خویش را نیز از دست دادند و نقش آنان در جنبش ملی خلق کرد تضعیف گردید و از نقشی که می‌توانست در تصفیه حزب، قطع جنگ و صلح با دولت جمهوری اسلامی و سرکوب عوامل خدا نقلاب در منطقه ایفا کنند کاسته شد. بدینگونه سیاست حزب توده در برخورد با خلق کرد با شکست آشکار روبرو شد. حال آنکه انشاعاب، حزب توده را در برخورد با حاکمیت ازین بستی که در آن قرار گرفته بود خارج ساخت. پس از انشاعاب حزب توده دست و پال خود را باز می‌بینند که "هم اکنون" حزب دمکرات را "صف ضد انقلاب" بنامند. اما اوظیفه ماست که از هر نیروی دفاع مبارزه ضد امپریالیستی بخواهیم حقیقت را بگوید و علل اشتباهات خویش را توضیح دهد. مانیزمی کوشیم تا آنجا در یک کلام تنها در چنین صورتی است که می‌توان جنبش ملی خلق کرد را به مثابه یک جنبش مترقبی واقعاً ترقیخواه، ضد امپریالیست و اندکابی ستایش کرد. اکنون باز این حاصل شناخت ما مانع از این است که از "حزب توده" با چنین نگرش و سیاستی انتظار داشته باشیم که خالصانه حقیقت را به مردم بگوید. سوابق ۵۴ ساله این "حزب" کهن سال تا امروز دلایل کافی برای نفی این برداشت به دست نمی‌دهد.

انشاءاب و وظایف پیشو

اکنون جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های امینه ما مرحله بس لحسان و خطیری را طی می‌کند. در این شرایط، جنبش ملی خلق کرد نیز در آستانه تحولی اساسی قرار گرفته است. اوضاع جاری از همه نیروهای صدیق اندکابی هرچه بیشتر هوشیاری و پایمردی می‌طلبد. اکنون دیگر آشکار شده است که ادامه جنگ کردستان بهترین زمینه مساعد را برای رشد ضد انقلاب فراهم می‌کند. اکنون آشکار شده است که پایان دادن هرچه سریعتر به جنگ کردستان و تغییر

دادن سمت "اعمال قهر" به سوی امپریالیسم و ارتجاج وابسته به آن که هیچگدام نمی‌تواند جدا از تامین حقوق ملی خلق کرد در چارچوب جمهوری اسلامی ایران تحقق یابند، باید هرچه زودتر دستور کار تمام نیروهای ملی، دمکرات و انقلابی قرار گیرد. هم از این روزت که در راه تامین حقوق ملی خلق کرد سازمان ما پیگیرانه می‌کوشد تا همه توان و اعتبار خویش را به کار بندد تا هر چه سریعتر به تقابل قهر آمیز جنبش ملی خلق کرد با جمهوری اسلامی شود و جنبش ملی خویش در کردستان سرافراز ما، کنامی خلق کرد باید هرچه سریعتر متوجه ضد انقلابیون شود که به خیال خویش در این دسته تجزیه بخشی از میهن و بر باد دادن دستاوردهای قیام خوبین خلق‌های ما به سر می‌برند.

اکنون در حزب دمکرات انشاعاب شده است. بخشی از رهبری از بیندهن جدا شده است. چنین رویدادی از هر زاویه که بنگریم به سود جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های میهنمان نبوده است. ارزیابی عینی تعادل جدید و موقعیت هر یک از نیروها در جنبش ملی خلق کرد پس از انشاعاب نشان می‌دهد که این انشاعاب به زیان مصالح این جنبش عمل کرده است. این انشاعاب به سود عوامل ناسالم و دست راستی در حزب تمام شده است. انشاعاب امکان صلح را تضعیف کرده است. اینها همه واقعیت‌های آشکاری است.

اکنون چریک‌های فدائی خلق ایران (اکثریت) اکنون از هیچ کوششی در جهت نزدیک کردن و هماهنگ کردن فعالیت آن دسته از نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران که از قطع درگیری‌های مسلحانه با جمهوری اسلامی، استقرار صلح بین جنبش ملی خلق کرد و جمهوری اسلامی، منفرد کردن و سرکوب دستجات ضدانقلابی همایش می‌کند، فروگذار نخواهد کرد. در این رابطه ما دستگیری و بازداشت فرست‌طلبانه و غیر دمکراتیک یاران آقای بلواریان توسط نیروهای وابسته به حزب دمکرات را به داشت محکوم می‌کنیم و آن را حاصل سیاست نیروهای دست‌راستی و شوینیست در حزب دمکرات می‌دانیم. آزادی فوری آنها قطعاً به سود مصالح جنبش ملی خلق کرد و در خدمت انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهنمان خواهد بود.

اکنون وظیفه همه نیروهای مبارز و صدیق خلق کرد است که با شور و توانی بیش از همیشه صوف نیروهای ضد امپریالیست را هرچه بیشتر تحکیم بخشیده و هرچه مصمم تر برای ترک مخاصمات بین جنبش ملی خلق کرد با جمهوری اسلامی، تغییر سمت‌اصلی مبارزه و بازگردانیدن آن به سوی ارتجاج وابسته به امپریالیسم و بعث عراق و تامین حقیقی حقوق ملی خلق کرد که حاصل آنهاست، تلاش ورزند. تنها در چنین صورتی است که زمینه تحقق اهداف جنبش ملی و دمکراتیک خلق کرد فراهم خواهد شد. تنها در چنین صورتی است که امکان واقعی تامین حقوق ملی خلق کرد در چارچوب جمهوری اسلامی ایران فراهم خواهد شد و در یک کلام تنها در چنین صورتی است که می‌توان جنبش ملی خلق کرد را به مثابه یک جنبش مترقبی واقعاً ترقیخواه، ضد امپریالیست و انقلابی ستایش کرد.

اکنون باید همه توان و اعتبار سازمان‌های سیاسی و شخصیت‌های ملی، مبارز و انقلابی نیز ویژه تحقق چنین اهدافی قرار گیرد.

به سوی اتحاد هرچه مستحکم تر نیروهای ضد امپریالیست . به سوی مبارزه هرچه قاطع تر با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاج وابسته به آن . چنین است سمت وسیعی سیاست ما و چنین است شعارما ، راهما ، راه‌همه خلق‌های ایران در راستای محو ستم ملی و تامین کامل حق تعیین سرنوشت خویش.

چرا "حزب توده" از انتشار بیانیه مشترک عصبانیست؟!

"حزب توده" شوق زده و شتاب‌آلود از انشاعاب حمایت کرد و آمده شد تا حزب دمکرات

جدیدی را به رسمیت بشناسد و شاهد وحدت "بنایی حزب دمکرات" با امپریالیسم و ضد انقلاب گردد. لذا همچنانکه به ستایش و بزرگنمایی جریان انشاعاب پرداخت، کوشید تا از سوی دیگر حزب دمکرات را هرچه بیشتر در محاصره تبلیغاتی قرار داده و به هر طریق و انmode نماید که این حزب همان ارتجاج و ضد انقلاب و وابسته به امپریالیسم است. طبعاً سیاستی که بدینگونه پی‌ریزی شده، نه آمده رویارویی شدن با ضعف جریان انشاعابی بود و نه مهمنت از آن تحمل روپرتو شدن با موضوعگیری‌ها و گرایش‌های مشتبه حزب دمکرات را داشت.

پیروزی چنین سیاستی بستگی به این داشت که اولاً عده‌تی خودی حزب دمکرات جذب بخش انشاعاب شود، ثانیاً بقیه آنچه که از حزب برجای می‌ماند به امپریالیسم و ضد انقلاب بپیوندد. اما هنگامی که غنی‌بلوریان و دوستان وی بتوانستند حمایت عده‌تی خودی نیروهای حزب دمکرات را جلب و هدایت این حزب را به دست گیرند و حتی تا حد زیادی نفوذ پیشین خود را در جنبش ملی از دست دادند، سیاست حزب توده آنقدر اهمیت داشت که وی را برانگیخت دست به تبلیغات عوام‌گیریانه و خربن بزنند. حزب توده ماهه‌ای می‌گفت حزب دمکرات باید علیه امپریالیسم و ضدانقلاب و وضعگیری کند لیکن در ماهه‌ای اخیر چنین وانمودی کرد که حزب دمکرات علیه امپریالیسم و ضد انقلاب موضوعگیری نخواهد کرد. به همین علت هنگامی که تبلیغات آنها نادرست از آب درآمد و واقعیات خلاف آن را نشان داد، کودکانه عصباتی شدند و "مراتب ناخرسنی" خویش را ابراز داشتند و فرست‌دهن از این بابت که "گذشته‌های" حزب دمکرات را فراموش کرده و با آن اعلامیه مشترک داده و بدین‌طريق وی را ضد امپریالیست "وانمود کرده" است مورد حملات مشهور خویش قرار دادند.

پس از صدور بیانیه مشترک سازمان و حزب دمکرات (۱۲ مرداد ۵۹) حدود ۲ هفته پس از آن "نامه مردم" ارگان مرکزی "حزب توده" مقاله‌ای مفصل همراه با "سد و مدرک" انتشار داد و طی آن تاسف، ناراحتی، نگرانی و در واقع عصبیت خود را از "ارتکاب" این "اشتباه بزرگ" و "به شدت نادرست" ابراز داشت و آن را حتی در عنوان مقاله نیز به نمایش گذاشت. آنها فدائیان را متهمن کردند که:

"حضورت نه تنها در قبال مثبت کلمات آتشین علیه بعث عراق و امپریالیسم آمریکا" "گذشته‌ها" را فراموش کنند و آنها را (حزب دمکرات را) خصم امپریالیسم آمریکا و بعث عراق وانمود سازند" (نامه مردم ۲ شهریور - تأکید از ماست)

در اینجا ظاهرا حزب توده ما را به خاطر فراموش کردن "گذشته‌های" حزب دمکرات مورد حمله قرار داده است، لیکن اگر نظر حزب توده را در مورد گذشته حزب دمکرات بزرگی کنیم درخواهیم یافت که انگیزه حزب توده از طرح این مسائل چیز دیگری است.

حزب توده در "گذشته" (۲۲ دیماه ۵۸) در نامه‌ای با امضاء نورالدین کیانوری خطاب به عبدالرحمان قاسملو دبیرکل کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان چنین می‌گوید:

"شما خوب می‌دانید که دولت بعث عراق، با ارسال اسلحه و پول و مهمات و آذوقه از گروههای وابسته به خود و دیگر گروههای ضدانقلابی، از دارودسته شیخ‌عثمان و شیخ‌جلال و روزگاری گرفته تا کومله و دارودسته سرهنگ علیار با تمام قوا پشتیبانی می‌کند - شما خوب می‌دانید که دولت بعث عراق به نمایندگی جبهه مشترک دشمنان انقلاب ایران، یعنی آمریکا، اسرائیل، رژیم سادات و عربستان و بلوجستان در پخش اسلحه و پول در خوزستان و تجهیز نیروهای ضدانقلاب فعالانه دست به کار است. شما خوب می‌دانید گروههای از ارتشیان ضد

"حزب قوده" و اشغال حزب دمکرات کردستان

داشتن خصلت‌های منفی می‌شوند که یا نیوز در آنها شکل نگرفته است و یا اساساً احتمال آن بی‌یه اثبات نشده است. حزب توده در جستجوی ناسیس نام نیک خویش در دستگاه حکومت در میان نیروهای دمکرات ملی و حتی انقلابی در بی‌یه اثبات ننگی است که خود می‌داند حقیقت ندارد.

جريان‌های خط ۳ و همکران آنها حکومت را ضدخلقی و وابسته به امپریالیسم معرفی می‌کنند. آنها قبول نمی‌کنند که آنچه در آینده ممکن است رخ دهد نباید از هم اکنون به وجود آن معتقد بود. آنها بر اساس این برخورد آثارشیستی تمام گرایش‌های ضد امپریالیستی و مشتبه حکومت را آشکاراً نفی می‌کنند یا از آن تعابیر نادرست ارائه می‌دهند. آنها حکومت را به داشتن خصلت‌های متهم می‌کنند که در حکومت نه تنها تکوین نیافته است بلکه مشخصاً عکس آن نیز عمده است.

"حزب توده" نیز در مورد بسیاری از جريان‌های سیاسی غیر حاکم چنین قضاوتی دارد. حزب توده همان شیوه اپورتونیستی برخورد جريان‌های خط ۳ را پیرامون حاکمیت در مورد دیگران بدکار می‌بندد.

مروری بر چرخش‌های حزب توده از قیام تا امروز

تعقیب سیاست "حزب توده" در یک سال و نیم گذشته و بررسی موضع آن در برابر نیروهای جنبش ملی کردستان در شناخت انگیزه این جريان در اتخاذ این یا آن موضع سیاسی و تشخیص دیدگاه‌های آن در مبارزه طبقاتی جاری سهم شایان توجهی ایفا می‌کند.

بررسی‌های ما پیرامون شیوه برخورد "حزب توده" با نیروهای سیاسی در کردستان اثبات می‌کند که برخورددهای این حزب تابع نگرش و رابطه جمهوری اسلامی ایران با این نیروها بوده است. و فراز و فروز این رابطه تبدیل روابط حسنی به روابط تیره و بالغنس عامل بسیاری در سمت دادن موضع حزب توده نسبت به نیروهای سیاسی کردستان بوده است.

"مردم" در اولین شماره خود، زیر عنوان درشت بالای صفحه اول "خلق کرد سرنوشت خویش را به دست می‌گیرد" می‌نویسد:

"جنبش انقلابی خلق کرد به پیروزی نزدیک شده و خود مختاری کردستان ایران را در چارچوب تعاملی ارضی ایران در دستور روز قرار داده است. پیروزی خلق کرد باید در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تسجیل شود... دولت موقت انقلابی تاکنون تماش‌های با رهبران کرد گرفته و مسایل منطقه را مورد بررسی قرار داده است. امیدواریم این بررسی‌ها از موضع سالم و دمکراتیک انجام گیرد و به نتایج درستی برسد".

"حزب توده" در این زمان از خود مختاری کردستان به صورت امری در حد تعیین سرنوشت یاد می‌کند. ثانیاً آن را که دستور روز می‌بیند. ثالثاً اظهار امیدواری می‌کند که دولت در تماش‌های که با رهبران کرد گرفته، از موضع سالم و دمکراتیک "برخورد کند. همه می‌دانیم که این "رهبران کرد" به تصدیق روزنامه‌های آن‌زمان هم همین رهبران فعلی آن حزب بوده‌اند که به دیدار بازارکان و امام رفته بودند. دو هفته بعد (مردم شماره ۲ هشتم فروردین) به دنبال مسافت آفایان طالقانی، رفسنجانی و بنی می‌نویسد:

"ما به همه مبارزین انقلابی و به ویژه آیت الله طالقانی و آیت الله عزالدین حسینی که توانسته‌اند برساین مسائل به توافق برسند، تبریک می‌گوییم" از فاصله فروردین تا مرداد ماه حزب توده تقریباً نسبت به مسائل کردستان سکوت می‌کند. طی این مدت جز یک دو هشدار در مورد فعالیت پالیزان و فئودال‌های کردستان و یک دو نیش به "مائوئیست‌ها" حرکت دیگری از حزب توده به چشم نمی‌خورد.

تنها در ۲۲ مرداد یعنی حدود یک ماه بعد از حوادث مریوان و چند ماه بعد از جنگ نقده و ۴ روز قبل از حوادث پاوه و قرقی مسلم می‌شود که بین حزب دمکرات و دولت درگیری مسلحانه رخ خواهد داد،

"سرپرده امپریالیسم آمریکاست" پس چرا "حزب توده" ۹ ماه پیش (۲۲ دی ماه) از آین "سرپرده بی‌چون و چرای امپریالیسم آمریکا" می‌خواهد که سرسیردگان و وابستگان به امپریالیسم آمریکا را افشا کند؟ و در کشیدن خط جدائی میان خود و این نیروها" درنگ نکند؟

ایا نمی‌توان از این تنافضات نتیجه گرفت که دغدغه حزب توده نه از اصلاح‌ناپذیری حزب دمکرات بلکه از جاهای دیگر آب می‌خورد؟

ایا نه این است که اگر حزب دمکرات به نفع شیخ عثمان و شیخ جلال و امثال‌هم موضع گیری می‌نمود از بعده آوردن یک مایه شیرین تبلیغاتی بینهاست خرسند می‌شد؟

"حزب توده" با صد سلام در پی یک علیک حزب جمهوری اسلامی به هر دری سر می‌زند. حزب توده همیشه و در همه جا آماده است که گرایش "مشتبه" را هر چند کوچک و پنهان و ضعیف چنانچه از جانب حکومت باشد، پیشوای کند و به آن امیدها بیندد و تا می‌تواند روی آن تبلیغ کند. تاکنون اثبات شده است که حزب توده این سیاست را تنها در مورد نیروهای درون حکومت با قاطعیت پیش برده است و برخورد وی با دیگر نیروها مشخصاً تابع برخورد حکومت با آنها و بالعکس بوده است.

"مردم" در ۲ شهریور مدعی شده است مادرست در زمانی با حزب دمکرات بیانیه مشترک امضاء کرده‌ایم که رهبران حزب دمکرات که "به برکت افشاگری‌های نیروهای متفرق و انقلابی، زیر ضربه شدید افکار عمومی و نیروهای آگاه خلق و دیگر نیروهای صدیق انقلابی قرار گرفته بودند" اما به اعتقاد ما به شهادت برخوردگاه‌های ۱۸ ماهه حزب توده، رکن عمدۀ این "افکار عمومی" مورد نظر آنان چگونگی روابط حزب جمهوری اسلامی با حزب دمکرات کردستان در مراحل مختلف بوده است.

حقیقتی که در ۱۸ ماه گذشته مدام شاهد آن بوده‌ایم آن است که روابط حزب توده با حزب دمکرات همواره تابع نوسانات مناسبات جمهوری اسلامی با حزب دمکرات بوده است.

زمانی که مناسبات جمهوری اسلامی با حزب دمکرات "حسنه بود" رهبری حزب دمکرات از سوی رهبران "حزب توده" وارد به حق مبارزات رهایی بخش ضدامپریالیستی خلق کرد" (مردم ۸ دی ماه - زمانی که روابط جمهوری اسلامی با حزب دمکرات حسن است) قلمداد می‌شود. به همین دلیل امروز حزب توده می‌گوید چرا درست در زمانی که رابطه جمهوری اسلامی با حزب دمکرات (و به تبع آن روابط حزب توده با حزب دمکرات) در اوج نیرگی است این "سی‌بالاتی" ها را به خرج داده‌ایم؟ کافر همه را به کیش خود پندارد!

بحث بر سر این نیست که جنبش ملیت‌های تحت ستم و جریان‌های سیاسی مربوط به آن ممکن نیست که به انحراف کشیده شده و در خدمت امپریالیسم و نیروهای وابسته به آن درآیند. سرنوشت فاجعه‌آمیز ملأ مصطفی خود گواه این امر است. بحث بر سر این است که با کدام انگیزه‌ها و از کدام زوایا در برخورد با مسئله ملی موضعگیری می‌شود؟ بحث بر سر این است که آیا باید روابط حکومت‌های ملی با جنبش‌های ملی در این یا آن لحظه مبنای قضاوت مایه این امور این‌جا می‌قرارگیرد یا روش برخورد اصولی با مسئله ملی پایه دیگری دارد؟

مسلم است که چنانچه مبارزات ملیت‌ها در راه تساوی حقوق ملی تحت الشاعر مبارزه آنها علیه امپریالیسم قرار نگیرد زمینه بهره‌گیری امپریالیست‌ها از مبارزه ملیت‌های تحت ستم فراهم خواهد شد. همانطور که در حکومت‌های ملی نیز همواره زمینه غله نیروهای راست و بازگشت نیروهای وابسته به امپریالیسم به قدرت مشخصاً فراهم است، در جنبش‌های ملی هم زمینه نیزه نیز همواره زمینه غله نیروهای از این قرار داده است که مانع از رشد کارهای خود را. این قرار داده است که حاضر از این راه حتی گرایش‌های انحرافی در حکومت شود و در آین راه حتی هم به گرو بگذرد. مدام در انجام این امر در ظرفیت تحول مثبت حکومت اغراق می‌کند و حتی آماده است از این هم بیشتر اغراق کند. چگونه زمانی که نوبت به جریان‌های می‌رسد که حاکم نیستند این وسوسه نه تنها رنگ می‌بازد و حتی به ضد خود نیز بدل می‌شود و ظرفیت‌های متفرق نیروها بر مبنای تیرگی روابط حکومت با آنها گم می‌شود و نه تنها گم می‌شود بلکه متهم به

انقلابی در تهران و در واحدهای دیگر ارتش با نیروهای وابسته به ضد انقلاب در کردستان رابطه برقرار کرده و اقدامات آشوب‌طلبانهای را ترتیب می‌دهند" ... پس از برگردان این هشدارها، کمیته مرکزی حزب

توده در ادامه نامه خود خطاب به کمیته مرکزی حزب دمکرات چنین می‌گوید:

"انقلاب ایران از رهبری حزب دمکرات کردستان ایران، حزبی که بدون شک بخش چشمگیری از بهترین فرزندان انقلابی می‌باشد دوست خلق کرد در صفوتش گرد آمده‌اند، می‌طلبد که بی‌درنگ در اقدام همه‌جانبه دست زند و از این راه کمک موثری به تثبیت و تحکیم گسترش انقلاب برساند. دوستان خلق کرد و انقلاب ایران از رهبری حزب دمکرات کردستان انتظار دارند که هرچه سریعتر خود را از جبهه همکاری با کومله و گروههای گاده‌جو و آنارشیست که با جنگ و آشوب بازی می‌کنند، جدا کند و توطئه‌های ضد ملی و ضد انقلابی آنها را افشاء نمایند".

(نامه مردم ۵ تیرماه ۵۹ - تاکید از ماست)

در این نامه کمیته مرکزی حزب توده به صراحت "از رهبری حزب دمکرات کردستان (قاسملو)" انتظار دارد" بی‌درنگ در کشیدن خط مشخص و بدون ابهام، جدائی این نیروهای می‌باشد دوست و ترقیخواه کرد و گروههای افغانستان را از خلقت پیشه وابسته به دشمنان انقلاب به اقدام همه‌جانبه دست زند "حزب دمکرات کردستان در بیانیه مشترک با سازمان ما در تاریخ ۱۲ مرداد ماه چنین می‌گوید:

"اکنون رژیم جناحتکار و ضد خلقی بعث عراق به پایگاه‌منی برای همه دشمنان ایران تبدیل شده است. رژیم فاشیستی بعث که در داخل کشور خود خلق‌های عرب و کرد را از کلیه آزادی‌های اجتماعی محروم ساخته و سیاست سرکوب فاشیستی نیروهای متفرق در داخل عراق را دنبال می‌کند اکنون که انقلاب ایران را خطری برای سلطه جناحتکارانه خود می‌داند در صدد توطئه برآمده با سوء استفاده از احساسات پاک مردم کردستان و خوزستان درصد است که به انقلاب ایران ضریب وارد آورد. حضور مداوم جناحتکارانی چون شاپور بختیار، اویسی، پالیزبان، سردار جراف، زند و خسروپناه و تعداد زیادی از مزدوران فراری رژیم شاه در عراق نیات واقعی آنها را به خوبی نشان می‌دهد. این مزدوران اکنون با شبکه ایادی امپریالیسم آمریکا در داخل ایران روابط گستردۀ ایجاد کرده‌اند. وجود دستجات ضد انقلابی و مزدوری نظیر سپاه رزگاری مزدوران وابسته به بختیار، اویسی، پالیزبان و سردار جاف و حامد بیگ و شیخ محمد کریچنها، علی قاضی (کوئی ره ش) و شبکه افسران سلطنت طلب فراری تحت عناین ازتش رهائی بخش ایران و سازمان قیام ملی همه حکایت از توطئه‌های رژیم بعث و امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و جنبش حق طلبانه خلق کرد

"حزب توده" که در ۵ تیرماه امسال اپنطور تبلیغ می‌کند که رهبران حزب دمکرات "کشیدن خط جدائی خواسته‌های مشروع خلق کرد نمی‌دانند" (مردم ۵ تیرماه) چگونه می‌تواند از موضعگیری اخیر حزب دمکرات برآورده نشود؟ باید پرسید چه عاملی جز فرصت‌طلبی می‌تواند شده باشد؟ حزب توده اکنون عصبیت حزب توده شده است زیرا در پیشورد لواز دفاع از حقوق خلق کرد ... در پیشورد توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و بعث عراق از هیچ‌گونه هم‌دلی و همراهی فروگذار نکرده‌اند ... و سوسیسی دیگری بی‌چون و چرای خود را به بعث عراق و امپریالیسم آمریکا به اثبات رسانیده‌اند".

(مردم ۲ شهریور ۵۹) اگر رهبری حزب دمکرات "۱۸ ماه است" واقعاً

"حزب توده" و انتساب در حزب دمکرات کردستان

چهارشنبه ۱۹ شهریور
سال دوم - شماره ۷۵ - صفحه ۴ ضمیمه

مالی و اسلحه‌اش مستقیماً از جانب عراق و حزب بعثت تامین می‌شود "تفاوت بنیادی دارد" در چنین شرایطی حزب دمکرات کردستان ایران مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم را در صدر برنامه مبارزات خود قرار داده و در این مسیر قاطعه‌انه مبارزه می‌نماید "در چنین شرایطی" حزب توده ایران و حزب دمکرات کردستان "کنار هم قرار می‌گیرند و هر دو" هادار حل سیاسی مسئله کردستانند". در صورتی که دو ماه قبل در تمام طول مهر ماه، زمانی که جنگ درگیر است:

"حزب دمکرات کردستان جداست از حزب ما" "هیچگونه رابطه سازمانی بین حزب ما و حزب دمکرات کردستان وجود ندارد...،" قاسم‌لو یک زمانی عضو حزب توده ایران بود، بعد اخراج شد. به علت همان روش‌های نادرستی که داشت ...

موضع حزب توده را مبنی بر حزب دمکرات کردستان در ماه‌های بعد همچنان دنبال می‌کنند: حقایق بازهم بیشتری از مبانی اتخاذ سیاست‌های حزب توده روشن می‌شود:

بینید! حزب توده تنها ۶ ماه بعد یعنی ۵ تیر ۵۹ در آن لحظه کنونی روابط جمهوری اسلامی و جنبش ملی خلق کرد بسیار تیره است و هیچ واکنش مساعدی درجه‌صلاح و مذکوره بخصوص از جانب حزب جمهوری اسلامی به چشم نمی‌خورد، راجع به گروه "قاسم‌لو" که از همان ابتدا رهبری حزب دمکرات را در دست داشته است چه می‌گوید:

"گروه قاسم‌لو که خود را مدافع حقوق حق خلق کرد و ضد امپریالیست می‌نماید در ۱۶ ماهه پس از انقلاب نهانها در این جهت (مقابله با ضد انقلاب) حرکت نکرده است، نه تنها تحقق آرمان‌های خلق کرد را نزدیک نساخته است، نهانها به مبارزه ضد امپریالیستی خلق‌های ایران پاری نرسانیده است بلکه ... با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، بعث عراق و عمال آنها" با هماهنگی کامل عمل کرده است.

(تاکید از ماست) آقایان. واقعاً سرچشمه این بی‌صادقتی در گفتار و کردار که در لابلای این موضع‌گیری به نزد روزنامه به چشم می‌خورد چه چیز می‌تواند باشد؟

آیا این بدان معنا نیست که سیاست شما تابع نوسانات سیاست خرد بورژوازی حاکم است و از تغییرات آن رنگ می‌پذیرد؟ آیا این بدان معنی نیست که سیاست شما مستقل نیست؟

تعقیب سیاست حزب توده بازهم دلایل بیشتری برای اثبات این مدعای ما در باره موضع حزب توده در کردستان به دست می‌دهد.

نهانها دو ماه بعد مردم ۲ شهریور می‌نویسد:

"آنها ۱۸ ماه است، زیر لوای "دفاع از خلق کرد . . . در پیشورد توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و بعث عراق علیه انقلاب ایران از هیچگونه همراهی و هم‌دلی فروگذار نکرده‌اند و ... سرپرده‌گی بی‌چون و چراخی خود را به بعث عراق و امپریالیسم آمریکا به اثبات رسانیده‌اند . . ."

بالاخره کدام حرف را باید باور کرد؟ آیا "حزب دمکرات کردستان ایران" به حق وارث مبارزات رهائی بخش ضد امپریالیستی خلق کرد به رهبری قاضی محمد است با این قبیل گروهها و عناصر که منبع مالی و اسلحه‌شان مستقیماً از جانب عراق و حزب بعث تامین می‌شود - تفاوت بنیادی دارد (مردم ۸ دی ماه ۵۸ زمانی که روابط حکومت با دمکرات‌ها حسن‌است) یا آنها ۱۸ ماه است. (یعنی در تمام دوران پس از انقلاب) در پیشورد توطئه‌های امپریالیسم امریکا و بعث عراق از هیچگونه همراهی و هم‌دلی فروگذار نکرده و سرپرده‌گی خود را به بعث عراق و امپریالیسم آمریکا به اثبات رسانیده‌اند" (مردم ۸ ماه بعد. زمانی که روابط حکومت با دمکرات‌ها تیره شده است).

☆ ☆ ☆

مسئولیت سازمان در قالب جنبش ملی در کردستان و مبارزات خلق‌های سراسر ایران ما را وامی دارد که مسائل پیچیده‌ای را سیاست رابطه جنبش ملی خلق‌های تحت ستم ایران با جنبش سراسری علیه امپریالیسم و وظایف پرولتاریا در پرآبر ۸۰ مورد بحث قرار دهیم. ما در آینده آخرين جمع‌بندی‌های خود را از مسائل فوق منتشر خواهیم کرد. باشد که در راه اعتلای جنبش‌کمونیستی ایران و تامین رهبری پرولتاری در مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران کام‌های بازهم بلندتری به پیش برداشیم.

هم در اینجا فراموش نشده است. "مردم" این حرف خود را از زبان روزنامه انقلاب اسلامی نقل می‌کند. (توجه داشته باشیم که رهبر حزب دمکرات همان آقای قاسم‌لو است) . در اینجا می‌بینیم که حزب توده نشان می‌دهد که راه حزب توده در سمت گیری‌های عده "در آن لحظه کنونی" با راهی که "حزب دمکرات پیشنهاد می‌کند" شباهت‌های جدی داشته است. در این لحظه کنونی "جنگ تمام شده است و روابط حکومت با نیروهای سیاسی کردستان رو به بهبود است. ۱۵ روز بعد در ۲۱ آبان ۵۸ از نو مردم می‌نویسد:

"خلق کرد و حزب دمکرات کردستان ایران مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم را در صدر برنامه مبارزه می‌کند، بازهم حزب توده زرنگی را از یاد نبرده است. "مردم" این مطلب را از قول قطعنامه راهپیمایان بانه نقل می‌کند. متن نوشته روزنامه مردم دقیقاً می‌خواهد این برداشت را القاء کند که حزب توده کاملاً پذیرفته است که "حزب دمکرات کردستان ایران مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم را در صدر برنامه مبارزات خود قرار داده" و اساساً نقل این مطلب هم دقیقاً به همین علت بوده است. روز شنبه ۸ دی‌ماه ۵۸ حزب توده از این هم صریح‌تر حرف می‌زند:

"مردم" می‌نویسد: "صف انقلاب و ضد انقلاب در کردستان باید روش شود"

در تقسیم بندی حزب توده در این روز حزب دمکرات کردستان ایران، حزب توده و هیئت حسن نیت جزو صاف انقلاب و فدائی و کومله ضد انقلابند. "مردم" در آن لحظه کنونی "چنین توضیح می‌دهد:

"از این گروه‌ها (اخلالگران) یکی هم حزب رحمتکشان انقلابی خلق کرد (کومله) است که بین خلق کرد پایگاهی ندارد... منبع مالی و اسلحه این گروه مستقیماً از جانب عراق و حزب بعثت تامین می‌شود.

"مردم" در آخر مقاله خود درباره حزب دمکرات کردستان ایران رسم‌آور می‌کند:

در چنین شرایط حساس و آشفته وظیفه خطیر و مهم حزب دمکرات کردستان ایران که از هر حیث به‌این قبیل گروه‌ها و عناصر تفاوت بنیادی دارد، وارث به حق مبارزات رهائی بخش ضد امپریالیستی خلق کرد به رهبری قاضی محمد است. این است که با اتخاذ موضع سیاسی اصولی و روشن و مستقل از گروهکهای خرابکار در راه دفع ستم ملی از خلق رنج‌ددیده گرد گامی به‌جلو بردارد". (تاکید از ماست)

اینجادیگر حزب توده از دهان این و آن حرف نمی‌زند و خودش صریحاً می‌گوید "حزب دمکرات با کومله که منبع مالی و اسلحه‌اش مستقیماً از جانب عراق و حزب بعثت تامین می‌شود" تفاوت بنیادی دارد و وارث به حق مبارزات رهائی بخش ضد امپریالیستی خلق کرد" است.

می‌دانید چرا حزب توده روز ۸ دی‌ماه ۵۸ این حرفها را می‌زند؟ زیرا "پیام تاریخی امام خمینی" خطاب به مردم کردستان انتشار یافته است. آتش بس برقرار شده و هیئت حسن نیت مشکل از آقایان فروهر، سحابی و صباحیان" در کردستان با هیئت نماینده‌گی خلق کرد. در حال مذکوره هستند. در آن لحظه کنونی "حزب دمکرات کردستان ایران همان حزب است. رهبری آن همان رهبری است فقط حکومت سیاست دیگری در پیش گرفته و از در آشتی با حزب دمکرات وارد شده است. زیرا از جنگ در آن شرایط کاری ساخته نبود. حکومت و روزنامه‌های حکومتی قاسم‌لو را به عنوان رهبر حزب دمکرات و نماینده ملیون کرد علماً به رسمیت شاخته‌اند و با وی به مذکوره نشسته‌اند و مذکورات هم بنابر گزارش روزنامه‌ها در حال پیشرفت توصیف می‌شود. جالب توجه این که قاسم‌لو نه تنها از موضع سیاسی خود پس نکشیده است بلکه مشخصاً خواسته‌ای بسیار کسره‌دار شرایط قبل از جنگ مطرح کرده است

خواسته‌هایی که مشخصاً یکی از بزرگترین موانع را در مذکورات پیدید آورد. در آن لحظه کنونی حزب دمکرات کردستان ایران به رهبری قاسم‌لو با کومله‌که منبع حل سیاسی مسئله کردستانند." و با این برخورد با عجله تلاش می‌کند تا حزب توده و حزب دمکرات را هر چه می‌تواند به یکدیگر نزدیکتر جلوه دهد. البته زرنگی‌های سیاسی برای توجیه مطلب

بچه از صفحه ۳

"مردم" مقاله‌ای تحت عنوان "حزب توده ایران" فعالیت سازمانی خود را در کردستان آغاز می‌کند برای نخستین بار برای از سرگردانیدن وضعیت پحرانی که پیش آمده است و کار کشیدن پای خود از مسئله ملی شتابزده می‌کوشد نشان دهد که حزب دمکرات از حزب توده جداست و "پیوندها مربوط به گذشته" بوده است. در این مقاله حزب توده از رهبری حزب دمکرات انتقاد می‌کند و "حزب دمکرات کردستان" را متهم می‌کند که به موافقت (قبلی خود) در جهت تشکیل حزب واحد سراسری طبقه کارگر "پشت پا زده است. "اما در عین حال در همین مقاله که قبل از تکفیر حزب دمکرات نوشته شده گرچه از رهبری آن به عنوان "دوستان کرد" یاد می‌کند، با این همه تاکید می‌کند که رهبران حزب دمکرات راهی را برگزیده‌اند که با سمت گیری‌های عده، باراهی که حزب توده ایران در آن دوره و در لحظه کنونی درست می‌دانست و می‌داند اختلافات جدی داشته و دارد" پس از یک ماه و نیم وقفه در کار علنی به حزب توده احتمالاً اجازه فعالیت داده می‌شود و حزب توده هم در اولین حركت علني خود، مصاحبه مطبوعاتی که در روزنامه‌ها منتشر شد، پیرامون جنگ برادرکشی جنبش ملی و جمهوری اسلامی چنین اظهار نظر می‌کند:

"علوم نیست این پاسداری که شب کشته می‌شود، به دست کشته می‌شود؟ ساواکی است که او را می‌کشد، یا کرد واقعی متعصبی است، یا نماینده پالیزبان و یا اصلاً عامل خارجی است؟"

(مردم ۱۸ مهرماه ۵۸) این مذیانه‌ترین قضایت برای منحرف کردن و بدین کردن افکار عمومی نسبت به ماهیت نیروهای انتشارگرانه قشری با ناسیونالیسم به قهر کشیده شده است. اما حزب توده غرضانه با این کلمات ذهنیتی را به میان مردم می‌برد که گویا جنگ کردستان، جنگ پاسداران با ساواکیها و پالیزبانها و "یا اصلاً عامل خارجی است؟!" پرسیدنی است با دادن یک برای حزب توده دارای اهمیت بیشتر بوده است:

همسوسی با تبلیغات جمهوری اسلامی درباره مسئله ملی در کردستان و با به خود مردم می‌دهد یا جستجوی واقعی راه حل سیاسی (مسالمت‌آمیز)؟ این گفتار نشان می‌دهد که حزب توده که مذیانه طرف جنگ با جمهوری اسلامی را بطور غالب ساواکی و پالیزبان و عامل خارجی هرفی می‌کند، دیگر حق ندارد آن را جنگ پرادرکشی بنامد و از راه جل مسالمت آمیز دفاع کند. آیا حزب توده معتقد است با ضد انقلاب هم باید برای دستیابی به راه حل مسالمت آمیز وارد مذاکره شد؟ این درست همان تناقضی است که هم اکنون نیز با شعله‌ور شدن آتش جنگ در کردستان سیاست حزب توده بدان دچار شده است. حزب توده در گفتار از راه حل سیاسی و مذاکره و طرح ۶ ماده‌ای صحت می‌کند اما در عمل اینطور تبلیغ می‌کند که گویا عده نیروی مبارز در کردستان هم اکنون به ضد انقلاب پیوسته و با آن یکی شده است.

"حزب توده" فرصل طلبانه هرگاه فشار دستگاه روح خلق کرد و حزب دمکرات به عنوان بزرگترین سازمان سیاسی ملی کردستان بر اثر تشدید خصوصت ملی افزایش یافته است، خود را از حزب دمکرات جدا کرده و اعلام کرده است که "حزب دمکرات کردستان جداست از حزب ما و هیچگونه رابطه سازمانی بین حزب و حزب دمکرات وجود ندارد... قاسم‌لو یک زمانی عضو حزب توده ایران بود، بعد اخراج شد، بعد از این اخراج اعلام شد". (مردم "چهارشنبه ۱۸ مهر ماه ۱۳۵۸")

توجه کنید! "مردم" این حرف‌ها را در روز ۱۸ مهر ۵۸ زمانی که جنگ کردستان در اوج آن است اعلام می‌کند . حزب توده خود را بالکل کنار می‌کشد و می‌کوشد حزب دمکرات کردستان را از "حزب توده ایران" هرچه می‌تواند دورتر جلوه دهد.

لیکن ۲۴ روز بعد یعنی روز ۱۲ آبان یعنی زمانی که جنگ فروکش کرده، آتش بس اعلام شده و هیئت حسن نیت دولت راهی کردستان است، همین روزنامه مردم می‌نویسد:

"حزب توده ایران و حزب دمکرات کردستان هوادار حل سیاسی مسئله کردستانند." و با این برخورد با عجله تلاش می‌کند تا حزب توده و حزب دمکرات را هر چه می‌تواند به یکدیگر نزدیکتر جلوه دهد. البته زرنگی‌های سیاسی برای توجیه مطلب